

بررسی مشاغل سخت و زیان‌آور در کانون کارفرمایی

۱۲



زنگ خطر
در مهندسی کشور

۶

مباحثی از
حقوق ساخت

۲۲

توقف در ساخت و ساز
با کاهش ارزش پول ملی

۴

کمبود آب؛ بزرگترین بحران
در آینده ایران

۴۷

HEPCO

ENGINEERING & PARTS CO



شرکت مهندسی و قطعات ماشین آلات راهسازی ایران

محصولات سایز کوچک راهسازی



تولید کننده رولیک و انواع جک های هیدرولیکی ماشین آلات راهسازی و معدنی



آدرس: تهران کیلومتر ۱۹ جاده قدیم کرج نبش خیابان لطیف جباری تلفن تماس: ۴۴۹۸۱۴۵۴ - ۴۴۹۸۸۹۱۷ دورنگار: ۴۴۹۸۸۹۱۵ - ۰۲۱

Email: Hepcoengineering@GMAIL.COM

تلفن همراه: ۰۹۱۲۳۲۲۴۰۰۱ - ۰۹۱۲۲۴۰۸۵۴۷



PMA



دارای مشخصه فنی C2TES1
طبق استاندارد بین‌المللی EN12004 اروپا



چسب سرامیک سفیدرنگ دو جزئی بر پایه سیمان

بسیار انعطاف پذیر با چسبندگی عالی

مناسب چسباندن سرامیک روی گف و دیوارهای سیمانی
در محیط و فضاهای داخلی ساختمان



کاتالوگ
کامل
محصولات



pma.co.ir

www.pma.co.ir

تهران، خیابان شیخ بهایی، خیابان برزیل غربی، پلاک ۸۰

۰۲۱ ۴۵۶۰۹

قابل توجه شرکت‌های عمرانی

برگزاری مراسم در سالن سندیکا



سالن
همایش
سندیکا



سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران آمادگی دارد

میزبان مجالس، مجامع و ... شرکت‌ها در محل سالن همایش و لابی سندیکا باشد

info@acco.ir | www.acco.ir

تهران، خیابان طالقانی خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی) پلاک ۸۶
تلفن: ۶۶۴۶۰۱۹۵، ۶۶۴۶۴۲۶۱ (ده‌خط) نمابر: ۶۶۴۶۴۰۸۴



ارگان رسمی سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

PAYAMEBADGARAN

سال ۴۱ | فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۲ | شماره ۴۰۹ دوره جدید ۱۷۹

Syndicate Of Iran Construction Companies
Monthly Magazine

- حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پورآقا
- خبرنگار: آرزو نوری
- عکس و صفحه آرایی: داود خانی
- مسئول تبلیغات و آگهی: سید مهدی برقی
- لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

- صاحب امتیاز: سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران
- مدیرمسئول: جواد خوانساری
- شورای سیاست گذاری:
- منوچهر ملکینانی فرد (نماینده هیأت مدیره)
- جواد خوانساری (مدیرمسئول)
- بهمن دادمان (رئیس هیأت مدیره)
- ایرج گلابتونچی (دبیر سندیکا)
- سالار علیاری (خزانه دار سندیکا)
- محمود مصطفی زاده (سردبیر)
- رئیس کمیسیون انتشارات: منوچهر ملکینانی فرد
- سردبیر: محمود مصطفی زاده
- کمیسیون انتشارات و تحریریه:
- منوچهر ملکینانی فرد
- محمود مصطفی زاده
- محمدعلی پور شیرازی
- مجتبی ضربایی

ایرج گلابتونچی
توحید زورچنگ
مریم خوانساری

فهرست مطالب

مکاتبات
مکاتبات سندیکا ۳۲

توقف در ساخت و ساز با کاهش ارزش پول ملی
/ سر مقاله ۴

مباحثی از حقوق ساخت (۳)
در خصوص قراردادهای پیمانکاری و اجزا مختلف آن ۳۴

زنگ خطر در مهندسی کشور
/ گفتگو ۶

مطالعات پژوهشی برای تدوین دستورالعمل های بازرسی، تعمیر و نگهداری پل ها / مقاله ۳۵

بررسی مشاغل سخت و زیان آور در کانون کارفرمایی
/ نشست ۱۶

«تبعیض دهه ۸۰» در انتظار پیمانکاران؟
/ مقاله ۳۸

قانون مشاغل سخت و زیان آور به اهداف خود نرسیده است
/ گزارش ۲۲

کمبود آب؛ بزرگترین بحران در آینده ایران
/ اخبار صنعت ۲۲

نوشته های نویسندگان، لزوما نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسال مختار است و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه سازی آن مجاز است، در ضمن مقالات ارسال عودت داده نمی شود

تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)،
شماره ۸۶، ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۶۹۱ | تلفن: ۶۶۴۶۴۲۶۱۶۶۹۷۱۳۹۹
فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴ | پست الکترونیکی:
payamabadgaran.ir@gmail.com
نشانی الکترونیکی: www.acco.ir
www.payamabadgaran.ir



پل کابلی - آبدان

زنگ خطر
در مهندسی کشور
مباحثی از
حقوق ساخت

توقف در ساخت و ساز
با کاهش ارزش پول ملی
کمبود آب؛ بزرگترین بحران
در آینده ایران

توقف در ساخت و ساز با کاهش ارزش پول ملی

افزایش هزینه‌های تولید ناشی از کاهش ارزش پول ملی که در چند سال گذشته به صورت لحظه به لحظه رخ داده و می‌دهد، امکان برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی و ملی را با قیمت‌های قراردادی (مسقف) غیرممکن می‌سازد و امکان مدیریت از لایق‌ترین و با تجربه‌ترین مدیران نیز سلب می‌گردد.

در پیمان‌های منعقد شده با ارگان‌های دولتی طبق شرایط عمومی و خصوصی تحت نظارت نظام فنی و اجرایی کشور، قید می‌گردد که تورم در طول اجرای پروژه با مکانیسم تعدیل به روش پرداخت ماهه متفاوت خرید مصالح و در نهایت با ترمیم پیمان جبران خواهد شد. در حالی که اگر ما به ازای همه این افزایش‌های بی‌رویه، به پیمانکاران و مشاوران به صورت قانونی و طبق شرایط عمومی و خصوصی پیمان، ماهه‌تفاوت‌ها پرداخت گردد نیز نمی‌تواند اثرات تورم را جبران نماید زیرا با همین مکانیسم، افزایش‌ها ۹ الی ۱۲ ماه بعد پرداخت می‌گردد که در این فاصله تورم بالای دو رقمی بخش بزرگی از آنچه «جبران» نامیده می‌شود را نیز می‌بلعد در نتیجه امکان تحقق اهداف قانون‌گزار مقدور نمی‌شود.

به نظر ما که فعالان حوزه عمران و آبادانی کشور عزیزمان ایران هستیم، امروزه این روش جوابگو نبوده و نمی‌تواند راه حل مناسبی باشد چرا که با وجود همه تنش‌ها

می‌شوند. حفظ و نگهداری نیروی تخصصی برای راهبری و تعمیر و نگهداری آنها نیز هزینه‌های مربوط به خود را دارد.

بر خلاف تصور مدیران دولتی و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کلان اقتصادی، نرخ ارز به خصوص دلار تاثیر کاملاً مستقیم در تامین و تولید مصالح اولیه اعم از ساختمانی، تاسیساتی و راهسازی و ... دارد و نمی‌تواند تاثیرات مستقیم و لحظه‌ای آن در تولید ماشین‌آلات داخلی، واردات ماشین‌آلات از خارج که مورد نیاز پروژه می‌باشد، و حفظ و نگهداری و بهره‌برداری از آنها در طول پروژه را نادیده گرفت. همچنین افزایش قیمت ماشین‌آلات تاثیر مستقیم بر اجاره ساعتی آنها و در نهایت افزایش قیمت تمام شده پروژه دارد.

در بخش نیروی انسانی نیز کاهش ارزش پول ملی بر تورم موجود دامن زده، باعث کاهش قدرت خرید و کوچک شدن سبد تامین خانوار می‌شود. به عبارتی کاهش ارزش پول ملی با دامن زدن بر تورم موجود مستقیماً بر زندگی و معیشت عوامل اجرایی فوق‌الاشاره اثر می‌گذارد. در این میان جبران دائمی کاهش ارزش پول ملی (تورم) تنها چاره برای جلوگیری از کوچک شدن سفره زندگی شاغلین است که اگر بدون مطالعه انجام گیرد بر دامنه تورم می‌افزاید، برای همین در علم اقتصاد کلان روش‌های متفاوتی برای آن تعریف شده که در این مقال نمی‌گنجد.

کاهش شدید و بی‌سابقه ارزش پول ملی در برابر ارزهای بین‌المللی به ویژه دلار عملاً فعالیت در حرفه آبادگری و ساخت زیربنای کشور را مختل نموده است، ادامه این روند نیز منجر به توقف کل ساخت و ساز خواهد شد، اما فرایند تاثیر کاهش ارزش پول ملی بر ساخت و ساز کشور چگونه است؟

ماهیت حرفه پیمانکاری آبادگر و سازنده که با صرف زمان قابل توجه در به ثمر رساندن پروژه‌های عمرانی عجین است نسبت به سایر حرف صنعتی و خدماتی که اصولاً کوتاه مدت بوده و با گردش سریع نقدینگی همراه است متفاوت می‌باشد و رشد و توسعه آن نیاز مبرم به ثبات اقتصادی، حداقل در میان مدت، و کنترل نوسان قیمت‌ها در ارکان تشکیل دهنده این نوع تولید دارد.

ارکان اصلی این تولید عبارتند از:

- ۱- سرمایه‌های انسانی؛ شامل کارگران ساده، استادکارهای ماهر و انواع متخصصین در امر اجرا شامل تکنیسین‌ها، مهندسان، متخصصان و مدیران مجرب و کارآزموده
- ۲- مصالح با یک دامنه گسترده از تنوع که شامل مصالح تولیدی کارگاهی کارخانه‌های داخلی و وارداتی می‌باشد.
- ۳- ماشین‌آلات با طیفی گسترده متناسب با پروژه‌ها که عمدتاً وارداتی و با تکنولوژی بالا و ارزبری زیاد می‌باشد. بالطبع نگهداری ماشین‌آلات موجود نیز نیازمند لوازم یدکی و تجهیزات کارگاهی است که با ارز آزاد وارد



و زجرها و مخاطراتی که شرکت آبادگر و پیمانکار در به سرانجام رساندن یک پروژه متحمل می‌شود، محصول کار (به صورت تئوریک ۸٪ سود) عملاً در تورم سالهای اجرای پروژه محو و نابود می‌شود و بیشتر مواقع سود متصوره پیمانکاران همان ۱۰ درصد حسن انجام کار است که در نزد کارفرما بلوکه می‌باشد که پس از اتمام پروژه و تحویل قطعی آزاد می‌گردد. طولانی بودن زمان اجرای پروژه و بروکراسی‌های مرسوم در تحویل موقت و قطعی و ... باعث می‌گردد که ضمن از دست دادن ارزش اسمی خود، خستگی کار در تن سازنده بماند و در نهایت سازندگان به این نتیجه می‌رسند که این همه تلاش آب درهاون کوبیدن بوده و حاصل تلاش آنها منفی است زیرا تورم کارایی آن را بلعیده است.

بخشی از مدیران ارشد و تصمیم‌گیر اقتصاد کلان مرتباً اعلام می‌فرمایند که تغییرات نرخ ارز (شما بخوانید کاهش ارزش پول ملی) بر زندگی و کار مردم تأثیر زیادی ندارد و بیشتر این تورم ناشی از ضعف مدیریت و ... می‌باشد، باید به استحضار اینگونه مدیران محترم و خوانندگان مجله وزین آبادگران برساییم که این یک تصور باطل بوده و افزایش نرخ ارز بر زندگی و کار بخش اعظم جامعه تأثیر مستقیم دارد. در پس بحث‌هایی این چنینی، نگاهی سیاسی غالب است که کاربرد مثبت اقتصادی نداشته و دست اندرکاران اقتصادی را بیش از پیش از روند امور ناامید می‌نماید و باید به این بزرگواران بگوییم که کاهش ارزش پول ملی توان و انگیزه فعالیت اقتصادی به خصوص پیمانکاران آبادگر را روز به روز کاهش می‌دهد.

چنین شرایطی ترویج دهنده فعالیت‌های بسیار زودبازده است که در راس آنها انواع دلالی قرار دارد و همانطوری که مشهود است روز به روز بر رونق آن افزوده می‌شود و سرمایه‌ها را به جای تجمیع و هدایت به سوی تولید، به سمت بازار خرید و فروش ارز، طلا و کالاهای با دوام می‌برد و بر فشار تورم می‌افزاید. متأسفانه دلالی به همه ارکان زندگی ما گسترش یافته، از جمله در تهیه مایحتاج اولیه نظیر ارزاق و

مواد خوراکی نیز وارد شده و دشواری‌های زندگی مردم فعال و تولیدکننده را تشدید کرده است.

بخش ساختمان به مفهوم اعم لکوموتیو اقتصاد و مولد اشتغال است. هر تلاشی برای رشد و توسعه جامعه از مسیر صنعت احداث عبور می‌کند. بدون توسعه زیربناهای اصلی اعم از راه و ساختمان و سازه‌های آبی و ... امکان توسعه و رشد در سایر بخش‌های جامعه وجود ندارد، لذا عالمان اقتصاد این بخش را پیشران یا لکوموتیو اقتصاد نام نهاده‌اند. توسعه حرفه سازندگی و شکوفایی در صنعت احداث باعث رشد و توسعه سایر صنایع و حرف می‌گردد و بنا به قولی بیش از سیصد و یا چهارصد حرفه مستقیم و یا غیر مستقیم از این بخش اقتصادی انرژی دریافت می‌کنند. تورم و کاهش ارزش پول ملی باعث می‌گردد که دولتها نتوانند به این بخش توجه کافی نمایند و بیشتر بودجه خود را برای تأمین مایحتاج عمومی و فوری جامعه مصرف نمایند، لذا بی‌توجهی به این بخش که پیشران اقتصادی است علاوه بر تضعیف حرفه، به تاخیر در بهره‌برداری پروژه‌های در دست اجرای پیمانکاران و مشاوران و افزایش پروژه‌های نیمه تمام می‌انجامد. هزینه حفظ و نگهداری زیربناهای ساخته شده در سالهای گذشته نیز بیشتر و بیشتر می‌گردد، عدم تعمیر و ترمیم و نگهداری از آنها نیز منجر به دست رفتن ثروت عظیم

سندیکای شرکتهای ساختمانی

ایران به عنوان یک تشکل صنعتی

و حرفه‌ای معتقد است وظیفه

اصلی دولتمردان این است که

به هر طریق ممکن و با اصلاح

سیاست‌های متخذه در افزایش

قدرت پول ملی کوشا و جدی باشند

تا از اثرات مخرب و ویرانگر کاهش

ارز پول ملی کاسته شود و مملکت

در مسیر توسعه قرار گرفته، ملت

نیز بتواند زندگی توأم با عزت نفس

و کرامت انسانی داشته باشد.

اجتماعی و اقتصادی می‌شود که در طول سالیان متمادی با صرف هزینه‌های هنگفت حاصل شده است و به نوبه خود بر مشکلات موجود می‌افزاید.

زمانی که ساخت و ساز با رکود مواجه می‌شود، تعداد بیکاران با سرعت افزایش می‌یابد و فشار این بیکاران بر روی سازمان تأمین اجتماعی باعث می‌گردد سازمان تأمین اجتماعی که مسئولیت پرداخت حقوق دوران بیکاری را دارد مبالغ زیادی را صرف نماید و از درآمدی هم که این شاغلین می‌توانستند برای سازمان ایجاد نمایند محروم گردد. ادامه این روند و افزایش فشار بر روی سازمان‌های بیمه‌گر در میان مدت می‌تواند باعث ورشکستگی سازمان‌های بیمه‌گر شده و زمینه فروپاشی اجتماعی و اقتصادی را فراهم نماید. نباید فراموش کرد فرایند کاهش اشتغال در میان مدت بود که مولد بسیاری از ناامنی‌های اجتماعی شد و ادامه این کاهش می‌تواند امنیت روانی و واقعی را از مردم صلب نماید.

با تشدید مسائلی مانند بیکاری، تورم، ناامیدی نیروی کار، و ... نیروهای متخصص عمدتاً به کشورهای مهاجرپذیر و نیازمند متخصص مهاجرت می‌کنند اما نیروهای فاقد تخصص که ناتوان مالی مهاجرت را ندارند در کشور می‌مانند و باری به دوش جامعه می‌گردند. پر واضح است چنانچه بی‌توجهی به بخش صنعت احداث ادامه یابد این بخش فلج شده، فعالیت آن متوقف می‌شود و بیکاری و سایر عوارض ناشی از توقف کارهای عمرانی که به طور خلاصه در سطور بالاتر تبیین شد، دامن‌گیر کشور خواهد شد.

سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران به عنوان یک تشکل صنعتی و حرفه‌ای معتقد است وظیفه اصلی دولتمردان این است که به هر طریق ممکن و با اصلاح سیاست‌های متخذه در افزایش قدرت پول ملی کوشا و جدی باشند تا از اثرات مخرب و ویرانگر کاهش ارز پول ملی کاسته شود و مملکت در مسیر توسعه قرار گرفته، ملت نیز بتواند زندگی توأم با عزت نفس و کرامت انسانی داشته باشد.



در دیدار با مهندس یدالله مدنی عضو هیات مدیره شرکت آگورچین مطرح شد

زنگ خطر در مهندسی کشور



تحریریه ماهنامه پیام‌آبادگران در نظر دارد با پیشکسوتان، زنان و مردان موفق در صنعت احداث گفتگو داشته باشد، برای آغاز این سلسله گفتگوها به دیدار مردی می‌رویم که دغدغه بزرگ این روزهایش مهاجرت نیروی انسانی است، دلواپس رفتن زنان و مردانی است که به زعم او باید بمانند و کشور را بسازند. در این دیدار مهندس مدنی از لذت ساخت و ساز می‌گوید، از اینکه فرزند کوچکی از پدرش بپرسد «شما این پل را ساخته‌ای؟» و پدر احساس غرور کند از این که نسل آینده او را در زمره سازندگان ایران عزیز می‌دانند. نقطه آغاز ما در این گفتگوی دوستانه، شرکت آگورچین است. شرکتی که در شرایط نامساعد کنونی که فضای فعالیت پیمانکاران را تنگ کرده، پروژه‌های متعددی را به سرانجام رسانده و پروژه‌های دیگری را در دست انجام دارد.

عنوان یک پیمانکار، چه موانعی را پیش روی همکاران خود در این حرفه می‌بینید؟

توان مهندسی کشور منتج از نیروی انسانی، ماشین‌آلات و امکانات، و مسائل مالی است. اگر مسائل مالی را کنار بگذاریم، نیروی انسانی شرکت حدود ۷۰ درصد و ماشین‌آلات حدود ۳۰ درصد از توانایی شرکت را تشکیل می‌دهند. با تعمیم این درصدها می‌توان گفت اگر صنعت احداث امروز حرفی برای گفتن دارد به خاطر دانش و توان نیروی انسانی متخصص است. در سالهای اخیر مشکل عمده‌ای که گریبان تمام مجموعه‌های مهندسی کشور را گرفته است بحران نیروی انسانی است. ما با سیل عظیمی از مهاجرت نیروهای متخصص مواجه هستیم. من این زنگ خطر را برای مهندسی کشور به صدا در می‌آورم که تا ۱۰ سال آینده این کشور دچار بحران وحشتناک نیروی انسانی متخصص خواهد شد و حتی مجبور خواهیم شد از کشورهای دیگر درخواست نیروی انسانی متخصص در زمینه مهندسی کنیم.

سازمان برنامه و تشکلهای مهندسی است ضریب مینوس ندهند. این فهرست بها حداقل قیمت واقعی کار را نشان می‌دهد. البته مناقصات زیادی هم بوده که در آنها برنده نشده‌ایم اما با لطف خداوند شرکت در هیچ دوره‌ای بدون پروژه نمانده است.

• مهندس یدالله مدنی ۱۳۵۴ در تهران به دنیا آمده و فارغ‌التحصیل راه و ساختمان از دانشگاه آزاد تهران است. وی در کنار دکتر ارش منصوری، و دکتر کاوش رفیعی‌زاده هیات مدیره شرکت آگورچین را تشکیل داده که از سال ۱۳۸۰ تاسیس و در زمینه پروژه‌های راهسازی و پل‌سازی فعالیت می‌کند. مهندس مدنی قبل از تاسیس این مجموعه در شرکت الموت رئیس دفتر فنی پروژه تونل بهمنیار بود.

• به همفکری هیات مدیره شرکت و تلاش پرسنل آن اشاره کردید. به نوعی اتحاد اندیشه و تلاش، که عبور از موانع را ممکن کرده است. به

• پروژه‌های در دست انجام این شرکت قابل توجه است، در حالی که شرکتهای پیمانکاری زیادی در رکود به سر می‌برند. آیا موانع بر سر راه شرکت شما کمتر بوده یا شرکت آگورچین با تلاش بیشتری به این شرایط رسیده است؟

در صنعت احداث پیمانکاران با مشکلات زیادی مواجه هستند. اما در شرکت آگورچین رویکرد ما رفع موانع و گذر از مشکلات با همفکری اعضای هیات مدیره است تا مشکلات به نیروی انسانی تعمیم پیدا نکند، چرا که معتقدیم نیروی انسانی ارزشمندترین دارایی صنف ما است. البته سوابق شرکت نیز باعث شده با وجود تاکید همیشگی روی قیمت عادلانه و خودداری از کار کردن با قیمت پایین یا بالا، از سمت کارفرماهای مختلف دعوت به کار شویم. شرکت ما هیچ‌گاه روی فهرست بها ضریب مینوس ن داده و همواره به همکاران خود در صنف پیمانکاری توصیه کرده روی فهرست‌بهایی که حاصل کار کارشناسی





مسئله مربوط به نیروی انسانی و بحران ناشی از مهاجرت نیروی متخصص به حدی جدی است که بنده در جلسات مختلف به آن اشاره کرده‌ام از جمله در جلسه باشگاه تولید که جناب آقای آقامحمدی هم در این خصوص با گروه هم نظر بودند.

• آیا خود شما به مهاجرت فکر کرده‌اید؟

از خود من بارها سوال می‌شود که با وجود مهیا بودن امکان مهاجرت، چرا اقدام به مهاجرت نمی‌کنید؟ و طرح این سوال مرا یاد مهندس رضوی، مدیر شرکت تهران جنوب می‌اندازد که یکبار در دانشگاه تهران عنوان کرد: «مدام از بنده می‌پرسند چرا نمی‌روی؟ نمی‌روم چون مانده‌ام تا کشور خود را آباد کنم.» بنده هم به تاسی از ایشان همین حرف را می‌زنم. ایستاده‌ایم تا سهمی در آبادانی کشور خود داشته باشیم. بسیاری از همکاران من هم با همین نگاه، ماندن در کشور را انتخاب کرده‌اند و عنوان می‌کنند: «حالا که برای ساختن کشور خود ایستاده‌ایم در سرهای آن را می‌پذیریم.» البته همه این مسائل و دردسرها که در مسیر سازندگی وجود دارد نمی‌تواند لذت ساختن را از بین ببرد. چنانچه وقتی فرزند من با عبور از یک پل پرسید «بابا! این پل را هم شما ساخته‌اید؟» و شنیدن این جمله برای من بسیار خوش آیند بود. می‌گویم خوش‌آیند چرا که این جمله نشان می‌دهد فرزندی که نماینده نسل آینده است پدرش را در سازندگی کشور سهیم می‌داند.

سازندگی در نزد ما ایرانیان همواره ارزشمند بوده و هست و باید به آن بها داده شود. وگرنه دستاورد مادی هر کدام از ما که بسیاری آن را ماحصل زندگی خود می‌دانیم ماندگار نیست چنانچه سعدی در گلستان می‌گوید: «نمرد هر که ماند پس از وی به جای، پل و راه هموار و کاروانسرای»، اصلا حرفه پیمانکاری یعنی عشق به ساختن عمارتی ماندگارتر!

• از مولفه‌های به نام ماشین‌آلات عمرانی صحبت

گردید. در حال حاضر ماشین‌آلات عمرانی کشور در چه وضعیتی قرار دارند؟

در زمینه ماشین‌آلات نیز پیمانکاران با فرسودگی ناوگان ماشین‌آلات خود مواجه هستند. هزینه تعمیر ماشین‌آلات فشار زیادی بر فعالان صنعت احداث وارد می‌کند و حتی پروژه‌ها را با نقصان و ضردهی مواجه کرده است. در این بخش لازم است مدیریت کلان کشور اجازه ورود ماشین‌آلات را به صنعت احداث مخصوصا در پروژه‌های سد، راه و تونل بدهد. ما شاهدیم که سایر صنایع از جمله صنعت معدن به راحتی قادر به واردات ماشین‌آلات هستند اما دست ما در صنعت احداث بسته است و ناچاریم با ناوگانی کار کنیم که طی ۳۰ سال فرسوده شده است. طبیعتا با این روند کیفیت و سرعت پروژه‌ها پایین می‌آید و با زمانی که برای انجام سرویس و نگهداری ماشین‌آلات لازم است به تاخیر خواهد افتاد.

• آقای مهندس مدنی، لطفا برای ارائه تصویری کامل‌تر از شرایطی که پیمانکاران با آن مواجه هستند، در زمینه نقدینگی و مشکلات مالی شرکتها نیز توضیحاتی ارائه دهید.

همواره مشکلات مربوط به جریان نقدینگی در پروژه‌های عمرانی وجود داشته و دولت و کارفرماها در تمام دوران نتوانسته‌اند این مشکل را که مربوط به خود آنها می‌شود مدیریت کنند و فشار ناشی از این ناکارآمدی پیمانکاران را با شرایط دشواری مواجه کرده است.

اگر دولت نمی‌تواند تامین نقدینگی در پروژه‌های عمرانی را انجام دهد باید به دنبال راهکار میانبری باشد. در بخش تولید وام‌های کم بهره پرداخت می‌شود تا تولید کشور شکوفا شود. دولت نیز می‌تواند با بانکها رای‌زنی کند که بانکها با بهره معقول به پیمانکارها وام بدهد و در قبال آن تضامین لازم را دریافت کند. بی‌شک پیمانکاران نه تنها وام را پس خواهند داد بلکه بهره آن را نیز به سیستم مالی کشور بازخواهند گرداند. پرداخت این وام در واقع سرمایه‌گذاری برای توسعه کشور است چرا که پروژه‌های زیربنایی را سامان می‌دهد، و به ایجاد اشتغال و شکوفایی اقتصاد منجر خواهد شد.

ما پیمانکاران در واقع خواهان پرداخت و ارائه تسهیلاتی هستیم که به سایر صنایع نیز پرداخت می‌شود. همچنین لازم است مانند سایر صنایع تدابیری برای نوسازی ناوگان ما اندیشیده شود، و مانند بخش تولید بتوانیم از وام‌های بانکی بهره‌مند شویم. به نظر من اگر سندیکا بتواند دستور کاری با این سه محور اتخاذ کند و در گفتگو با نهادهای حاکمیتی یکی از آنها را به نتیجه برساند، قدم بزرگی برای صنف برداشته است.

• به نظر می‌رسد رویکرد دولت طی سالهای اخیر یافتن پیمانکارانی است که قادر به سرمایه‌گذاری نیز باشند. این در شرایطی است که پیمانکاران ما به دلیل تاخیر در دریافت مطالبات خود قادر به تامین مالی نیستند، نظر شما در این



باره چیست؟ آیا لازم نیست پیمانکاران با تغییر رویکرد، در زمینه تجمیع منابع مالی اقدام کنند و به عنوان سرمایه‌گذار وارد میدان ساخت و ساز شوند؟

برای پاسخ به سوال شمالا لازم است سوال متقابلی طرح کنم. چرا بعضی از پیمانکاران داخلی در کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری می‌کنند اما در کشور خودمان از این کار واهمه دارید؟ برای سرمایه‌گذاری در یک کشور لازم است بستر سرمایه‌گذاری مهیا باشد. بستر سرمایه‌گذاری نیز ثبات است. متاسفانه ما در کشوری زندگی می‌کنیم که به علت عدم ثبات قیمت ارز، سرمایه‌ها ظرف مدت کوتاهی ارزش اولیه خود را از دست می‌دهند و عملاً هیچ‌گونه برآوردی در زمینه میزان سود یا بازگشت سرمایه ممکن نیست. اگر شما رتبه ریال عمان را با دلار آمریکا طی سی سال گذشته مقایسه کنید متوجه خواهید شد این گراف یا مستقیم بوده یا تغییرات بسیار اندکی داشته است که نشان از ثبات بستر سرمایه‌گذاری در کشور عمان دارد. در حالی که پیمانکاران کشور ما تمایلی به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی کشور خود ندارند چرا که نمی‌دانند ضریب تورم در کشور چه عددی است. البته بانکها به عنوان نهاد حاکمیتی نرخ تورم را می‌دانند و ما با اشراف به این مسئله از بانکها درخواست داریم که برای سرمایه‌گذاری پیش قدم شوند.

● مهندس یدالله مدنی عضو کمیسیون فنی سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران و عضو کمیسیون فنی انجمن راهسازی ایران است. وی خود را دارای شخصیت صنفی می‌داند که هر جا امکانی برای طرح و پیشبرد مسائل صنفی فراهم باشد در این کار پیش قدم خواهد بود.

● چرا بانکها برای پرداخت وام به بخش تولید سنگ‌اندازی نمی‌کنند اما تمایلی به پرداخت وام به صنعت احداث ندارند. آیا این مقاومت به دلیل بی‌اعتمادی

پیمانکاران کشور ما تمایلی به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی کشور خود ندارند چرا که نمی‌دانند ضریب تورم در کشور چه عددی است.

دولت به صنعت احداث است؟

تولیدکنندگان شرکتهای خصوصی بودند که طرف حساب آنها دولت نبود، اگرچه با ارائه دانش و توان مهندسی خود از دولت وام می‌گرفتند. اما طرف مقابل پیمانکاران از گذشته تاکنون دولت بوده است، و روال این بوده که کارفرما یا دولت پول می‌داد و پیمانکار در قبال آن کار را انجام می‌داد. در حال حاضر دولت با کمبود منابع مواجه است اما در برابر تغییری که پیمانکاران به عنوان راه حل پیشنهاد می‌دهند مقاومت می‌کند چرا که «تغییر» به خودی خود دشوار است.

مقاومت دولت در برابر تغییر در شرایطی است که صحبت از خصوصی شدن کارفرما است و «خصوصی شدن» نیز به معنای تغییر است. وقتی صحبت از تغییری می‌شود باید همه ابعاد یک ساختار تغییر کند و نمی‌توان تغییر را محدود به یک بخش کرد. یک زمانی دولت پول داشت اما حالا که پول ندارد باید تغییر را بپذیرد و یکی از این تغییرات فراهم کردن امکان تامین مالی برای صنعت احداث و از منبع بانکها است. حتی روش‌هایی مانند BOT که طی آن پول پیمانکار از محل عایدات پروژه پرداخت می‌شود نیز راهگشا نمی‌باشد. سخن کوتاه اینکه، ما به عنوان صنعت احداث آماده گرفتن وام و دادن بهره آن هستیم و نهاد حاکمیتی باید بداند این روند در درجه اول در راستای منافع کشور است.

● پیمانکاران در روند کار خود با سازمانها و نهادهای مختلف دولتی ارتباط دارند که در راس این نهادهای حاکمیتی سازمان برنامه و بودجه قرار دارد. ارزیابی شما از عملکرد این سازمان طی سالهای گذشته چیست؟

متاسفانه در دوره اخیر ریاست قبلی سازمان

برنامه و بودجه دیدگاه متناسب با شرایط روز را نداشتند. در دوره قبل پیمانکاران با مشکلاتی مانند واقعی نبودن شاخص‌های تعدیل اعلامی روبرو بودند که امیدواریم این نقیصه مرتفع گردد یعنی شاخص‌ها واقعی شوند و شاخص‌های اعلام شده قبلی نیز بررسی و اصلاح شوند. بسیار ضروری است بدعت اشتباه دستوری سازی قیمت‌های تعدیل به واقعی سازی قیمت‌ها تغییر یابد.

چالش بعدی پیمانکاران با سازمان برنامه و بودجه، در زمینه رتبه‌بندی شرکتهای است. شرکتهای قدیمی با سابقه کار زیاد تنزل رتبه پیدا کرده‌اند چرا که طی سالهای اخیر کار زیادی نداشته‌اند. این تنزیل رتبه به خاطر کسادی کار، نبود پروژه و کاهش شاخص‌های مالی روی داده اما به قول آقای مهندس معدلی مگر می‌شود شرکتی که ۴۰ سال پیش پالایشگاه می‌ساخته امروز نتواند پالایشگاه بسازد؟ یعنی اگر ۴۰ سال پیش به پزشک متخصصی اجازه جراحی دادیم باید هر چند سال یکبار این اجازه‌نامه را تمدید کنیم، در حالی که هر سال بر تجربه این پزشک افزوده شده است؟

متاسفانه در طی سالهای اخیر رویکرد مناسبی در زمینه رتبه‌بندی شرکتهای لحاظ نشده تا جایی که رتبه شرکتی مانند «سیویل» را که در دهه چهل تاسیس شده و بناهای ماندگاری چون پل سیدخندان، بزرگراه پارک وی و پارک ملت را ساخته منقضی کرده‌اند. مگر می‌شود بگوییم شرکتی که پل سیدخندان را ساخته نمی‌تواند پل بسازد و پل‌سازی یادش رفته است؟ وقتی پیمانکاری رتبه‌ای را کسب می‌کند این رتبه مادامی که نیروهای کلیدی خود را در اختیار دارد ماندگار است و نهایتاً می‌توان ۱۰ سال یکبار از لحاظ تغییرات به وجود آمده رتبه شرکت را بررسی کرد. شرکتی که دارای سوابق کاری است نباید دچار تنزیل رتبه شود مگر این که تغییراتی در هیات مدیره آن یا اعضای کلیدی روی دهد.

● شاید حساسیت این حرفه و ارتباط آن با جان افراد باعث این حد از سخت‌گیری شده باشد؟ علاوه بر این آیا توانایی و تجربه شرکتها در شرایط فقدان





پروژه پایین خواهد آمد؟

درباره شرکتهای رتبه ۱ و ۲ حرف می‌زنیم که حداقل ۲۰ سال سابقه کار دارند و تا زمانی که افراد کلیدی آن تغییر نیابند، اختلالی در توانایی شرکت به ویژه در مورد مدیریت کلان به وجود نخواهد آمد. در سطوح پایین‌تر صحبت از نیروی کار متخصص، تکنسین و حتی نیروی کار معمولی است که با تصمیم همین مدیره انتخاب می‌شوند و تا زمانی که توان مدیریتی و تخصصی شرکت تغییر نکرده، نیازی به سنجش مجدد توانایی و صلاحیت شرکت وجود ندارد.

• صحبت‌هایی شنیده شده در این باره که رتبه‌بندی و تشخیص صلاحیت شرکتهای پیمانکاری در دولت انجام خواهد گرفت. در این باره نظر شما چیست؟

با این کار یک سری افراد غیرمتخصص مسئول رسیدگی به مسائل یک سری افراد متخصص خواهند شد، حتی دیالوگ این دو گروه با هم همخوانی نخواهد داشت تا درباره مسائل و مشکلات به وجود آمده به رویکرد مشترکی برسند. با چنین روندی صنعت احداث که مهم‌ترین بازوی کارآفرینی کشور است دچار معضل غیر قابل حلی خواهد شد. واقعیت این است که بسیاری از افراد به ویژه در این حرفه امکان و توان مالی مهاجرت از کشور را دارند اما مدیران شرکتهای پیمانکاری به عشق سازندگی در این کشور مانده‌اند و نباید با تصمیمات نادرست عرصه کار را برای آنها تنگ‌تر کرد. دولت گلايه دارد که شرکتهای پیمانکاری سرمایه‌گذاری نمی‌کنند در حالی که طلب شرکتهای پیمانکاری مصداق بارز فاینانس است. شرکتها با پول خود پروژه‌هایی را

به سرانجام رسانده‌اند که امروز صحبت از بدهی دولت به آنها است، وگرنه مسئله بدهکاری دولت به پیمانکاران موضوعیتی نداشت. پیمانکاران مظلوم‌ترین قشر در فضای کسب و کار کشور هستند.

• آیا صنعت احداث امکان و جایگاه لازم برای گفتگو با دولت یا انعکاس نظرات خود را دارد؟

طبق مصوبه دولت، نهادی به نام «نهاد تعامل» وجود دارد. متأسفانه در دوره گذشته اعتقاد راسخی به تشکیل جلسه با بخش خصوصی وجود نداشت در حالی که اداره کشور بدون توجه به نقطه نظرات بخش خصوصی ممکن نیست. هر گاه دولت بازوهای مشورتی خود از جمله بخش خصوصی را قطع کند باید منتظر ضرر و زیان این کار باشد. خواست ما این است که جلسات شورای گفتگو و نهاد تعامل به طور مرتب برگزار شود تا بخش خصوصی مشکلات خود را به صحن عمومی بیاورد وگرنه آتش زیر خاکستری که در لایه لایه کسب و کار پیمانکاران شعله‌ور شده، یک روز آتش‌فشان خواهد شد و صنعت احداث را نابود خواهد کرد.

• از مشکلاتی صحبت کردید که مربوط به فضای کسب و کار و ماحصل تصمیمات و عملکرد دولت بود. اگر نگاهی به درون صنف داشته باشیم، چه موانع و مشکلاتی را می‌توان یافت که ریشه در عملکرد یا رویکرد پیمانکاران دارد؟

متأسفانه با وجود مسائل و مشکلاتی که دست به دست هم داده‌اند تا صنعت احداث را زمین‌گیر کنند، برای رویارویی با آنها

اتحاد کافی در صنعت احداث وجود ندارد. پیمانکاران رقابت درستی را در مناقصات دنبال نمی‌کنند تا جایی که یکی از دوستان سازمان برنامه به من گفت: «شما همیشه از قیمت‌های فهرست‌بها و شاخص‌های تعدیل انتقاد می‌کنید اما همکاران شما روی همین قیمت‌ها مینوس می‌دهند». وقتی صنعت احداث دارای رویکرد واقعی نباشد در مناقصات قیمت‌های اشتباهی اعلام می‌شود که نهایتاً پروژه ناتمام می‌ماند یا پیمانکاران درخواست ماده ۴۸ می‌کنند.

البته استدلال پیمانکارانی که قیمت‌های نادرست می‌دهند این است که فعلا کار را بگیریم تا نیروی انسانی ما بیکار نمانند در حالی که نتیجه این دیدگاه، منفی شدن تراز پروژه است. همین تراز منفی باعث کم شدن کیفیت کار، ناتمام ماندن پروژه و ایجاد بی‌اعتمادی در کارفرما می‌شود. متأسفانه ما پیمانکارانی داریم که «پیمانکار یک بار مصرف» هستند یعنی یکبار در مناقصه شرکت می‌کنند اما به دلیل عملکرد ضعیفی که نشان می‌دهند، دفعات بعد در مناقصه راه داده نمی‌شوند. لطمه‌ای که از این مسئله به آبروی پیمانکار مزبور وارد می‌شود تنها مربوط به شرکت نیست و به کل صنعت احداث تعمیم داده می‌شود.

صدمه جدی‌تر زمانی است که این روند در صدور خدمات فنی و مهندسی نیز خود را نشان می‌دهد. وقتی کودکی در خانه بی‌ادبی می‌کند و پدر مادر با او مماشات می‌کنند، کودک همین کار را در خیابان تکرار می‌کند اما طرف مقابل بدون مماشات با او برخورد می‌کند. ما در صدور خدمات فنی و مهندسی تاوان همین روند را می‌دهیم یعنی برخی شرکتها در مناقصات شرکت می‌کنند و پروژه‌ها را با قیمت پایین می‌گیرند و غافل از عواقب این کار پروژه را ناتمام می‌گذارند یا با

کیفیت پایین به اتمام می‌رسانند، در نتیجه طی مناقصات بعدی کارفرمایان خارجی عنوان می‌کنند که ما به پیمانکاران ایرانی کار نمی‌دهیم. به عبارتی خیانت پیمانکاران غیرحرفه‌ای چهره صنعت احداث را در داخل و خارج از کشور مخدوش می‌کند.



شاخص‌های تعدیلی که سندیکا استخراج می‌کند اعداد درستی بوده است و روی شاخص‌های اعلامی اخیر تاثیر بسزایی داشته است. سازمان مدیریت به سندیکا اعتماد دارد و حضور مدیران سازمان در جلسات داخل سندیکا گواه همین ادعا است. آیا همین بخشنامه کرونا نبود که درست در ایام عید با تلاش آقای گلابتونچی و هیات مدیره سندیکا به نتیجه رسید؟

یکی از دوستان ما عنوان می‌کرد شما با سخت‌کوشی خود به شرافت آبرو می‌دهید. این جمله برای من دروازه ورود به اخلاق حرفه‌ای است که در حرفه ما حرف اول را می‌زند. مقدمه چنین اخلاقی، رقابت سالم در داخل و خارج از کشور، جلوگیری از فساد و تن ندادن به رانت در مناقصات، باز کردن فضا برای سایر همکاران، و انتقادپذیری است. بی‌شک صنعت احداث هم ایرادات قابل انتقادی دارد و نمی‌توان جواب تمام مشکلات را با مطرح کردن نقص‌های طرف مقابل داد.

متأسفانه بحرانی که در مورد نیروی انسانی گریبان صنعت احداث را گرفته شرکتها را به سمتی برده است که سعی می‌کنند نیروهای همدیگر را استخدام کنند و برای

این کار امتیازاتی به نیروی انسانی پیشنهاد می‌دهند که نارضایتی آن نیروها را از شرکتی که در آن کار می‌کنند به همراه دارد. در این زمینه پیشنهاد من به شرکتها ایجاد فرایندی برای توانمندسازی نیروهای شرکت و آموزش آنها است تا ناچار نباشند به سراغ نیروهای متخصص شرکتها دیگر بروند. البته آموزش نیروی انسانی برای شرکتها هزینه دارد اما این نیروها جزو سرمایه شرکت هستند و هزینه‌هایی که برای آموزش آنها پرداخت می‌شود سرمایه اجتماعی شرکت را بالا خواهد برد. متأسفانه ما در بخش پیمانکاری آموزش را فراموش کرده‌ایم و به دنبال نیروی حاضر و آماده می‌گردیم. اگر جوانهای تحصیل کرده ما در شرکتها آموزش داده نشوند و جذب کار نگردند به مهاجرت فکر می‌کنند، در حالی که همین نیروها می‌توانند جزو همان ۷۰ درصدی باشند که توان یک شرکت را بالا می‌برد.

باید اذعان کرد که تحصیلات آکادمیک هیات مدیره شرکتها پیمانکاری بسیار پایین است و این امر یکی از مشکلات قابل توجه در صنف پیمانکاری است، متأسفانه پیمانکاران ما به دنبال به روز کردن اطلاعات و دانش خود نیستند و علاقه‌ای به آموزش زبانهای خارجی نشان نمی‌دهند. دانش عمومی پیمانکاران در زمینه مسائلی مانند شرایط عمومی پیمان و قوانین سازمان مدیریت نیز ضعف‌هایی دارد در حالی که با استفاده از همین قوانین و شرایط عمومی پیمان برای احقاق حق خود اقدام می‌کنند.

• **آیا می‌توان به فهرست اخلاق حرفه‌ای «کیفیت در اجرای کار» را اضافه کرد؟ چنانکه در جریان زلزله ترکیه بیشترین آسیب را به چهره پیمانکاری این کشور وارد کرد. آیا در صورت**

• شرکت آگورچین در زمینه پل سازی، راهسازی و ابنیه فعالیت داشته و پروژه‌های شاخصی از جمله پل کابلی آبادان را به سرانجام رسانده است که این نوع پلها به تعداد انگشت شمار در کشور وجود دارد. پل‌های زیادی در مسیر راه آهن تهران - مشهد توسط آگورچین ساخته شده است. آگورچین اولین شرکتی است که طراحی، ساخت و اجرای زیرگذرهای پیش ساخته دهانه بزرگ (۸ متری) را در تقاطعات راه آهن انجام داده است.

• مدیران آگورچین عنوان می‌کنند که این شرکت در سال ۱۳۹۴ ظرف ۳۰ ساعت در تقاطع راه آهن‌های تبریز و شیراز زیرگذر احداث کرده است، کاری که در کشوری مانند انگلیس نزدیک به ۶ روز طول می‌کشد. هیات مدیره آگورچین در راستای گسترش کار خود و صدور خدمات فنی و مهندسی، شرکتی با عنوان «پل آسمان» را در کشور عمان تاسیس کرده و پروژه‌های شخصی سازی را انجام می‌دهد.

• **صحبت‌هایی که مطرح کردید باب ورود به بحث اخلاق حرفه‌ای است. وقتی فردی وارد حرفه پیمانکاری می‌شود، رعایت چه اصول حرفه‌ای و اخلاقی برای وی الزامی است؟**





به کار برده‌اند و لازم است در این مسیر از طرف اعضای صنف حمایت شوند. بنده شاهد بوده‌ام که دبیر سندیکا بدون ادعا پای کار ایستاده است در حالی که بسیاری از افراد که از عملکرد فعالان صنفی انتقاد می‌کنند حاضر نیستند یک ساعت از کسب و کار خود بگذرند و برای صنف قدمی بردارند.

• **آقای مدنی به نظر جنابعالی برای بهبود فضای کلی حاکم بر صنعت احداث مهم‌ترین قدمی که باید برداشته شود چیست؟**

توجه به خرد جمعی بسیار مهم است در حالی که اغلب افراد عنوان می‌کنند ما خودمان بهتر می‌دانیم. وقتی صحبت از خرد جمعی می‌شود لازم است هر پیشنهادی که برای بهبود شرایط صنف و صنعت احداث می‌شود با آغوش باز بپذیریم و در اتاق فکر صنعت احداث آن را بررسی کنیم، بی‌تردید از دل همین افکار است که بهترین رویکردها و تصمیمها برای صنف اتخاذ خواهد شد.

می‌کند اعداد درستی بوده است و روی شاخص‌های اعلامی اخیر تاثیر به سزایی داشته است. سازمان مدیریت به سندیکا اعتماد دارد و حضور مدیران سازمان در جلسات داخل سندیکا گواه همین ادعا است. آیا همین بخشنامه کرونا نبود که درست در ایام عید با تلاش آقای گلابتونچی و هیات مدیره سندیکا به نتیجه رسید؟ اگر بسیاری از اتفاقات بد در عرصه کار پیمانکاری کشور رخ نمی‌دهد به خاطر این است که اقدامات سندیکا جلوی آنها را گرفته است. سندیکا در دوره‌های اخیر احقاق حق زیادی برای پیمانکاران کرده است که نتیجه آن سرپا ماندن بسیاری از شرکتهای پیمانکاری است وگرنه با نظاماتی که دولت داشت و با کم لطفی دولت به بخش خصوصی بسیاری از این شرکتهای تاکنون از بین رفته بودند. سندیکا در سه دوره اخیر بسیار کارآمد بوده است و از این به بعد هم بسیار تلاش خواهد کرد که از حقوق پیمانکاران دفاع کند. هیات مدیره سندیکا تمام تلاش خود را برای ارتقای شرایط صنف

بروز چنین زلزله‌ای در کشور، پیمانکاران ما از حواشی آن سربلند بیرون خواهند آمد؟

زمانی ما درباره توقعات از صنف صحبت می‌کنیم و زمانی دیگر در زمینه مفروضات. فرض من این است که شخصی که به عنوان یک مدیر در شرکت پیمانکاری کار می‌کند حفظ کیفیت کار را مسلم می‌داند. مگر می‌شود پروژه‌ای را انجام داد و از کیفیت آن کم گذاشت. اگر این کار را انجام بدهی دیگر پیمانکار نیستی! مگر می‌شود به یک آقای دکتر گفت، آقای دکتر شما باید بتوانی تب مرا هم اندازه بگیری، در حالی که این از اولیات حرفه پزشکی است. در کار پیمانکاری هم کیفیت جزو اصول اول کار ما است. اگر بخواهیم در این باره بحث کنیم ماهیت خود را زیر سوال برده‌ایم. کیفیت جزو کار پیمانکاری است.

• **پس این اتفاقاتی که در دنیا می‌افتد و خبر از کیفیت پایین ساختمانها و سازه‌ها دارد کجای این بحث قرار می‌گیرد؟**

وقتی فردی ساختمانی می‌سازد که با یک اتفاق کوچک بر سر دیگران آوار می‌شود، دیگر نمی‌توان او را پیمانکار دانست بلکه بدون تعارف باید چنین کسی را کلاهبردار خواند. به راه آهن سراسری کشور نگاه کنید. ۷۰ سال پیش ساخته شده و هنوز قطار با سرعت ۱۲۰ کیومتر روی آن تردد می‌کند. اما در دوره آقای احمدی نژاد، پیمانکار راه آهنی ساخته که موقع افتتاح، تنها با سرعت ۸۰ کیلومتر قطار از روی ریل پایین افتاده است. این دیگر جای بحث ندارد... البته مردم این مطلب را نمی‌دانند که چه کسی پیمانکار است و چه کسی نیست، ما چون در درون صنف هستیم این امر را می‌دانیم.

• **سندیکا برای احقاق حق اعضای خود چه کرده است و آیا این تلاشها به نتایج دلخواه رسیده است؟**

شاخص‌های تعدیلی که سندیکا استخراج



بررسی مشاغل سخت و زیان آور در کانون کارفرمایی



نشست تخصصی «بررسی مسائل مربوط به مشاغل سخت و زیان آور» روز سه شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه در کانون کارفرمایی ایران برگزار شد. در این نشست نمایندگان کانون‌های کارفرمایی استانی، نمایندگان کمیته‌های بدوی و تجدید نظر استانها، نمایندگان تشکلهای تخصصی، نماینده تامین اجتماعی، نماینده وزارت کار، و نماینده اتاق تعاون حاضر بودند و به بیان دیدگاههای خود پرداختند.

و زیان آور هستند و جای مناقشه نیست. اما در مورد گروه «الف»، ۶ هزار شغل وجود دارد و بالای ۵۰ درصد از بازنشستگان تامین اجتماعی از مشاغل گروه «الف» هستند. در اوایل اجرا شدن قانون مشاغل سخت و زیان آور، کارفرمایان هم از بازنشستگی پیش از موعد کارگران حمایت می‌کردند اما امروزه و با ادامه روند قبلی هزینه مضاعفی به کارفرما تحمیل می‌شود و کارگاهها از کارگر متخصص خالی خواهد شد. روند اجرایی قانون مشکلاتی برای کارفرما ایجاد کرده است، خط تولید یا یک کارگاه پیمانکاری بدون هیچ ابلاغی

ماده ۵۲ قانون کار موضوع مشاغل سخت و زیان آور و شرایط کار در آن مطرح شده است. ماده ۷۶ نیز بازنشستگی پیش از موعد را برای مشاغل سخت و زیان آور تعریف کرده و آیین‌نامه اجرایی هم دارد. به نظر می‌رسد قانونگذار در زمان نوشتن قانون قصد صیانت از نیروی کار را داشته اما طی ۳۰ - ۲۰ سال گذشته این صیانت رنگ و روی حمایت به خود گرفته تا حدی که اغلب کارگرانی که در یک کارگاه کار می‌کنند مطالبه سخت و زیان آور را حق خود می‌دانند. وی افزود: مشاغل گروه «ب» ذاتا سخت

امیررضا بیدگلی دبیر کل کانون عالی کارفرمایی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران در آغاز این نشست عنوان کرد: هدف از این گفتگوها رسیدن به نقطه‌ای است که ضمن حفظ اقتصاد کار، مسائل مربوط به کارفرمایان و کارگران نیز لحاظ شود. کانون در این فضا آماده هم‌افزایی با سایر تشکلهای است. داوود جوانی عضو هیات مدیره کانون و نماینده کانون در شورای عالی کار و حفاظت فنی نیز با بیان اینکه موضوع مسائل سخت و زیان آور تا دو دهه پیش چندان در محوریت نبود، تصریح کرد: در

قانون مشاغل سخت و زیان آور به اهداف خود نرسیده است

و زیان آور جهت بررسی درخواست کارگران و عدم ابلاغ آرای کمیته‌ها به کارفرمایان،

عدم بررسی کارگاه‌ها و اعلام مشاغل سخت و زیان آوری به کارفرمایان، همسان‌سازی و هم‌تراز سازی مشاغل در کارگاه‌های مختلف اشاره کرد. متأسفانه نحوه صدور آرا به صورت یک علامت می‌باشد و هیچ گونه نظریه

تحلیلی و حقوقی و کارشناسی بر آن استوار نیست و در قالب رای نمی‌باشد.

بررسی گروه «الف» در کارگاه‌های تعطیل بدون گزارش آلاینده‌سنجی و بررسی‌های سلیقه‌ای و از سر دلسوزی در کمیته‌ها است که مشکلات بیشماری برای کارفرمایان ایجاد نموده و در آینده برای صندوق تامین اجتماعی فراهم می‌آورد.

تکلی در پایان تصریح کرد: سندیکا از سال ۱۳۹۳ درگیر موضوع اصلاح قانون مشاغل سخت و زیان آور هست و در این باره از مراجع مختلف و راه‌های متعدد

برای اصلاح قانون

و آیین‌نامه اجرایی

قدم برداشتیم

امیدواریم که با

سه جانبه‌گرایی

بین دولت و بخش

خصوصی و با اهمیت

دادن به نظرات

کارشناسان قانون

مذکور اصلاح شود.

همچنین اجازه

دهند اصلاحات

آیین‌نامه اجرایی که

عمده آن در شورای

گفتگو انجام شده به

تصویب نهایی برسد.

محمد تکلی، نماینده حقوقی سندیکا که در این نشست تخصصی شرکت کرده بود،



درباره مباحث طرح شده در آن به خبرنگار پیام آبادگران گفت: «این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن با دو وجه سالم‌سازی محیط کار برای کارگران و بازنشستگی پیش از موعد به جهت سخت و زیان آور بودن مشاغلی که افراد در آن مشغول بوده‌اند از قوانین

حمایتی صرف هستند اما با مرور زمان و به علت خلاءهای قانون وجه بازنشستگی آن بر سالم‌سازی محیط چربیده و این قانون بعد از ۲۰ سال نه تنها به هدف خود که سالم‌سازی محیط و حفظ کرامت و جان کارگران بوده نرسیده بلکه بیشتر بر استفاده از بحث رانتهی و بازنشستگی برای کارگرانی که شاید محق به استفاده و مشمول این قانون نبوند منجر شده است.

وی افزود: این قانون دارای ایراد ماهوی و شکلی زیادی است که می‌توان به عطف به ماسبق شدن آن یعنی زمان تکلیف،

تحمیل پرداخت ۴

درصد به نرخ روز به

کارفرمایان در زمان

بازنشستگی کارگر

یعنی زمان پرداخت،

و همچنین تکلیف

پرداخت و زمان

محاسبه اشاره نمود و

در بحث ایراد شکلی

قانون با توجه به نحوه

نگارش آیین‌نامه

و نحوه اجرای آن

می‌توان به مواردی

نظیر عدم اطلاع

کارفرمایان از جلسات

کمیته مشاغل سخت

سخت و زیان آور شناخته می‌شود و کارفرما زمانی متوجه این امر می‌شود که کارگر طرح شکایت می‌کند و اجرائیه آن می‌آید. برای حل این معضل دو راه حل پیشنهادی وجود داشت که شامل اصلاح قانون و اصلاح آیین‌نامه بود. اصلاح آیین‌نامه از ۶۵ سال قبل شروع شد و در حال نهایی شدن در شورای عالی حفاظت فنی است تا در نهایت به هیات دولت ارسال شود. جلسه امروز هم برای تبادل نظر در مورد همین پیش‌نویس است.

جوانی گفت: در این مورد درخواست‌های اصلاحی زیادی از طرف کارفرماها مطرح شده است از جمله این که کارفرما به محض اقدام کارگر برای مشاغل سخت و زیان آور از آن مطلع شود. علاوه بر این هیچ پرونده‌ای با تک برگ امضا نشود و گزارش‌های آلاینده‌سنجی، وضعیت کارگاه و ... همراه آن باشد. همچنین درخواست کارگر در زمینه مشاغل احصا شده باشد.

وی در پایان گفت: باید تکلیف کارفرما درباره سخت و زیان آور بودن مشاغل مشخص باشد تا ماه به ماه این ۴ درصد را پرداخت کند نه اینکه ناچار شود بعد از ۲۰ سال کل مبلغ را به صورت یکجا پرداخت نماید.

مشاغل سخت و زیان آور

از دید کارفرمایان

در ادامه این جلسه احمد عبدالله زاده دبیر کانون کارفرمایان استان خراسان عنوان کرد: پیمانکاران در قراردادهای خود هزینه‌ای برای مشاغل سخت و زیان آور ندیده‌اند، مشکل بعدی این است که این هزینه باید به نرخ روز پرداخت شود. وقتی فردی مشمول مشاغل سخت و زیان آور می‌شود حدود ۱ میلیارد تومان برای صندوق تامین اجتماعی هزینه دارد. علاوه بر این بازنشستگی پیش از موعد نیروی کار، متخصصان را از حوزه کار منفک می‌کند.

در ادامه محمدهادی قنوات رئیس کانون کارفرمایان استان خوزستان نیز عنوان کرد: در استان خوزستان سالانه ۳۰ هزار درخواست



بازنشستگی وجود دارد که به ۱۵ هزار بازنشستگی پیش از موعد منجر می‌شود. قانون حاضر درباره مشاغل سخت و زیان‌آور ضد اشتغال است و فشارهای سیاسی اجتماعی باعث می‌شود کمیته‌ها بسیاری از مشاغل سخت و زیان‌آور را تأیید کنند.

مهندس بیات رئیس کانون کارفرمایی استان مرکزی نیز گفت: تأمین اجتماعی سازمانی دولتی نیست و باید از نقطه نظرات شرکای اجتماعی خود بهره‌مند شود. منشور حقوق کارفرمایان و کارآفرینان ۸ بند دارد و بنگاه‌های کسب و کار در محوریت آن قرار دارند. سازمان بین‌المللی کار از اوایل قرن ۲۱ حفظ و توسعه بنگاه‌های کسب و کار را در اولویت قرار داده است تا در سایه آن کارگر و کارفرمایی نیز وجود داشته باشند. برای حفظ بنگاه‌ها باید صدای پای کارفرمایان شنیده شود.

امیرعباس اختراعی، رییس هیات مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران نیز با بیان اینکه در حالت ایده‌آل روح حاکم بر قوانین صیانت از کار است، عنوان کرد: مشاغل بند «الف» ذاتا دشوار نیستند اما در اثر شرایط می‌توانند جزو مشاغل سخت و زیان‌آور به شمار آیند. اما در این زمینه استانداردهای بومی و محلی باید لحاظ شود. در کشوری که هوای آلوده متوسط عمر را ۱۵ سال کمتر می‌کند، چگونه می‌خواهیم استانداردهای بین‌المللی را در حوزه کار رعایت کنیم؟ برای اینکه به استانداردهای جهانی برسیم لازم است اداره کار با آموزش به کارفرما و مشاوره دادن به وی شروع کند. اگر کارفرما درباره شرایط مشاغل سخت و زیان‌آور کاری نکرد در قدم بعدی و قبل از ابلاغ و اجرائیه به وی اخطار بدهد.

در ادامه این بخش تعدادی از کارفرمایان حاضر در این نشست نیز به بیان نقطه نظرات و دیدگاه‌های خود پرداختند.

نظر تمام شرکای اجتماعی گرفته شود

احمدرضا پرنده سرپرست اداره کل بازرسی

کار وزارت تعاون نیز با درخواست تشکیل جلساتی در زمینه ایمنی کار عنوان کرد: اگر بنگاه اقتصادی وجود داشته باشد اما نیروی انسانی متخصص وجود نداشته باشد چرخ اقتصاد نمی‌چرخد. کارفرمایانی که برای حفظ نیروی کار تلاش می‌کنند جای تقدیر دارند. حوادث کار در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال قبل ۱۴ درصد کاهش داشته است که نشان از اهمیت دادن کارفرمایان به نیروی انسانی دارد. ۷۰ درصد از عوامل حادثه در محیط کار مربوط به شرایط نایمن و ۳۰ درصد آن مربوط به بی‌احتیاطی کارگران است.

وی افزود: در حوزه مشاغل سخت و زیان‌آور نیز آنچه روی داد این بود که آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور به شورای گفتگو رفت. نظر ما این بود که باید نظر تمام شرکای اجتماعی گرفته شود. برای اخذ این نظرات و تدوین آیین‌نامه‌ای پخته‌تر، مقرر شد آیین‌نامه در چهارچوب شورای عالی حفاظت فنی بررسی شود که این اتفاق افتاد و ما تا کنون سه جلسه تخصصی در این زمینه داشته‌ایم که نمایندگان دولت و نمایندگان تشکلهای در آن حاضر بودند. احتمالاً در آغاز خرداد ماه این آیین‌نامه با حضور اعضای اصلی شورای عالی حفاظت فنی بررسی نهایی خواهد شد و به دولت ارائه خواهد شد.

وی افزود: از ابتدا تا کنون گروه‌های شغلی «الف» و «ب» از ضریب یک و نیم استفاده

احمدرضا پرنده سرپرست

اداره کل بازرسی کار وزارت

تعاون:

پرداخت این ۴ درصد باید بر

عهده کارفرمای اصلی باشد و

اگر قرار است پیمانکار آن را

پرداخت کند باید این امر در

قرارداد دیده شود تا پیمانکار

بتواند ۴ درصد را در ابتدای

کار از کارفرما بگیرد.

می‌کنند که نیاز به اصلاح و رده‌بندی دارد. در خصوص ۴ درصد حق مستمری نیز در شورای عالی حفاظت فنی مصوب شد که اگر پیمانکاری کار را بگیرد و دخل و تصرفی در محیط کار یا ماشین‌آلات نداشته باشد، و صرفاً تعیین‌کننده نیروی انسانی باشد، وظیفه بهسازی محیط کار با کارفرما است. در مورد ۴ درصد هم ما معتقدیم این امر باید تعیین تکلیف شود که پرداخت آن بر عهده کارفرما است یا پیمانکار. البته در استفساریه مسئولیت این امر بر عهده کارفرمای فرد بیمه شده یعنی پیمانکار گذاشته شده بود، و برای اصلاح این امر در آیین‌نامه باید اصلاحاتی در قانون انجام شود. به نظر خود ما پرداخت این ۴ درصد باید بر عهده کارفرمای اصلی باشد و اگر قرار است پیمانکار آن را پرداخت کند باید این امر در قرارداد دیده شود تا پیمانکار بتواند ۴ درصد را در ابتدای کار از کارفرما بگیرد. یک زمانی بحث پرداخت ماهانه ۴ درصد در سازمان تأمین اجتماعی مطرح شد اما دیوان آن را رد کرد، و عنوان کرد چرا باید ۴ درصد برای کارگری که هنوز ۲۰ سالش تمام نشده و درخواست سخت و زیان‌آور نداده بگیرد؟

وی در پایان گفت: ماده ۵۲ عنوان می‌کند اگر کارگری مشمول مشاغل سخت و زیان‌آور باشد نباید بیش از ۶ ساعت کار کند اما برای اجرایی کردن آن، ممکن است خود کارفرما اعتراض کند چون مجبور خواهد شد نیروی انسانی بیشتری استخدام کنند. یک سری تصمیم‌گیری‌ها باید با بررسی و مشورت ذی‌ربطان کارفرمایی و کارگری اتخاذ شود.

از دست رفتن ۵۰ درصد از نیروی کار

علی مصطفایی نماینده اتاق تعاون نیز عنوان کرد: صحبت درباره از دست رفتن ۵۰ درصد از نیروی کار در اثر آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور است. متأسفانه هیات دولت اصلاحات آیین‌نامه را به شورای عالی حفاظت فنی ارجاع داد در حالی که



شورای گفتگو چندین سال است که در این باره کار کارشناسی انجام داده است..

تعریف مشاغل سخت و زیان آور نیاز به بازنگری دارد

در ادامه این نشست دکتر حجت‌الله نبی‌الله کرمی قاضی دیوان عدالت اداری که از سال ۱۳۸۹ پرونده‌های کار در تامین اجتماعی را بررسی می‌کند، عنوان کرد: با مشکلات کارگران و کارفرمایان آشنا هستیم. ما مشکلات و بی‌پناهی کارفرمایان را در هیات‌های رسیدگی می‌بینیم، البته بعضاً تقلب آنها را در پرداخت مزد، بیمه و سابقه را هم شاهدیم.

وی افزود: سطح بندی مشاغل سخت و زیان‌آور از دغدغه‌های اصلی ما است. تعریف مشاغل سخت و زیان‌آور نیاز به بازنگری دارد چون تعریف حاضر با مشاغل جدید همخوانی ندارد. نمی‌توان به کارفرمایی که نان در سفره کارگر می‌گذارد، گفت نفس کشیدن کارگر هم سخت و زیان‌آور است. کار به خودی خود سخت است اما کاری مشمول مشاغل سخت و زیان‌آور می‌شود که فرسایش غیرمتعارف داشته باشد. کمیته‌های مشاغل سخت و زیان‌آور در تعریف سخت و زیان‌آور سلیقه‌ای عمل می‌کنند که ما آن را قبول نداریم اما در عمل انجام شده قرار

می‌گیریم و ناچار به تائید می‌شویم. وی افزود: متأسفانه دیدگاه موجود نسبت به کارفرما دیدگاهی اتهامی است در حالی که باید دیدگاهی حمایتی داشته باشیم. در بحث بازنشستگی اساساً نوع بازنشستگی که با مشاغل سخت و زیان‌آور روی می‌دهد را قبول نداریم چون بسیاری از این افراد مجدداً مشغول به کار



دکتر حجت‌الله نبی‌الله کرمی

قاضی دیوان عدالت اداری:

نمی‌توان به کارفرمایی که نان در سفره

کارگر می‌گذارد، گفت نفس کشیدن کارگر

هم سخت و زیان‌آور است. کار به خودی

خود سخت است اما کاری مشمول

مشاغل سخت و زیان‌آور می‌شود که

فرسایش غیرمتعارف داشته باشد.

می‌شوند. بازرسی وزارت کار در این باره کم کاری می‌کند در حالی که باید مانند ضابطین دادگستری پیگیر مشکلات دو طرف یعنی کارگر و کارفرما باشد. اگر از کارفرمایان حمایت می‌شد تحریم بر ما اثر نمی‌گذاشت. اثر تحریم مربوط به عملکرد ما و ناقص بودن قانون است.

دکتر کرمی تصریح کرد: قانون کار سال ۱۳۶۹ پاسخگوی مشکلات ما درباره مشاغل نو نیست. باید در این باره آسیب‌شناسی شود. امروزه کار اقتصادی حرفه‌ای شده و نیاز به تخصص دارد. وی گفت: قانون کار در ماده ۸۵ کارفرمایان را موظف به نگهداری از نیروی کاری کرده است که در طی کار و تجربه به یک سرمایه تبدیل شده است. قانون در ماده ۸۸ اشخاص حقیقی و حقوقی را مکلف به رعایت ایمنی کرده است، به نوعی این یک دستور است تا کارفرما گرفتار حادثه ناشی از کار و دیه و ... نشود. وقتی صحبت از حمایت کارفرما از نیروی انسانی می‌شود هدف اصلی جلوگیری از ایجاد مسائل بعدی و گرفتاری کارفرما است. اما با کمال تأسف در این باره کمیته‌ها سلیقه‌ای عمل می‌کنند. مگر می‌توان تمام مشاغل را سخت و زیان‌آور تعریف کرد. هر شغلی که سخت و زیان‌آور نیست. امروزه بسیاری از مشاغل با تکنولوژی راحت‌تر شده است.

که با بررسی اسناد متوجه می‌شویم که فرد مزدبگیر بوده است. دکتر نبی‌الله کرمی در ادامه گفت: ما در دیوان عدالت اداری بر اساس مدارک موجود تصمیم می‌گیریم و در میان این مدارک دفاع کارفرماها وجود ندارد. در پرونده‌هایی که من رسیدگی می‌کنم نظر کارشناسی به شکل فنی وجود ندارد با این همه کارفرما اعتراض نمی‌کند. اگر در پرونده‌های مشاغل سخت و زیان‌آور نظر اعتراضی دارید آن را مکتوب کنید، حتی در زیر امضای خود نظر و استدلالتان را بنویسید.



اهمیت مستندسازی در محیط کار

دکتر حسن اصیلیان رئیس انجمن متخصصان بهداشت حرفه‌ای نیز در این نشست حاضر بود و عنوان کرد: شعار امسال روز ایمنی و بهداشت کار این بود که «محیط کار ایمن و سالم حق مسلم نیروی کار است» و کارفرما و متخصصان وظیفه دارند چنین بستری را برای کارگران فراهم کنند. عدم توجه به عوامل زیست محیطی و بهداشتی نه تنها سلامت کارگران را به خطر می‌اندازد بلکه سلامت کارفرما را هم با مخاطره مواجه خواهد کرد. تامین محیط کار ایمن و بهداشتی با کمک نیروی کار متخصص ممکن است. مدیریت شرکت باید در محیط کار از نیروهای متخصص ایمنی و بهداشت کار استفاده کند تا موارد مشکل‌آفرین را کاهش دهد. این نیروی متخصص می‌تواند کار مستندسازی را برای کارفرما انجام دهد. اگر نظر این کارشناسان در پرونده موجود باشد قاضی می‌تواند به آن استناد کند. متأسفانه مستندسازی در کشور ما جایگاه لازم را ندارد و در بسیاری موارد مدارک قابل استنادی از طرف کارفرما ارائه نمی‌شود. در تبصره ماده ۲ آیین‌نامه به استفاده از متخصصین اشاره کرده اما روند

دکتر محمدی مدیرکل وصول

حقوق بیمه سازمان تامین

اجتماعی:

با تعریف درست مشاغل،

همه مشاغل مشمول مشاغل

سخت و زیان‌آور نخواهند بود.

متأسفانه سخت و زیان‌آوری

رانت شده و نیاز به اصلاح دارد.

انسانی بدون انجام معاینات پزشکی لازم است. اگر آسیبی به کارفرما می‌رسد به دلیل بی‌اطلاعی از قانون یا تلاش برای عدم اجرای آن است. برخی کارفرماها بر خلاف ماده ۷ قانون کار قرارداد یک ماهه می‌بندند که با سابقه ۱۰ ساله کارگر در بنگاه اقتصادی تناقض دارد و در نهایت کارفرما محکوم می‌شود. از محل کارگاه هیچ سندی به کارگر داده نمی‌شود ولی کارگر سندی می‌آورد که در نهایت کارفرما محکوم می‌شود. برخی کارفرماها سند مالی از کارگر می‌گیرند که بدهکار است و می‌گویند اگر شکایت کند چک را به اجرا می‌گذارند. برخی دیگر از کارفرماها از کارگر اقرارنامه می‌گیرند که حق بیمه را نمی‌خواهد در حالی که طبق ماده ۳۹ و ۳۶ این کار الزامی است و این اقرارنامه ارزشی ندارد. برخی کارفرماها در قرارداد، کارگر را به عنوان شریک قلمداد می‌کنند

با قانون سال ۱۳۶۹ و قبل نمی‌توانیم مشاغل سخت و زیان‌آور را تعریف کنیم چرا که در نتیجه آن قانون دور زده می‌شود و اثرات اجتماعی مختلفی مانند دامن زدن به بیکاری و ایجاد شغل کاذب را به همراه دارد.

کرمی گفت: ساعات کار کارگران در مشاغل سخت و زیان‌آور ۳۶ ساعت است اما تا زمانی که سخت و زیان‌آور بودن شغل کارگر ثابت نشده ۴۸ ساعت کار کرده است، این ساعت کار اضافه چه خواهد شد. مرخصی کارگر ساده با کارگر مشمول مشاغل سخت و زیان‌آور فرق دارد. ما هم تاکید داریم حقی که در گذشته ایجاد شده با گذشت زمان از بین نمی‌رود، اما با سطح‌بندی در مشاغل سخت و زیان‌آور می‌توانیم از فشاری که بر روی کارفرما می‌آید جلوگیری کنیم. خیلی از کارفرماها زیر بار مشاغل سخت و زیان‌آور نمی‌روند، حق هم دارند چون قانون در این باره ناقص است. تشکلهای باید برای تغییر قانون به دولت فشار بیاورند. کارفرماها باید از قضات دیوان و فرجام بخواهند آسیب‌شناسی خود را درباره اینکه چرا کارفرماها محکوم می‌شوند، ارائه کنند.

وی با بیان اینکه ماده ۵۲ نیاز به اصلاح دارد، تصریح کرد: ایرادی که به کارفرمایان وارد است استخدام نیروی

آیین نامه به سمتی است که متخصصین را از روند تصمیم‌گیری‌ها حذف کند.

سخت و زیان‌آوری رانت شده و نیاز به اصلاح دارد

محمد محمدی مدیرکل وصول حق بیمه سازمان تامین اجتماعی نیز عنوان کرد: زمانی که قانون سخت و زیان‌آور تصویب شد صحبت از ایمن سازی و استمرارسازی کارگاهها ظرف دو سال بود اما بعد از ۲۰ سال این اتفاق روی نداد. این که چرا کارفرما تکالیف خود را انجام نداد و چرا ادارات و سازمانهای دولتی اجرایی شدن آن را پیگیری نکردند موضوع دیگری است. وی افزود: با وضعیتی که پیش آمده و با مجلس کنونی نمی‌توان کاری برای اصلاح قانون کرد. اما در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده شرط سنی گذاشته شود و سنوات ارفاقی پلکانی شود. در هیچ جای دنیا ۱۰ سال ارفاق برای کارگر وجود ندارد. فقط در کشور ترکیه است که ۱۵ شغل مشمول مشاغل سخت و زیان‌آور شده و در کشور ما ۱۱۰۰ شغل به عنوان شغل سخت و زیان‌آور مطرح شده است و کمیته‌های سخت و زیان‌آور مسئول تشخیص این امر هستند که می‌تواند به فساد و رانت منجر شود. وقتی فرد می‌تواند با ۲۰۰ میلیون تومان ۴ میلیارد تومان از این صندوق بگیرد هر جا بروید فساد و رانت ایجاد می‌شود.

وی افزود: در کنار اصلاح آیین‌نامه بحث اصلاح فرایندها نیز مطرح است. اصلاح آیین‌نامه دست کارگران و کارفرمایان است و همه ما می‌خواهیم افرادی که واقعا شغل سخت و زیان‌آور دارند مشمول قانون شوند. وقتی کارفرما ۲۰ سال زحمت کشیده و کارمندی را تربیت کرده تا متخصص شود حالا باید از تجربه او استفاده کند در حالی که ۵۲ درصد بازنشستگی‌های ما پیش از موعد است. ضریب پشتیبانی تامین اجتماعی به دلیل بازنشستگی پیش از موعد به ویژه در مشاغل سخت و زیان

آور کاهش یافته و آینده برای صندوقهای بازنشستگی خوب نیست.

وی افزود: من انتظار داشتم امروز درباره اصلاح آیین‌نامه به تصمیم نهایی برسیم. در این باره ۳ اختلاف جزئی وجود داشت. تامین اجتماعی می‌گفت دبیرخانه شورای عالی حفاظت فنی باید به تامین اجتماعی بیايد و دوستان وزارت کار مخالف بودند، مسئله بعدی این بود که بهداشت حرفه‌ای تامین اجتماعی اضافه شود که وزارت بهداشت مقاومت می‌کرد. بند دیگری هم بود، که حل کردن این سه بند می‌توانست مسائل را حل کند اما در حال حاضر از این آیین‌نامه چیزی بیرون نخواهد آمد.

محمدی عنوان کرد: بحث طرحهای عمرانی و واگذار کننده کار دو بار طی استفساریه مطرح شد اما طی اصلاح ماده در مجلس شورای اسلامی مطرح و رد شد. محتوی استفساریه این بود که در فعالیت‌هایی که انجام عملیات پیمان آن در محل کارگاه صورت می‌گیرد پیمانکار مکلف به پرداخت ۴ درصد است یا واگذار کننده کار؟ که در آنجا عنوان شده بود واگذار کننده کار، که متاسفانه در مجلس رد شد. اما در بحث برنامه هفتم می‌توان این مورد را اضافه کرد. البته چون بار مالی برای دولت در خصوص طرحهای عمرانی خواهد داشت باید مطالعه شود که راه حلی برای این امر پیدا شود.

وی افزود: البته ما می‌توانیم با توجه به رای دیوان در سال ۱۳۸۶ بخشنامه بدهیم و از فردی که در حال حاضر شاغل است ۴ درصد را بگیریم ولی درباره این کار احتیاط می‌کنیم چون حق بیمه سال به سال اضافه می‌شود، و اگر در کارگاهی ۱۰ نفر مشمول شوند کارفرما متضرر می‌شود. علاوه بر این تقاضای تازه‌ای در بیمه شده‌ها ایجاد می‌شود که برای هر شغلی اقدام کنند.

وی اعلام آمادگی کرد تا در زمینه نحوه مطالبه ۴ درصد حق بیمه و ۴ درصد مستمری مشاغل سخت و زیان‌آور و بحث

آلاینده سنجی با کارفرمایان گفتگو کنند و اگر به نتیجه مطلوب نرسیدند به سراغ اصلاح قانون بروند که در نهایت به نفع کارگر و کارفرما خواهد بود.

وی افزود: با ارائه ۴ درصد در هنگام تنظیم لیست، بیمانکار می‌تواند در قیمت تمام شده این امر را ببیند و همه طرفین راحت تر خواهند بود اگرچه با تعریف درست مشاغل، همه مشاغل مشمول مشاغل سخت و زیان‌آور نخواهند بود. متاسفانه سخت و زیان‌آوری رانت شده و نیاز به اصلاح دارد. امروزه اصلاح عناوین شغلی بحران ایجاد کرده است. فردی ۱۱ سال مسئول گزینش بوده است و با عنوان مدیر تولید بازنشست شده است. این امر برای سایر بیمه شدگان بار مالی ایجاد می‌کند و ناحقی را حق می‌کند.

وی افزود: کارگروهی متشکل از نمایندگان دیوان عدالت، سازمان تامین اجتماعی و اداره کار برای بررسی این مسائل تشکیل شده است، و اگر گروه کارفرمایی هم در این کارگروه باشد اتفاق‌های خوبی خواهد افتاد. پیشنهاد من این است که کارفرمایان برای حضور در کمیته‌های استانی تلاش کنند. از طرفی باید اصرار کنند تا رای کمیته سخت و زیان‌آور به آنها ابلاغ شود تا کارفرما حق اعتراض به رای را نداشته باشد. اینها مواردی است که می‌تواند در قالب اصلاح فرایندها، اصلاح آیین‌نامه، و تدوین برنامه هفتم پیگیری کرد تا قانون سخت و زیان‌آور اصلاح شود. نیت ما اصلاح مقررات است چون همه از مزایای اصلاح قانون بهره‌مند خواهند شد.

وی در پایان گفت: پرداختی‌های کوتاه مدت سازمان در مواردی مانند بیمه بیکاری ۲ هزار میلیارد تومان است. هزینه درمانی حدود ۱۰۹ هزار میلیارد تومان و پرداختی‌های بلندمدت سازمان در مواردی مانند بازنشستگی ۳۶ هزار میلیارد تومان است. ما ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بازنشسته داریم. هزینه پرسنلی وادارای و خدماتی سازمان ۳ درصد است.



کمبود آب؛ بزرگترین بحران در آینده ایران

مهندس فضل الله قربانی چگنی رئیس هیات مدیره شرکت خارادژ است که در سال ۱۳۶۳ تاسیس گردید و فعالیت خود را با اجرای پروژه‌های متعدد عمرانی آغاز نمود. وی کارشناس ارشد مهندس عمران با گرایش مدیریت منابع آب و ریاست رسته آب سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران است.



سرمایه گذاری می تواند یکی از مهمترین متغیرهای اقتصادی در جهان امروز باشد و تا حد بسیار زیادی در روند رو به رشد کشورها و جوامع تاثیرات بسزایی داشته باشد، بدیهی است که افزایش و کاهش این امر عامل اصلی رکود یا صعود برای اقتصاد کشورها می باشد. تولید و سرمایه گذاری های مرتبط با آن از دیرباز یکی از حیاتی ترین مسائل اقتصادی در تمام کشورهای دنیا بوده و هر کشوری فارغ از موانع و محدودیت هایی که از لحاظ منابع و سرمایه دارد برای حداکثر کردن موج اشتغال زایی و درآمد زایی به دنبال شناخت مزیت های نسبی خود در تولید و جذب سرمایه گذار برای کسب درآمد با استفاده از منابع و امکانات و پتانسیلهای موجود در خود می باشد. در همین رابطه کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست.

مسئله بعدی در فرایند توسعه، توجه به توسعه پایدار است که در آن محیط زیست و منابع طبیعی مورد توجه است، حفظ و نگهداری همچنین مصرف بهینه از این منابع در اولویت قرار دارد. از جمله آب که سرچشمه حیات آدمیان است.

اصل مسئله: بحران آب در ایران

بحران آب در ایران سلسله چالش ها و مشکلات ناشی از کمبود آب و استفاده نادرست از منابع آب در کشور ایران است. بحران آب در ایران به مشکلات ناشی از کمبود آب در این کشور اشاره دارد. کمبود آب می تواند نتیجه دو مکانیسم متفاوت باشد: کمبود آب فیزیکی

اقتصادی مردم در کره شمالی در پایین ترین سطح در مقیاس جهانی قرار دارد (فقر؛ عدم آزادی؛ عدم احترام شهروندی مردم...).

ابعاد مختلف توسعه اقتصادی ایجاد تغییرات اجتماعی، اقتصادی؛ همراه با افزایش ظرفیت های تولیدی فیزیکی؛ زیر ساختی و فنی را شامل می شود:

۱- پیاده سازی سیاست برای توسعه شغل های نوآورانه جدید در راستای حل معضل بی کاری دانش آموزان

۲- تغییر بنیادی سیستم آموزشی به منظور تربیت نیروی متخصص جهت پیشرفت در رشته های مختلف

سنگ بنا و شرط اولیه و فونداسیون حرکت به سمت توسعه ایجاد زیرساخت ها است. احداث بناهای ساختمانی اعم از شهرسازی، مسکونی، اداری، آموزشی، بهداشتی و درمانی، ساختمانهای صنعتی، کارخانه ها و پالایشگاه ها، در صنعت عمران کشاورزی گل خانه های کشت و محصولات کشاورزی و شبکه های آبیاری مدرن با نگاه به حداقل رسانی مصرف آب، مهم تر از همه نیز احداث راه و راه آهن، و عمران آب که به دلیل شرایط ویژه اقلیمی سرزمینی در مرحله نخست اولویت قرار می گیرد.

برای افزایش ظرفیت های تولیدی فیزیکی؛ زیر ساختی و فنی و پیاده سازی سیاست برای توسعه شغل های نو آورانه و تغییر بنیادی سیستم آموزشی در جهت تربیت نیروی متخصص، سرمایه گذاری لازم است. با نگاهی به اتفاقات پیرامون در میابم که

برای پرداختن به موضوع آب باید مسئله «عمران و نقش آن در توسعه» مورد توجه قرار گیرد. بنابراین بهتر است درمقدمه به یادآوری مفهوم دو کلمه توسعه و رشد اقتصادی اشاره داشته باشم که البته این تعاریف کشف بنده نیست و تعاریف عمومی است که توسط اندیشمندان صاحب نظران در رشته های مختلف ارائه گردیده است.

توسعه: مفهومی کلیدی است و شاخص اصلی و اساسی برای قضاوت حکمرانی خوب در پیشرفت کشورها محسوب می شود.

رشد اقتصادی: رشد اقتصادی به افزایش درآمدهای یک جامعه یا همان در آمد ناخالص ملی می پردازد که وابسته به تغییرات کمی

متغیرهای تولید و عوامل مؤثر بر آن است. اما مفهوم توسعه فرایندی فراتر از رشد اقتصادی است. در توسعه با تغییر در زیر ساختهای یک

جامعه تحول کلیدی در وضعیت متغیرهای اصلی آن جامعه به وجود می آید. به عبارتی توسعه به تغییرات کیفی متغیرها می پردازد.

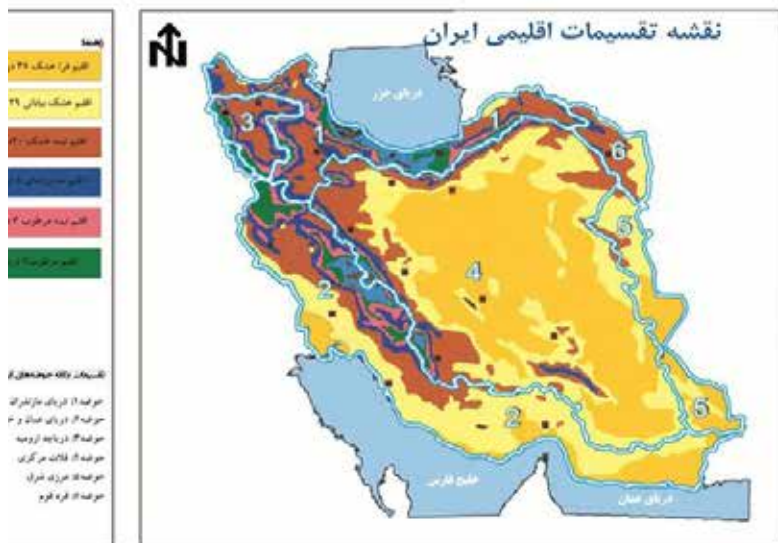
توسعه اقتصادی به سیاست ها، برنامه ها و فعالیت های می پردازد که به منظور دستیابی به بهبود شرایط اقتصادی و کیفیت زندگی

یک جامع با محوریت ایجاد عدالت، حفظ محیط زیست، برقراری صلح و امنیت و نهایتاً برقراری دموکراسی می پردازد، رشد صنایع

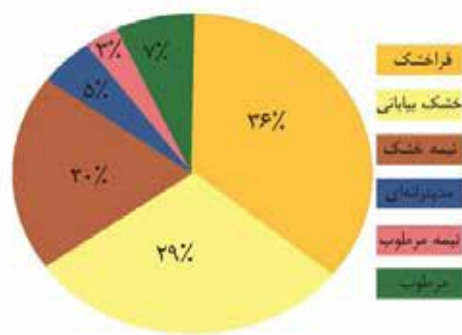
نظامی برای دفاع و ایجاد سپر دفاعی در یک کشور لازم است اما رشد صنایع نظامی و اختصاص بودجه کلان به فعالیت های نظامی

توسعه محسوب نمی شود. کره شمالی در صنایع نظامی رشد ویژه ای داشته اما شرایط





با توجه به نقشه اقلیمی ایران قسمت اعظم مناطق کشور را اقلیم خشک و فرا خشک در بر گرفته است. اقلیم مرطوب نیز بخش‌های اندکی از کشور را پوشش داده است.



۵٫۵ میلیارد متر مکعب (۶ درصد) به بخش خانگی و مابقی به بخش صنعت و نیازهای متفرقه دیگر اختصاص داشته است. در تیر ۱۴۰۰، بر پایه آمار وزارت نیروی ایران اعلام شد که نیمی از جمعیت روستایی ایران دسترسی به آب سالم ندارند.

لبنان و منطقه اشغالی (اسرائیل) در نزدیک شدن به «روز آخر» یعنی روزی که منابع آبی در آن ممکن است به پایان برسد، قرار دارد. به عنوان نسبتی اندازه‌گیری شده از «برداشت از منابع آبی» و «موجودی آب در دسترس»، سه حوضه از هفت حوضه‌ی تحت تنش جهان در ایران قرار دارند (قم، هریز، هیرمند).

(مطلق) و کمبود آب اقتصادی. منظور از کمبود آب فیزیکی عدم وجود منابع کافی آب طبیعی برای تأمین تقاضای یک منطقه است، و کمبود آب اقتصادی نتیجه مدیریت ضعیف منابع آب کافی موجود است. نگرانی‌های اصلی ایران در مورد بحران آب شامل: تغییرپذیری اقلیمی زیاد، توزیع نامناسب آب و اولویت‌بندی توسعه اقتصادی است. کاوه مدنی معتقد است که ایرانیان از مرحله بحران گذشته‌اند و این وضعیت، یک ورشکستگی آبی است. چرا که تقاضا و مصرف به مراتب بیشتر از آب موجود است.

کمبود آب در ایران

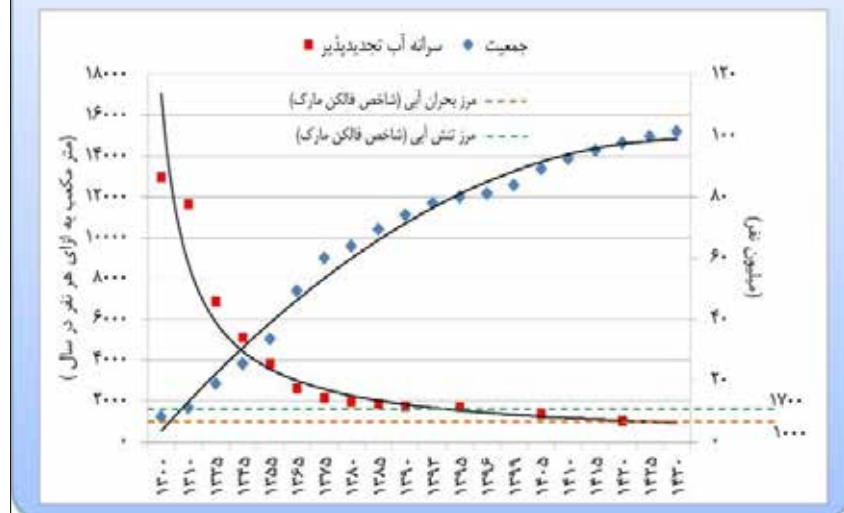
با توجه به میزان منابع آب و سرانه مصرف، ایران از جمله کشورهایی است که در گروه کشورهای مواجه با کمبود فیزیکی آب قرار دارد. این گروه شامل کشورهایی است که در سال ۲۰۲۵ با کمبود فیزیکی آب مواجه هستند. این بدان معناست که حتی با بالاترین راندمان و بهره‌وری ممکن در مصرف آب، برای تأمین نیازهایشان آب کافی در اختیار نخواهند داشت. حدود ۲۵ درصد مردم جهان از جمله ایران مشمول این گروه می‌باشند. براساس شاخص فالکن مارک، کشور ایران در آستانه قرار گرفتن در بحران آبی است. با توجه به اینکه در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ خورشیدی حدود ۶۹ درصد از کل آب تجدیدپذیر سالیانه مورد استفاده قرار می‌گیرد، براساس شاخص سازمان ملل، ایران نیز اکنون در وضعیت بحران شدید آبی قرار دارد. براساس شاخص مؤسسه بین‌المللی مدیریت آب نیز، ایران در وضعیت بحران شدید آبی قرار دارد. با نرخ بهره‌برداری کنونی، ۱۲ استان از ۳۱ استان

تاریخچه

ایران کشوری با اقلیم عمدتاً گرم و خشک است. رشد سریع جمعیت مهم‌ترین عامل کاهش سرانه آب تجدیدشونده کشور در قرن گذشته بوده است. جمعیت ایران در طی هشت دهه، از حدود ۸ میلیون نفر در سال ۱۳۰۶ به ۸۴٫۵ میلیون نفر تا اوایل سال ۱۴۰۱ رسیده است. بر این اساس میزان سرانه آب تجدیدپذیر سالانه این کشور از میزان حدود ۱۳،۰۰۰ متر مکعب در سال ۱۳۰۰ به حدود ۱،۴۰۰ متر مکعب در سال ۱۳۹۲ تقلیل یافته و در صورت ادامه این روند، وضعیت در آینده به مراتب بدتر خواهد شد. منابع آب تجدیدپذیر کل ایران به ۱۳۵ میلیارد متر مکعب بالغ می‌گردد. مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۶ از کل منابع آب تجدید شونده کشور حدود ۸۹٫۵ میلیارد متر مکعب جهت مصارف بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن و خانگی برداشت می‌شده است که حدود ۸۳ میلیارد متر مکعب آن (۹۳ درصد) به بخش کشاورزی،

ایران در حال تجربه مشکلات جدی آب است. خشکسالی‌های مکرر همراه با برداشت بیش از حد آب‌های سطحی و زیرزمینی از طریق شبکه بزرگی از زیرساخت‌های هیدرولیک و چاه‌های عمیق، وضعیت آب کشور را به سطح بحرانی رسانده است. از نشانه‌های این وضعیت خشک شدن دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین، تخریب کیفیت آب، فرسایش خاک، بیابان‌زایی و طوفان گرد و غبار بیشتر است. تهران به عنوان پایتخت و بزرگترین شهر، به زودی می‌تواند مرکز این بحران باشد. با خشک‌تر شدن زمین، کمبود آب معیشت مردم در سراسر ایران را تهدید می‌کند. در اوت ۲۰۱۹ برابر با مرداد ۱۳۹۸ طبق جدیدترین برآورد «مؤسسه منابع جهان» در «اطلس خطرات آبی»، ایران در رده چهارم بعد از قطر،

روند رشد جمعیت و پتانسیل سهم سرانه آب تجدید شونده در کشور



پایان سال ۱۳۹۰ خبر داد. این رویداد همچنان ادامه دارد و تاکنون خسارات بسیاری را به ایران وارد کرده است. مقامات دولتی این خشکسالی را شدیدترین خشکسالی در ۴۰ سال اخیر ارزیابی کرده اند.

ب- میزان بارندگی

بنابر اعلام «زرگر» معاون وقت وزیر نیرو، میزان بارندگی در ایران در هفت ماه از سال آبی ۱۳۸۷-۱۳۸۶، حدود ۱۹۰ میلیارد متر مکعب بوده که معادل ۱۱۵ میلی متر در گستره ایران است. این میزان بارندگی در مقایسه با میانگین ۳۹ ساله دوره مشابه، ۴۲ درصد کاهش را نشان می دهد. این میزان بارش نسبت به خشکسال ترین سال که ۷۹-۱۳۷۸ بوده نیز کمتر می باشد.

میانگین درازمدت بارندگی در ایران ۲۴۲ میلی متر است؛ ولی بررسی جدول تغییرات میزان بارش‌ها از سال آبی ۸۶-۸۵ تا سال آبی ۹۳-۹۲ نشان می دهد که به غیر از سال ۸۶-۸۵ که میزان بارش‌ها ۲۷۸ میلی متر ثبت شده است، در مابقی سال‌ها، کمتر از میانگین درازمدت بوده است. بر اساس این آمار در سال ۸۷-۸۶ به طور متوسط ۱۳۸ میلی متر بارندگی ثبت شده که تغییرات آن نسبت به میانگین بلندمدت، منفی ۴۳ درصد است. در سال آبی ۸۸-۸۷ به طور متوسط ۲۱۱ میلی متر بارش ثبت شده که تغییرات آن نسبت به بلندمدت منفی ۱۳ درصد است. در سال آبی ۸۹-۸۸ به طور متوسط ۲۳۴ میلی متر بارندگی ثبت شده که تغییرات آن نسبت به بلندمدت منفی ۳ درصد است. در سال آبی ۹۰-۸۹ نیز تنها ۱۹۷ میلی متر بارندگی ثبت شده که تغییرات آن نسبت به بلندمدت منفی ۱۹ درصد است. در سال آبی ۹۱-۹۰ به طور متوسط ۲۰۵ میلی متر بارندگی ثبت شده که تغییرات آن نسبت به بلندمدت منفی ۱۵ درصد است. در سال آبی ۹۲-۹۱ به طور متوسط ۲۳۷ میلی متر بارندگی ثبت شده که تغییرات آن نسبت به بلندمدت منفی ۲ درصد است و در سال آبی ۹۳-۹۲ حدود ۲۱۸ میلی متر ثبت شده که این مقدار نیز نسبت به میانگین درازمدت ۱۰ درصد کاهش را نشان می دهد.

عوامل موثر بر بحران آب در ایران

به طور کلی بحران آب در ایران تحت تأثیر سه عامل عمده است

- تغییر اقلیم کلی در سطح کره زمین و موقعیت

از خطر اسرائیل خوانده است. وی که مسئول وقت ستاد احیای دریاچه ارومیه بوده است در بهمن ماه ۱۳۹۳ وضعیت آب در ایران را چنین شرح داده است: «از زمان ساسانیان و هخامنشیان تا حدود ۳۵ سال پیش برداشت اضافه از منابع آبی کشور نداشتیم اما در این ۳۵ سال فقط ۱۲۰ میلیارد مکعب آبهای شیرین فسیلی صدها هزار ساله که حدود ۷۵٪ آبهای شیرین زیر زمینی بود را مصرف کردیم که حدود ۷۵ میلیارد متر مکعب آن در ۸ سال گذشته بوده است. یعنی منابع را تاراج کردیم. جمعیت را افزایش دادیم غافل از اینکه این جمعیت باید در یک کشور آباد زندگی کند. بدون توجه به نیازهای جمعیت، منابع کشور را برای رفع نیازها به تاراج گذاشتیم. امروز هیچ تالاب درون سرزمینی، آب ندارد، از بختگان تا هورالعظیم، گاوخونی و ارومیه. ادامه این روند یعنی تخلیه ایران از جنوب البرز تا دریاهای آزاد و از شرق زاگرس تا مرزهای شرقی کشور»، همچنین وی اظهار داشته اگر تا چند سال آینده این معضل رفع نشود هفتاد درصد جمعیت کشور مجبور به ترک ایران می شوند.

نمودهای بحران

الف- خشکسالی در دهه ۱۳۸۰

در فروردین ۱۳۸۷، علی محمد نوریان رئیس سازمان هواشناسی وقت ایران در بازدید از یکی از ایستگاه‌های هواشناسی، خبر وقوع خشکسالی و کاهش شدید بارندگی در زمستان ۱۳۸۶ را اعلام کرد. سازمان هواشناسی ایران از ادامه یافتن خشکسالی برای ۴ سال، یعنی تا

ایران طی ۵۰ سال آینده سفره‌های زیرزمینی خود را به طور کامل خالی خواهند کرد. بنابر شاخص‌های ذکر شده، کشور ایران برای حفظ وضع موجود خود تا سال ۲۰۲۵ باید بتواند ۱۱۲ درصد به منابع آب قابل استحصال خود بیفزاید که این مقدار با توجه به امکانات و منابع آب موجود غیرممکن به نظر می رسد. کاهش منابع آب زیرزمینی نشانه آشکاری از مدیریت ناپایدار و «ورشکستگی آب» ملی است که به موجب آن برداشت‌ها از تغذیه طبیعی سفره‌های زیرزمینی بیشتر است.

بزرگترین بحران در آینده ایران

روزنامه واشینگتن پست در تیرماه ۱۳۹۳، اعلام داشت ایران در بین ۲۴ کشوری قرار دارد که وضعیت آب در آن‌ها خطرناک است. واشینگتن پست، بحران ایران را ناشی از برنامه ریزی نادرست می داند. در خرداد سال ۱۳۹۳ خورشیدی، خبرگزاری جهانی طبیعت با انتشار خبری، بحران شدید آب را برای ایران بزرگترین چالش در دوران معاصر خواند. در این گزارش آمده است که بر اساس مستندات راهبردهای بین‌المللی آینده (Foreign Direct Investment) (FDI)، ایران از سال‌ها پیش در معرض بحران آب قرار داشته است، اما در سه دهه اخیر برای آن گامی برداشته نشده است. این گزارش حاکی از آن است که ایران از مرحله ای آمادگی برای خطر عبور کرده و هم اکنون در خطر قرار دارد. عیسی کلانتری، که در دهه ۱۳۷۰ رئیس وزارت جهاد کشاورزی بوده است، بحران آب در ایران را تهدیدآمیزتر

جغرافیای خاص ایران، رشد سریع و الگوی نامناسب استقرار جمعیت

- کشاورزی ناکارآمد
- سوء مدیریت و عطش توسعه

رشد سریع و الگوی نامناسب استقرار جمعیت

جمعیت ایران در قرن نوزدهم میلادی زیر ۱۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. در حالی که در سال ۱۹۷۹ جمعیت ایران به ۳۵ میلیون نفر و در دو دهه بعد از آن جمعیت ایران به دو برابر یعنی ۷۰ میلیون نفر افزایش پیدا می‌کند. جمعیت بیشتر به غذای بیشتری نیاز دارد. به همین دلیل تولید محصولات کشاورزی به شدت افزایش یافته و آب‌های زیرزمینی و روان به سرعت مصرف شدند.

محصول ساده ای این رشد سریع جمعیت، افزایش تقاضای آب و متناسب با آن کاهش شدید سرانه آب در دسترس است. سرانه کنونی آب در دسترس ایران با ۱,۳۰۰ مترمکعب، کمی بالاتر از متوسط خاورمیانه و شمال آفریقا است. اما این مقدار بسیار پایین‌تر از متوسط جهانی (۷,۰۰۰ مترمکعب) است.

با این حال مصرف خانگی مردم از آب‌های زیر زمینی تنها هشت تا هفت درصد است که رقم بالایی محسوب نمی‌شود. با توجه به این که بیشتر مصرف آب ایران در بخش کشاورزی است و مصرف خانگی سهم کمی در استفاده از آب دارد، صرفه جویی مردم ایران تأثیر زیادی بر بحران کمبود آب کشور ندارد. خانه‌ها تنها ۷ درصد آب موجود در کل کشور را استفاده می‌کنند و اگر بیست درصد صرفه جویی در مصرف آن‌ها محقق شود صرفاً ۱,۸۵ درصد آب کشور نجات پیدا می‌کند. ولی صرفه جویی در مصرف غذایی می‌تواند تأثیر زیادی بر مصرف آب در بخش کشاورزی بگذارد.

توزیع مکانی جمعیت افزون بر رشد جمعیت از عوامل عدم تطابق میان آب در دسترس و تقاضای آب است. نابرابری اقتصادی، فرصت‌های شغلی و شرایط زندگی بهتر در مناطق شهری باعث افزایش شهرنشینی و مهاجرت از مناطق روستایی و شهرهای کوچک به مناطق عمده ای شهری شده است، مانند تهران بزرگ، که میزبان ۱۸ درصد از جمعیت کشور است. در حال حاضر، ۷۰ درصد از جمعیت ایران شهرنشین است. توزیع مکانی موجود و افزایش و تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ‌تر که هم‌اکنون نیز برای تأمین آب مورد

نیاز خود دچار مشکل هستند، توازن عرضه و تقاضای آب در مناطق شهری را با چالش روبرو کرده است. هشدار در مورد خطر جیره‌بندی در عرضه آب در ماه‌های تابستان در شهرهای بزرگ‌تر رایج است.

سرعت شهرنشینی، مهاجرت به شهرهای بزرگ و توسعه اراضی مستلزم افزایش مداوم در تأمین آب با رشد سریع تقاضای آب در مناطق شهری است. افزایش مداوم تقاضای آب بسیار نگران‌کننده است. با گسترش سریع شهرنشینی، تمایل به توسعه بخش صنعت و تلاش‌ها برای شناسایی منابع اضافی تأمین آب، تقاضای آب را افزایش داده است.

کشاورزی ناکارآمد

در حالی که تنها ۱۲ درصد از مساحت ایران زیر کشت می‌رفته، حدود ۹۳ درصد از مصرف آب ایران در بخش کشاورزی صورت گرفته است. این در حالی است که تنها ده درصد تولید ناخالص ملی کشور از راه کشاورزی به دست می‌آید و ۱۷ درصد نیروی کار کشور در این بخش مشغول هستند.

ایران به دلیل تکیه بر اقتصاد مبتنی بر نفت، بهره‌وری اقتصادی خود در بخش کشاورزی را در تاریخ معاصر نادیده گرفته است. تمایل برای افزایش تولید کشاورزی، توسعه ای مناطق تحت کشت را در سراسر کشور تشویق کرده است. بخش کشاورزی در ایران از لحاظ اقتصادی ناکارآمد است و سهم این بخش در تولید ناخالص ملی در طول زمان کاهش یافته است. این بخش هنوز صنعتی نشده و از شیوه‌های منسوخ‌شده کشاورزی و منتهی به بهره‌وری بسیار کم در آبیاری و تولید رنج می‌برد. شیوه ای غالب کشاورزی در ایران، کشاورزی آبی است و بارده ای اقتصادی حاصل از مصرف آب کشاورزی پایین است. الگوهای محصول در سراسر کشور نامناسب و در بسیاری از مناطق با شرایط دسترسی به آب ناسازگار است.

توجه به خودکفایی در تولید محصولات عمده استراتژیک مانند گندم پس از انقلاب ۱۳۵۷ و طی سال‌های جنگ با عراق و تحریم‌های اقتصادی افزایش یافت و منجر به تحمیل بارانه‌های سنگین در بخش توسعه کشاورزی شد و باعث فشار بیش از حد در بخش آب گردید. نه تنها برنامه‌ها برای ساخت کشوری با خودکفایی در مواد غذایی شکست خورده، بلکه آرمان دستیابی به امنیت غذایی باعث

نامنی در بخش آب گردیده است. در حالی که بسیاری از کارشناسان معتقدند که ایران ظرفیت مورد نیاز برای تبدیل شدن به خودکفایی در مواد غذایی را ندارد، نگرانی‌های جدی در مورد وابستگی کشور به واردات مواد غذایی وجود دارد و امنیت غذایی و خودکفایی هنوز هم از موضوعات بحث برانگیز در ایران هستند.

سوء مدیریت و عطش توسعه

منابع آب ایران به طور جدی از ساختار نامناسب حکمرانی و مدیریت آب رنج می‌برد. در بخش آب، تعدد ذی‌نفعان و تنظیم منابع آب به طور طبیعی با درگیری‌ها و رقابت‌ها همراه است. سازمان حفاظت محیط زیست ایران قدرت سیاسی محدودی دارد و فاقد ظرفیت مورد انتظار برای اجرای مقررات جلوگیری از آسیب‌های محیط زیستی است. همچنین ساختار سلسله مراتبی سیستم مدیریت آب در ایران فرصت‌هایی را برای فساد و ناکارآمدی جدی در تبدیل تصمیمات به عمل، ایجاد می‌کند.

چاه‌ها به سرعت در حال گسترش هستند. اما داده‌های سراسر کشور نشان می‌دهد که استخراج آب زیرزمینی در حال کاهش است. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های ملی، ایران از آب‌های زیرزمینی بیشتر از آنچه که بتوان به طور طبیعی شارژ کرد، استفاده می‌کند. درست همان گونه که هر سال چاه‌های بیشتری زمین را بهره‌برداری می‌کنند، دبی کلی آنها کاهش می‌یابد. در سراسر کشور، سطح آب زیرزمینی به طور متوسط تقریباً نیم متر در سال افت می‌کند. سازمان محیط زیست سرعت استفاده از منابع آب زیرزمینی در ایران را در قیاس با استاندارد جهانی سه برابر بیشتر تخمین می‌زند. این برداشت بی‌رویه عامل خشکیدن ۲۹۷ دشت از ۶۰۰ دشت ایران می‌باشد همچنین بخاطر عدم رسیدگی به شبکه انتقال آب ۳۵ میلیارد مترمکعب آب در مسیر انتقال هدر می‌رود. مطابق گزارش شرکت آب و فاضلاب و دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران، تا شهریور ۱۳۹۴، ۴۰٪ از شبکه ای آب کشور فرسوده اعلام شد. ۱۳٪ از کل هدر رفتن آب ایران تا این تاریخ به موجب همین فرسودگی بوده است.

تلاش ایران برای مدرنیزه شدن، در کنار پیشرفت‌های قابل توجه در توسعه





زیرساخت‌ها قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷، باعث توجه کمتر به اثرات محیط زیستی طولانی مدت به دلیل تعجیل برای ساخت زیرساخت‌ها و توسعه فناوری شد. در نتیجه این وضعیت ارتباط مهم بین توسعه و محیط زیست تا حد زیادی نادیده گرفته شد، و اجرای پروژه‌های زیربنایی و مهندسی به طور جدی محیط زیست را تحت تأثیر قرار داد که اثرات منفی آن بر سلامت مردم و بر سیستم‌های طبیعی مشاهده شده یا در طولانی مدت دیده خواهد شد. با وجود اثرات محیط زیستی و اقتصادی، تشنگی برای توسعه فنی و تکنولوژی سریع (به جای توسعه پایدار) هنوز هم عامل اصلی تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای کشور است.

دوگانه مدیریت آب و پایداری محیطی چندان هم جدید نیست. اما در حال رشد است. در طول دهه‌های متمادی، ایران با راه‌حل‌های مهندسی خودنمایانه و مبتنی بر عرضه مانند ساخت سد و تونل‌های انتقال آب به منظور تأمین امنیت آب، وسوسه شده است. اما ایران باید قبلاً دریافته باشد که انتقال بین حوضه‌ای - انتقال آب از یک منطقه جغرافیایی به منطقه دیگر، معمولاً در مسافت‌های طولانی - درمان قطعی نیست. مجموعه‌ای از انحرافات آب از سرآب‌های غربی رودخانه کارون در طی چند دهه بیش از دو برابر جریان طبیعی رودخانه زاینده رود، منبع اصلی آب سطحی برای یک قطب استراتژیک اجتماعی - اقتصادی در ایران مرکزی را افزایش داد، اما این امر باعث ترویج توسعه لجام گسیخته شد و مردم را به نقل مکان به آن ترغیب کرد. چندین سال است که نامزدهای مجلس با وعده‌ی آوردن کارخانجات به شهرهایشان، نتیجه انتخابات را از آن خود می‌کنند. به همین ترتیب، شهرهای بزرگتر با نمایندگان مجلس بیشتر از قدرت بیشتری برخوردارند. در نتیجه، افزایش درگیری‌های آبی، کشاورزان را بر علیه مصرف‌کنندگان شهری، استان‌ها را بر علیه یکدیگر، و ایران را بر علیه همسایگان خود قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری:

امروزه کشورهای در حال توسعه به منظور تقویت زیربنای اقتصادی خود و رهایی از وابستگی و رفع عدم تعادل‌های موجودشان،

بیش از هر زمان دیگر نیازمند برنامه ریزی و شناسایی منابع کشورشان هستند. به طور یقین در برنامه ریزی برای رشد و توسعه آینده کشور شناخت موقعیت و جایگاه مناطق از مهم‌ترین عوامل در جهت نیل به پیشرفت است. کشور ما نیز به دلیل داشتن شرایط غیر همگون و امکانات طبیعی متنوع، نیازمند برنامه ریزی منطقه‌ای در سطح استان‌ها است، که البته برای کسب موفقیت در امر برنامه ریزی توجه به معیارهای توسعه بر اساس توانمندی‌های موجود در هر استان از مهم‌ترین مسائلی است که باید در همه حال به آن توجه کرد. این موضوع آنقدر حائز اهمیت است که در اقتصاد مثل اقتصاد کشور انگلستان سالانه گزارشی درباره تحلیل استراتژی صنعتی بخش‌های اقتصادی توسط اداره بازرگانی و فنی و حرفه‌ای منتشر می‌شود و عملکرد زیر بخش‌های صنعتی سهم صادرات در اقتصاد داخلی و بین‌المللی محاسبه و گزارش می‌گردد. سرمایه‌گذاری در هر استان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل کلان کشور و عوامل خاص استان است، بسیاری از دافعه‌ها یا عدم جاذبه‌های سرمایه‌گذاری که در سطح کلان وجود دارند از جمله عدم امنیت کافی، بلاتکلیفی و تردید، ابهام، بی‌ثباتی و عدم رعایت قوانین سرمایه‌گذاری و سایر قوانین و ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاران و نیز رفتار دلسردکننده با سرمایه‌گذاران فعلی و عدم حمایت واقعی از آنها و حتی بعضی از رفتارهای تنگ‌نظرانه، باعث شده اند جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی درگیر نوعی استراتژی نیمه فعال باشد.

بدین منظور در این گفتگو به بررسی موانع عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در طرح‌های تأمین منابع آب شرب و کشاورزی پرداخته می‌شود چرا که حل این موانع به نوعی راهکار برون رفت از بحران و حداقل کاهش بحران خواهد بود. موانع عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در طرح‌های تأمین منابع آب شرب و کشاورزی کدامند؟

الف- سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات:

- ۱- نبود عزم جدی در سطوح مختلف مدیریتی
- ۲- نبود بسترهای قانونی بالادستی
- ۳- تداخل و ناهماهنگی در سیاست‌های

اتخاذ شده

- ۴- نبود برنامه‌های بلند مدت
- ۵- نبود ظرفیت‌های کافی در جهت تعریف مشوق‌ها و معافیت‌ها
- ۶- عدم وجود چارچوب‌های حقوقی و قراردادی برای حفظ حقوق طرفین

ب- مطالعات آماده‌سازی و فرآیند ارجاع پروژه‌ها:

- ۱- عدم اطمینان سرمایه‌گذاران به مطالعات فنی و مالی انجام شده
- ۲- عدم انجام مطالعات ریسک
- ۳- غیر شفاف بودن فرآیندها و مقررات در انتخاب و تصویب پروژه
- ۴- غیرشفاف بودن فرآیندها و مقررات در انتخاب سرمایه‌گذار
- ۵- ضعف در بازاریابی و عدم ارائه اطلاعات مناسب به سرمایه‌گذاران

پ- تأمین مالی و حمایت مالی:

- ۱- کمبود منابع مالی جهت ارائه تسهیلات
- ۲- نبود منابع مالی پایدار جهت ایجاد پشتوانه
- ۳- عدم سازگاری شرایط اعطای تسهیلات بانک‌های تجاری با ساختار پروژه‌های مشارکتی
- ۴- عدم بهره‌گیری کافی از ظرفیت‌های بازار سرمایه در تأمین مالی قراردادهای مشارکتی

ت- ظرفیت‌سازی و ارتقای

دانش و مهارت:

- ۱- کمبود دانش و مهارت
- ۲- نبود اطمینان بخش خصوصی به ایفای تعهدات بخش عمومی
- ۳- تلقی نادرست مدیران دستگاه‌های اجرایی از آثار حقوقی مترتب بر واگذاری پروژه
- ۴- عدم آشنایی کافی دستگاه‌های نظارتی با اهمیت و موضوع واگذاری پروژه‌ها و نظام اجرایی مشارکت
- ۵- نظام اجرایی مشارکت
- ۶- کمبود دانش و مهارت بخش خصوصی با نظام اجرایی مشارکت

یادآوری: مقاله فوق بیش از ۶۰ ارجاع و ماخذ داشت که به دلیل محدودیت صفحات حذف گردید. البته در آرشيو ماهنامه موجود است.



"به نام خدا"

جناب آقای دکتر منظور

ریاست محترم سازمان برنامه و بودجه کشور

موضوع: عوارض مصالح حاصل از خاکبرداری و قرضه های پروژه های راهسازی

با سلام:

احتراماً، با عنایت به درخواست های متعدد شرکتهای پیمانکاری و مکاتبات بسیار در خصوص اخذ عوارض بابت مصالح حاصل از خاکبرداری ها و قرضه های جانبی و موضعی که در خاکریزهای پروژه های راهسازی مصرف می شوند، توسط سازمان های صنعت، معدن و تجارت استانها برخلاف دستورالعمل ها، بخشنامه ها، آنالیز ردیفهای فهرس بها و مکاتبات سازمان برنامه و بودجه کشور به استحضار می رساند:

متأسفانه چند سالی است که سازمان های صنعت، معدن و تجارت استانها مدعی دریافت عوارض از خاکبرداری ها و قرضه های جانبی و موضعی برای مصارف خاکریزی پروژه های راهسازی بوده و در صورت عدم پرداخت عوارض یاد شده، ضمن محاسبه مبلغ عوارض با ضریب چند برابر جریمه، نسبت به طرح شکایت در مراجع قضایی و انتظامی، معرفی مدیران شرکتهای پیمانکاری به ادارات تعزیرات حکومتی، تعطیلی معادن قرضه، ممانعت از صدور توصیه نامه ها و مجوزهای برداشت از معادن اقدام که این امر مهم منتج به توقف و تأخیر در اجرای پروژه های راهسازی کشور و متعاقباً تحمیل هزینه های گزاف به پروژه ها و بیت المال خواهد شد. لازم به ذکر است مطابق مفاد بند ۷ بخشنامه شماره ۷۲۰/۵۴/۱۲۹۱۹-۱ مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۷ هیات محترم وزیران شمول اخذ عوارض از مصالح به وضوح تشریح گردیده است و به هیچ عنوان مصالح حاصل از خاکبرداری ها و قرضه های جانبی و موضعی که در خاکریزهای پروژه های راهسازی مصرف می شوند، مشمول دریافت عوارض نمی باشند و مراتب نیز طی نامه شماره ۶۰/۱۹۷۹۱۴ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۰ دبیر محترم وقت شورایی عالی معادن (مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۷/۹ شورایی عالی معادن) نامه شماره ۷۸۵۹۷۷ مورخ ۱۳۹۵/۷/۲۷ رئیس محترم وقت امور نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه و بودجه کشور و نامه های شماره ۰۲/۱۰۰/۳۹۵۹۱ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۵ و شماره ۰۱/۱۱۰/۶۱۱۳۶ مورخ ۱۴۰۰/۵/۱۷ مقام عالی وقت وزارت راه و شهرسازی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین یادآور می گردد با اعتراض دیوان محاسبات کشور به مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۹ شورایی عالی معادن طی نامه شماره ۵۱۹۰۰/۶۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۵، دیوان عدالت اداری مصوبه صدرالاشاره رالغو و شورای عالی معادن نیز به ناچار طی رای شماره ۶۰/۳۱۳۸۸۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۷ مجدداً حکم به اخذ حقوق دولت از محل مصالح حاصل از خاکبرداری ها و قرضه های جانبی و موضعی صادر می نماید که ابلاغ چنین حکمی پروژه های راهسازی فعال در کشور را با مشکلات جدی مواجه نموده است.

با عنایت به مراتب فوق و با مدنظر قراردادن حکم دیوان عدالت اداری مبنی بر لزوم دریافت حقوق دولتی مصالح برداشت شده از قرضه و ترانشه پروژه های راهسازی و توجه به اینکه هزینه تهیه مصالح خاکریزی در آیتام های فهرست بهای راه، راه آهن و فرودگاه لحاظ نشده و صرفاً هزینه برداشت مصالح و حمل آن در قیمت آیتام های مربوطه به پیمانکار قابل پرداخت است، لذا جهت برون رفت از این تناقض پیشنهاد می گردد سازمان برنامه و بودجه با همکاری متولیان پروژه های راهسازی وزارت راه و شهرسازی نسبت به محاسبه حقوق دولتی برداشت مصالح خاکریزی از قرضه ها و ترانشه های هر پروژه اقدام و مبلغ محاسبه شده توسط آن وزارتخانه به منظور درج در لایحه بودجه سنواتی به سازمان برنامه و بودجه کشور ارائه گردد. (خاطر نشان می دارد اقدام مشابه این موضوع برای خسارت وارده به منابع طبیعی تحت قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی و آئین نامه اجرایی آن توسط وزارت جهاد کشاورزی در حال اجرا است.)

لذا خواهشمند است دستور فرمایید با عنایت به ضرورت و اهمیت موضوع و جلوگیری از ایجاد وقفه و تحمیل بار مالی به پروژه های راهسازی اقدام مساعد معمول و از نتیجه این وزارتخانه را مطلع نمایند.

با سپاس
ابرج گلابتوچی
دبیر و عضو هیات مدیره

رونوشت: جناب آقای دکتر بذریاش مقام عالی وزارت راه و شهرسازی با سلام، جهت استحضار.

رونوشت: جناب آقای دکتر نیکزاد نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی با سلام، جهت استحضار.

رونوشت: جناب آقای دکتر قانع فر ریاست محترم نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه و بودجه کشور با سلام، جهت استحضار.

رونوشت: جناب آقای دکتر خادمی معاون محترم وزیر و مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور با سلام، جهت استحضار.

رونوشت: اعضای محترم هیات مدیره جهت استحضار.

رونوشت: جناب آقای مهندس خاشع شرکت آبدارهان پارس.

رونوشت: دبیرخانه / اقدام کننده: دبیر سندیکا





تاریخ: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹
شماره: ۱۴۰۲/۶۶۴۷۲
پیوست:

"به نام خدا"

جناب آقای دکتر منظور

معاون محترم رئیس جمهور و ریاست محترم سازمان برنامه و بودجه کشور

با سلام و احترام،

سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران انتصاب بجا و شایسته حضرتعالی را به سمت ریاست سازمان برنامه و بودجه کشور تبریک عرض می‌نماید و برای حضرتعالی موفقیت روزافزون از درگاه ایزد منان مسالت دارد.

رجاء واثق دارد با حضور در رأس مجموعه سازمان برنامه و بودجه و با شناخت کافی جنابعالی از خدمات و عملکرد شرکت‌های حوزه صنعت احداث کشور به عنوان یکی از ارکان اصلی و مهم در رونق و افزایش تولید و اشتغال ملی، فعالیت‌های سازمان بیش از پیش بر اساس قوانین و مقررات در راستای حفظ حقوق جامعه پیمانکاری و امکان ادامه خدمات این فعالین اقتصادی معطوف خواهد بود. به استحضار عالی می‌رساند سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران بعنوان قدیمی‌ترین تشکل بخش خصوصی به نمایندگی از طیف عظیمی از سازندگان و مجریان طرح‌های عمرانی و بازوی اصلی دولت محترم در اجرای برنامه‌های توسعه، بعنوان یک رسالت ملی در جهت اهداف عالی اقتصاد مقاومتی که مورد تأکید و توصیه مقام معظم رهبری می‌باشد در سال «مهار تورم و افزایش تولید» توصیه‌هایی جهت برون‌رفت از مشکلاتی که در سالهای اخیر بویژه دو سال گذشته توجه و عنایتی به آنها نشده و به عنوان موانع و مشکلات مهم حوزه صنعت احداث می‌باشد به حضور معروض می‌دارد.

از نظر این سندیکا به منظور رفع این مشکلات و ایجاد کارکرد بهتر در روند سازندگی کشور و حفظ و فعال تر نمودن سیستم پیمانکاری و مهندسین مشاور شاغل در حوزه صنعت احداث، لازم است سرفصل‌های زیر مورد توجه خاص قرار گیرد و با اجابت این درخواست‌ها شرایط برای بسترسازی لازم به منظور افزایش بهره‌وری و چابک سازی شرکت‌های سازنده و آبادگر فراهم گردد:

۱- اعلام و ابلاغ شاخص‌های تعدیل:

یکی از مهمترین مسایل در حوزه پیمانکاری صنعت احداث کشور مقوله ابلاغ به موقع، عادلانه و واقعی شاخص‌های تعدیل است که در طول اجرای قراردادهای پیمانکاران همواره توجه خاصی به این موضوع داشته و عموماً عملکردشان در طول سال به شدت تحت تاثیر اعلام این شاخص‌ها قرار می‌گیرد.

عنایت فرمایند عدم اعلام شاخص‌هایی که انطباق درستی با شرایط کاری و اقتصادی و تورمی کشور داشته باشد بی‌شک تطویل پروژه‌ها و افزایش قیمت پروژه‌ها به ویژه پروژه‌های جدید را در پی خواهد داشت. در اینصورت عملاً دولت محترم بزرگ‌ترین متضرر این رویه می‌باشد که مجبور است با پرداخت هزینه‌های بیشتری در یک بازه طولانی تر نسبت به پیش‌بینی‌های قراردادی، کارها را به سرانجام برساند یا با پروژه‌های ناتمام بیشتری روبرو گردد. قطعاً رخداد چنین مسأله‌ای مدنظر حضرتعالی نمی‌باشد.

در دو سال اخیر عدم ابلاغ به موقع، عادلانه و واقعی شاخص‌های تعدیل متناسب با تورم موجود در جامعه، ادامه حیات و ارائه خدمات توسط شرکت‌های پیمانکاری کشور را به شدت تهدید نموده و در مسیر سازندگی و آبادانی کشور و رونق تولید و اقتصاد که از اهداف عالی دولت محترم است، تاثیرات مخرب و بازدارنده‌ای داشته است که قطعاً ادامه چنین رویه‌ای مدنظر جنابعالی نیست و انتظار دارد با اشرافتان بر این مسأله، این رویه اصلاح گردد و با هم اندیشی و اخذ نظر از تشکلهای مرتبط، هم زمان ابلاغ شاخص‌ها و هم مقدار آنها واقعی و درست، اعلام گردد.





۲- توجه به مشارکت بیشتر بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها:

۱-۲- تشکیل معاونت بخش خصوصی (مسئول بهبود محیط کسب و کار) در ساختار سازمان و دریافت و اعمال نظرات بخش خصوصی در تدوین قوانین و مقررات

در راستای تعامل بیشتر سازمان با بخش خصوصی با هدف بهبود مستمر محیط کسب و کار، از سازمان برنامه و بودجه کشور به عنوان متولی نظام فنی و اجرایی پیمانکاران و مشاوران کشور و همچنین دستگاه اجرایی مربوطه انتظار دارد، به استناد ماده ۱۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، در ساختار سازمان معاونت بخش خصوصی در ساختار سازمان تشکیل و این معاونت به عنوان مسئول بهبود محیط کسب و کار تعیین و معرفی گردد.

مزید استحضار مطابق ماده ۱۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۹۰/۱۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی:

« به منظور تعامل مستمر با فعالان اقتصادی اعم از کارفرمایی و کارگری و تلاش برای حل مشکلات آنان و ارائه پیشنهاد برای اصلاح قوانین، مقررات، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و رویه‌های اجرائی به شورای گفت‌وگو، وزرا و رؤسای دستگاه‌های اجرائی و قضائی مرتبط با محیط کسب و کار و رؤسا و مدیران کل این دستگاه‌ها در مراکز استان‌ها موظفند یکی از معاونان خود را به عنوان مسئول بهبود محیط کسب و کار تعیین و معرفی نمایند.»

تعیین این معاونت یکی از وظایف دستگاه‌های مرتبط با حوزه عملکرد بخش خصوصی به ویژه سازمان برنامه و بودجه در ارتباط با صنعت احداث است. در همین راستا این معاونت می‌تواند نظرات بخش خصوصی در خصوص تدوین قوانین و مقررات و بخشنامه را با استناد به مواد ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، اجرایی نماید. تعامل دولت با بخش خصوصی و دادن نقش موثر و فعال‌تر به بخش خصوصی در ترسیم و ایجاد فضای کسب و کار با تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها با استفاده از نظر متخصصین هر بخش و حوزه باعث اجرای بهتر از قبل امور می‌گردد. لذا در راستای عمل به مندرجات ماده مزبور، قوانینی که اخذ نظرات بخش خصوصی را در تصمیم‌گیری‌ها یک اصل لازم‌الرعایه می‌داند از جمله مواد ۲ و ۳ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و همچنین بخشنامه شماره ۱۳۱۹۳۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ معاونت محترم حقوقی رئیس جمهور جهت حل چالش پیشنهاد می‌گردد.

۲-۲- حضور نماینده بخش خصوصی به عنوان یکی از اعضای شورای عالی فنی:

چنانچه استحضار دارند شورای عالی فنی به عنوان مرجع داوری اختلافات فی مابین دستگاه‌های اجرایی و پیمانکاران در طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مرجع عالی مقررات و نظامات مرتبط با قراردادهای پیمانکاران می‌باشد. با هدف حفظ توازن و رعایت موازین داوری و عدالت همچون ادوار گذشته، پیشنهاد می‌گردد تا یکی از اعضای شورای عالی فنی از مجموعه افراد معرفی شده تشکل‌های صنفی، به عنوان نماینده بخش خصوصی در این شورا حضور داشته باشند.

۳- تامین مالی مناسب برای پروژه‌ها و پرداخت به موقع مطالبات به صورت نقدی:

یکی از چالش‌های اساسی پیمانکاران و مهندسان مشاور در اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، موضوع عدم پرداخت به موقع مطالبات متناسب با پیشرفت کارها از سوی کارفرمایان است که غالباً با تاخیرات زمانی بسیار زیاد انجام می‌شود.

از سال ۹۵ نیز واگذاری اسناد خزانه اسلامی به جای تعهدات نقدی کارفرمایان در بزرگ‌تر شدن این مشکل مزید بر علت بوده و به عنوان چالش اساسی مطرح می‌باشد. با این کار علاوه بر کاهش توان مالی پیمانکاران و تطویل زمان اجرای پروژه‌ها، هزینه‌های پروژه‌ها به لحاظ ریالی هم افزایش یافته است. در صورت اصلاح این روند و پرداخت نقدی مطالبات عمده مشکلات





تاریخ: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹

شماره: ۱۴۰۲/۶۶۴۷۲

پیوست:

شماره ثبت: ۹۴

تاسیس: ۱۳۲۶

این صنعت مرتفع می‌گردد و به‌عنوان صنعت پیشران اقتصادی کشور و در راستای بهبود محیط کسب و کار بخش خصوصی و افزایش تولید مدنظر مقام معظم رهبری اثرات این اقدام نمایان خواهد گردید.

۴- احیای جلسات نهاد تعامل

نهاد تعامل با هدف ایجاد زبان مشترک بین دولت و تشکل‌های مدنی و تبیین حقوق و وظایف متقابل برای شناسایی و بررسی چگونگی رفع موانع و ایجاد انگیزه و هم‌افزایی و توانایی‌ها در فرآیند تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزها و اجرای برنامه‌های توسعه ملی کشور و ایجاد وفاق بین دست‌اندرکاران طرح‌های توسعه برای افزایش بهره‌وری از توانمندی‌های فنی و تخصصی صنعت احداث کشور در راستای توسعه پایدار کشور ایجاد گردید و تا دو سال قبل نیز با اهتمام و اهمیت دادن روسای سازمان نهاد تعامل با اهداف تعیین شده برگزار می‌گردید که متأسفانه در دو سال گذشته در دوره ریاست قبلی سازمان جلسات نهاد تعامل علیرغم پیگیری‌های متعدد از سوی بخش خصوصی و بدنه مدیریت و کارشناسی آن سازمان برگزار نگردید که توصیه می‌شود جلسات نهاد در اسرع وقت برگزار شود تا علاوه بر استماع راهنمایی‌ها و نظرات جنابعالی و دیگر متولیان و مدیران سازمان برنامه، حضرتعالی از پیشنهادات و نظرات نمایندگان بخش خصوصی مستحضر شوید.

۵- ارتقاء نظام فنی و اجرایی کشور به معاونت نظام فنی و اجرایی

با عنایت به حجم بالای کارهای زیرساختی و سازندگی کشور به لحاظ وزنی و ریالی و نیاز کشور به اجرا و اتمام طرح‌های تعریف شده توسط کارفرمایان ذیصلاح دولتی طرح‌های عمرانی کشور و همچنین ممانعت از تطویل و توقف اجرا و با توجه به اولویت توسعه زیرساخت کشور و دامنه شمول و حجم کاری و اهمیت موارد و اقدامات حوزه امور نظام فنی و اجرایی و اهداف از پیش تعیین شده، در ساختار سازمانی و تشکیلات اداری سازمان برنامه و بودجه کشور، امور نظام فنی و اجرایی به معاونت نظام فنی و اجرایی، با هدف افزایش کارایی و اثربخشی طرح‌های تملک‌داری‌های سرمایه‌ای، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و پایش مستمر نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور و دستیابی به برنامه‌ای تعریف شده ارتقاء یابد.

شایان ذکر است این معاونت می‌تواند در انطباق با ماده ۱۴ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار مسئول بهبود فضای کسب و کار سازمان برنامه و بودجه یا همان معاونت در تعامل با بخش خصوصی باشد.

در پایان خواهشمند است دستور فرمایند با اختصاص وقتی به هیات مدیره این سندیکا در جلسه‌ای در محضر جنابعالی ضمن دیدار و بهره‌مندی از نظرات ارزشمند جنابعالی و هم‌اندیشی و آگاهی از برنامه‌های مترقی حضرتعالی برای بهبود فضای کسب و کارها به ویژه حوزه صنعت احداث فرصت ارائه نظرات تکمیلی را فراهم نماید تا در سال رونق تولید و مهار تورم بتوان در این مسیر، مشارکتی افزون داشت، مسائل و موارد فوق‌الذکر را تشریح نمود.

قبلاً از بذل توجهی که می‌فرمایند نهایت تشکر را دارد.

با سپاس
ایرج گلابتوفچی
دبیر و عضو هیات مدیره



مباحثی از حقوق ساخت

قسمت دوم

ایرج گلابتونچی، عضو هیات مدیره و دبیر سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

گردد؛ یکی پیمانکار اصلی یا عمومی و دیگری پیمانکار فرعی یا جزء.

نظام حقوقی حاکم بر پیمانکاری در ایران با توجه به شخصیت حقوقی کارفرما به دو بخش تقسیم می‌شود. در صورتی که کارفرمای پیمان، شخص حقوقی عمومی باشد «دولت، موسسات دولتی و نهادهای عمومی تابع مقررات دولتی» نظام حقوقی پیمان‌های دولتی بر آن طرح حاکم خواهد بود و در صورتی که کارفرما شخص خصوصی باشد به علت عدم الزام رعایت نظام پیمان‌های دولتی، نظام حاکم بر طرح موضوع پیمان نظام قراردادهای خصوصی وفق ماده ۱۰ قانون مدنی با رعایت قوانین و مقررات آمره حقوقی خواهد بود.

دولت گذشته از اعمال حاکمیت و برقراری نظم و امنیت عمومی، مالک بزرگ‌ترین طرح‌های عمرانی، بزرگ‌ترین کارفرما، بزرگ‌ترین خریدار کالا و خدمات و همچنین



چارچوب کلی و توافق شده برای اجرای یک پروژه مهندسی عمرانی یا غیرعمرانی در حوزه صنعت ساخت، منعقد می‌شود (نمودار ۱).

به موجب این قرارداد کارفرما (دولتی یا بخش خصوصی) خرید کالا یا انجام عمل مشخص را در قبال شرایط، مدت و قیمت معین به شخصی دیگر به عنوان پیمانکار واگذار می‌کند. در پروژه‌های پیمانکاری ممکن است با دو نوع پیمانکار برخورد

قراردادهای پیمانکاری ساخت و ساز یا اجرای طرح‌های عمرانی، مجموعه‌ای منسجم از مسائل و تعهدات فنی، مالی، اقتصادی، حقوقی و مدیریتی هستند که هر کدام به نوبه خود از اهمیت وافر برخوردارند و توأمان این نوع قراردادها را شکل می‌دهند؛ بنابراین بررسی این نوع قراردادها از جنبه‌های مختلف قابل توجه و مهم است. این قراردادها اصولاً برای اجرای یک پروژه مهندسی یا عمرانی در حوزه ساخت و ساز و انرژی تنظیم، مبادله و اجرا می‌شوند. آنچه در قراردادهای پیمانکاری این حوزه مشترک می‌باشد آن است که متن آنها عموماً از ضوابط خاصی تبعیت می‌کند و لذا بررسی این ضوابط و اجزاء مختلف این قراردادها بسیار ضروری بوده و به بهتر شدن کارکرد این نوع قراردادها منجر می‌گردد.

از سوی دیگر شناخت انواع مختلف قراردادهای این حوزه می‌تواند به استفاده مطلوبتر و کاربرد دقیق تر این قراردادها متناسب با نوع پروژه تحت اجرا منجر گردد و از این منظر می‌تواند دستاوردهای مناسب فنی و اقتصادی را به همراه داشته باشد. در این مقاله علاوه بر بررسی اجزاء مختلف قراردادهای پیمانکاری این حوزه، مرسوم ترین و پرمصرف ترین قراردادهای داخلی و بین المللی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قراردادهای پیمانکاری، پیمان، شرایط عمومی، فیدیک، تامین مالی

مقدمه

پیمانکاری قراردادی است با ارکان مشخص، موضوع معین که در یک

چارچوب کلی	موضوع معین	ارکان مشخص
زمان لازم Contract Period	خرید کالا و خدمات Procurement of goods and services	کارفرما Client / Owner
قیمت توافق شده Contract price / Amount	انجام عملیات مشخص Actions / Activates Construction Installation Reconstruction	پیمانکار Contractor
شرایط مشخص Contract condition	بکارگیری و بهره‌برداری Operation	مهندس مشاور یا ناظر Consultant Engineer / Supervision
مشخصات معین Contract specification		بهره‌بردار operator

نمودار ۱- ارکان، موضوع و چارچوب کلی قراردادهای پیمانکاری حوزه ساخت





پیمان‌همانگ و متحدالشکلی تنظیم می‌شود. حتی شرایط خصوصی نیز به صورت کلی از یک فرم خاص پیروی می‌کند و بنابراین به پیمان حالت متحدالشکل در کل می‌دهد. اصول کلی و شرایط عمومی قراردادهای مربوط به طرح‌های عمرانی توسط سازمان برنامه‌بودجه در قالب دفترچه «شرایط عمومی پیمان» که شبیه قراردادهای الحاقی است تهیه شده و به دستگاه‌های اجرائی ابلاغ گردیده است و دستگاه‌های اجرائی در تنظیم قراردادهای موظف به رعایت مفاد آن می‌باشند.

در بعد بین‌المللی نیز دفترچه‌های شرایط عمومی پیمان و حتی فرمت کلی شرایط خصوصی پیمان‌ها یکسان و متحدالشکل است که در تنظیم پیمان از آنجا به عنوان اجزاء پیمان استفاده می‌شود. در ادامه اجزای مختلف پیمان اشاره می‌گردد.

پیمان

پیمان، مجموعه اسناد و مدارکی است که در ماده ۲ موافقت‌نامه پیمان درج شده است. کلمات و اصطلاحات قرارداد، عقد معامله، توافق و پیمان اگرچه به لحاظ مفهومی و نوع استفاده، بعضاً تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند ولیکن تمامی این اصطلاحات اعمالی حقوقی هستند که مبنای وقوع آنها تراضی است، فلذا به وجود آمدن پیمان مستلزم جمع و تلاقی دو اراده در موضوع پیمان است، علی‌هذا پیمان را می‌توان عقدی دانست که در ایجاد آن از یک طرف اراده دولت و موسسات عمومی یا خصوصی به عنوان کارفرما و از طرف دیگر اراده اشخاص اعم از عمومی و خصوصی به عنوان پیمانکار با همدیگر جمع گردیده‌اند و بدیهی است، انشاء پیمان نیز مانند سایر عقود و معاملات نیازمند ایجاب و قبول طرفین و در حقیقت اعلام اراده هر یک به طرف دیگر است و بدین وسیله طرفین در مقابل یکدیگر تعهداتی را به عهده می‌گیرند (هریسی، ۱۳۸۴). این موارد موجودی را خلق و انشاء می‌کنند که به آن «پیمان» می‌گویند.

مراد از کارفرما در پیمان شخصی حقوقی

برای ایشان لازم نیست. ماهیت حقوقی قراردادهای پیمانکاری خصوصی شبیه برخی اشکال جعاله است باین وجود تحلیل حقوقی این قراردادها همان‌گونه که بیان شد در چارچوب ماده ۱۰ قانون مدنی صحیح‌تر به نظر می‌رسد. در قراردادهای خصوصی که رعایت فرم‌های نمونه پیمان الزامی نیست هر دو طرف توانایی چانه‌زنی و تعیین شرایط و مفاد قرارداد را با توافق یکدیگر دارند. هرچند به علت شباهت فنی بین طرح‌های عمرانی دولتی و پروژه‌های خصوصی قراردادهای این دو حوزه عموماً شبیه یکدیگرند.

به‌طورکلی قراردادهای پیمانکاری به قراردادهایی گفته می‌شود که اولاً یک طرف آن الزاماً یکی از دستگاه‌های اجرایی و طرف دیگر یک شخصیت حقوقی خصوصاً یک شرکت پیمانکاری است. ثانیاً موضوع قرارداد انجام عملیات اجرایی یک طرح عمرانی از قبیل احداث راه، آزاد راه، راه آهن، ساختمان، پالایشگاه، بیمارستان، ایجاد پل‌ها و سدها، احداث تصفیه خانه‌های آب و فاضلاب، لوله‌کشی آب یا گاز و نظایر آن باشد.

در اجرای طرح‌های داخل کشور معمولاً قرارداد فی‌مابین دستگاه اجرایی (کارفرما) و شرکت پیمانکاری بر اساس دفترچه پیمان موافقت‌نامه و شرایط عمومی

در موارد زیادی بزرگ‌ترین عرضه‌کننده آنهاست.

در نظام حقوقی ایران عنوان خاصی برای قراردادهای دولتی در نظر گرفته نشده است. حقوقدانان ایرانی به تاسی از حقوق فرانسه، عموماً این نوع قراردادها را قراردادهای اداری خوانده‌اند، باین حال حسب مورد از عنوان‌های «قراردادهای دولتی» و «پیمان‌های عمومی» نیز استفاده شده است. در این مقاله به تبعیت از امور نظام فنی و اجرایی پیمانکاران و مشاوران سازمان برنامه بودجه کشور از نام «پیمان» و یا «قراردادهای پیمانکاری» استفاده شده است.

قراردادهای پیمانکاری دولتی و خصوصی

در قراردادهای دولتی که کارفرما، نماینده دولت یا یک دستگاه و یا نهاد دولتی است رعایت ضوابط مشخص، متون همانگ و فرم‌های نمونه برای تنظیم و اجرا پیمان ضروری است. از سوی دیگر در تشکیل و اجرای این قراردادها رعایت ضوابط و قوانین پیمان‌های دولتی یا اداری برای طرفین قرارداد الزامی است.

وجه تمایز اصلی پیمانکاری‌های دولتی و خصوصی این است که در پیمان‌های خصوصی هر دو طرف قرارداد دارای شخصیت حقوقی خصوصی هستند، فلذا رعایت ضوابط پیمان‌های دولتی



است به صورت مشخصات فنی نقشه‌ها دستور کار و صورت مجالس باشد. در موافقت‌نامه پیمان معمولاً این نکته ذکر می‌شود که در صورت وجود دوگانگی بین اسناد و مدارک پیمان موافقت‌نامه بر دیگر اسناد اولویت دارد. همچنین بیان می‌شود اگر دوگانگی مربوط به مشخصات فنی باشد اولویت به ترتیب با مشخصات فنی خصوصی، نقشه‌های اجرایی و مشخصات فنی عمومی است و اگر دوگانگی مربوط به بهای کار باشد، فهرست‌بها (مندرجات یا روش پرداخت) بر دیگر اسناد پیمان اولویت دارد.

شرایط پیمان

شرایط پیمان بعد از موافقت‌نامه مهم‌ترین اسناد پیمان محسوب می‌گردد و بیان‌کننده شرایط اجرای قرارداد به تفصیل است. چگونگی و روش انجام تعهدات و آثار و تبعات انجام یا عدم انجام هر بخش از تعهدات قراردادی به صورت شرایط عام و خاص در این بخش درج می‌شود. به طور کلی در قراردادهای پیمانکاری شرایط پیمان شامل دو بخش است: شرایط عمومی و شرایط خصوصی پیمان.

الف- شرایط عمومی پیمان

شرایط عمومی پیمان، سندی است که با جزییات و توضیحات کامل روابط بین طرفین پیمان، الزامات و مسئولیت هر یک از طرفین را در حالت عمومی مشخص می‌کند و معمولاً به صورت همسان بوده و در مورد تمام قراردادهای پیمانکاری

- ب- شرایط پیمان
- ب-۱- شرایط عمومی پیمان
- ب-۲- شرایط خصوصی پیمان
- ج- شرح مقادیر و فهرست‌بها (روش پرداخت)
- د- مشخصات فنی
- ه- آلبوم نقشه‌ها و مدارک فنی پروژه

موافقت‌نامه پیمان

اولین بخش قراردادهای پیمانکاری حوزه ساخت موافقت‌نامه پیمان است که مهم‌ترین جز پیمان محسوب می‌شود. موافقت‌نامه‌های پیمان معمولاً شامل نام و سمت امضاء کنندگان قرارداد، تاریخ انعقاد قرارداد، نام اسناد و مدارک پیمان، مبلغ پیمان، تاریخ تنفیذ، مدت و تاریخ شروع کار، دوره تضمین، نظارت بر اجرای کار و نشانی طرفین است. بنابراین موافقت‌نامه در واقع سندی است که مشخصات اصلی پیمان به شرح فوق در آن درج شده است. معمولاً در ابتدای موافقت‌نامه ذکر می‌گردد که این موافقت‌نامه به همراه شرایط عمومی، خصوصی و دیگر مدارک الحاقی آن، یک مجموعه غیرقابل تفکیک است و پیمان نامیده می‌شود. در این موافقت‌نامه علاوه بر موضوعات فوق این نکات نیز ذکر می‌گردد که اولاً اسناد تکمیلی که حین اجرای کار و به منظور اجرای پیمان به پیمانکار ابلاغ می‌شود یا بین طرفین پیمان مبادله می‌گردد نیز جز اسناد و مدارک پیمان به شمار می‌آید. این اسناد بدیهی است که باید در چارچوب مدارک پیمان باشند. این اسناد ممکن

است که یک سوی امضاء کننده پیمان است و عملیات موضوع پیمان را بر اساس اسناد و مدارک پیمان، به پیمانکار واگذار کرده است و پیمانکار: شخص حقیقی یا حقوقی است که سوی دیگر امضاء کننده پیمان است و اجرای موضوع پیمان را بر اساس اسناد و مدارک پیمان، به عهده گرفته است. یا به عبارتی کسی که ضمن عقد قرارداد یا پیمان یا صورت‌مجلس مناقصه، انجام هرگونه عمل و یا فروش کالایی را با شرایط مندرج در قرارداد یا پیمان یا صورت‌مجلس مناقصه در قبال مزد یا بها و به مدت معین تعهد نماید، پیمانکار نامیده می‌شود. نمایندگان و جانشین‌های قانونی پیمانکار، در حکم پیمانکار می‌باشند.

کارفرما و پیمانکار در اثر امضای پیمان در مقابل هم متعهد می‌شوند. به طور کلی پیمانکار متعهد است موضوع پیمان را اجرا کند و متقابلاً کارفرما نیز تعهد دارد در ازای اجرای پیمان، مبلغی به پیمانکار پرداخت نماید.

بخش‌ها و اجزا مختلف قراردادهای

پیمانکاری (اجزاء پیمان)

قراردادهای پیمانکاری ساخت یا به طور کلی قراردادهای اجرای پروژه‌های ساخت، قرارداد خاص بوده و دارای اجزای مختلفی است که مجموع این بخش‌های مختلف به عنوان اسناد پیمان محسوب شده و یک مجموعه غیرقابل تفکیک بوده و کلاً پیمان نامیده می‌شوند. این اجزا عبارتند از:

الف- موافقت‌نامه پیمان





باشد که در ادامه شرح مختصری از آنها ارائه می‌گردد. مرسوم‌ترین روش پرداخت در قراردادهای پیمانکاری به‌ویژه داخلی تهیه صورت کارکرد ماهانه است. صورت کارکرد موصوف بر اساس صورت‌برداری و تعیین دقیق میزان کار انجام‌شده در ماه بر مبنای شرح مقادیر قرارداد و مبلغ واحد هر بخش کار تهیه و مبنای پرداخت است. در قراردادها معمولاً اقلام مختلف کار به‌صورت جداولی که در آن شرح اقلام کار هر فعالیت به تفکیک به همراه قیمت واحد انجام آن کار درج شده که تهیه صورت‌وضعیت‌ها یا صورت کارکردها یا حتی در پرداخته‌ای مرحله‌ای یا موردی بر اساس آن انجام می‌شود.

مشخصات فنی

مشخصات فنی که شامل مشخصات فنی عمومی و خصوصی است، بخش مهمی از قرارداد است که بر مبنای آن علاوه بر کنترل کیفی کار انجام‌شده، چارچوب فنی و استانداردهای انجام کار نیز تعیین و ارائه می‌گردد و پیمانکار در طول انجام کار ملزم به رعایت دقیق آن است. در بخش مشخصات فنی عمومی استانداردها، کدها و آیین‌نامه‌های مرجع و مورد تایید برای انجام کار و مشخصاتی فنی که باید در تمام کارهای مربوط رعایت گردد، ارائه می‌شود و در بخش مشخصات فنی مشخصات که باید یک سازه بر مبنای آن ساخته شود و یا تجهیزاتی که باید در محلی خاص نصب گردد، ذکر شده است. بنابراین این

تبعی که با توجه به شرایط عمومی، متناسب با وضعیت و ماهیت هر يك از انواع قراردادهای پیمانکاری در محدوده تعیین شده، تغییر می‌کند. هر پیمانی طبیعت خاص خود را دارد. در عین اینکه از شرایط عمومی قراردادهای پیمانکاری تبعیت می‌کند، ویژگی‌های خود را دارد. نکته‌ای که باید در مورد شرایط خصوصی پیمان گفت این است که اساساً محدوده شرایط خصوصی و قالب و عبارات، دقیقاً در پیمان تعیین شده و این قالب از ناحیه هیچ‌یک از طرفین قابل تغییر نیست فقط جاهای خالی شرایط خصوصی باید متناسب با موضوع پیمان تکمیل گردد. با وجود اینکه در عرف پیمان‌ها، شرایط خصوصی حاوی ویژگی‌های هر پیمان است که نسبت به شرایط عمومی اولویت دارد، ولی در طرح‌های عمرانی که مربوط به يك کارفرمای اصلی یعنی دولت است، شرایط خصوصی به نحوی تنظیم شده است که تنها در چارچوبی که شرایط عمومی برای آن تعیین کرده است، قابل تکمیل باشد. بدین روی درج مطالبی خارج از محدوده تعیین شده در شرایط خصوصی مجاز نیست.

فهرست‌بها و شرح مقادیر انجام کار (روش پرداخت و شرح اقلام کار)

در قراردادهای پیمانکاری برای پرداخت ثمن یا مبلغ قرارداد سازوکاری پیش‌بینی می‌شود. این سازوکار می‌تواند پرداخت کارها یا کارکردها به‌صورت ماهانه یا مرحله‌ای یا سازوکار مرسوم و مورد توافق

صرف‌نظر از موضوع آن کاربرد داشته و یکسان است. شرایط عمومی غیرقابل تغییر است و به‌صورت کلی شرایط عمومی حاکم بر پیمان را تعیین می‌کند.

شایان ذکر است شرایط عمومی پیمان در واقع عبارت است از تعهدات تبعی غیرقابل تغییر و عام، حاکم بر قراردادهای پیمانکاری است. در حقیقت شرایط عمومی يك چارچوب کلی است که بسیاری از تکالیف، حقوق و مسؤولیت‌های کارفرما و پیمانکار در آن قید شده است. طرفین چگونگی عملکرد خود را در مورد اجرای يك پروژه در همان چارچوب تنظیم می‌کنند و هر نوع قرارداد پیمانکاری باید از آن شرایط پیروی کند. از آنجا که مفاد شرایط عمومی جنبه عام دارد، لذا فرض بر این است که پیمانکار، نظیر قانون حاکم بر پیمان از مفاد آن مطلع است.

در تهیه قراردادهای پیمانکاری معمولاً متن این شرایط عمومی پیمان چه در قراردادهای داخلی و چه خارجی دقیقاً همان متن منتشر شده توسط سازمان‌ها مرجع بدون تغییر است.

ب- شرایط خصوصی پیمان

شرایط خصوصی پیمان، شرایط خاصی است که به‌منظور تکمیل و توضیح شرایط عمومی برای هر پیمان ی با توجه به وضعیت و ماهیت آن تنظیم شده است. موارد درج شده در شرایط خصوصی هیچ‌گاه نمی‌تواند مواد شرایط عمومی را نقض کند.

شرایط خصوصی، عبارت است از تعهدات

مشخصات در واقع تعیین‌کننده چارچوب فنی انجام کار هستند.

آلبوم نقشه‌ها و مدارک فنی پروژه

اطلاعات فنی و نقشه‌های مربوط به اجرای قرارداد در قالب اسناد و مدارک فنی پیمان به دیگر اسناد الحاق و مبادله می‌شود و به‌طورکلی شامل سه بخش نقشه‌های اجرایی، اطلاعات فنی و برنامه زمان‌بندی اجرای کار است.

الف- نقشه‌های اجرایی

نقشه‌های اجرایی که معمولاً به صورت مجلد یا در قالب یک یا چند آلبوم نقشه به پیمان منضم شده، شامل نقشه‌هایی است که اطلاعات، موقعیت، ابعاد، مقاطع، اندازه‌های لازم و جزئیات کافی همراه با جداول لازم برای اجرای سازه‌ها یا ساخت یا نصب شیئی مدنظر را نشان می‌دهد و با آن اطلاعات می‌توان سازه یا شیئی را ساخت یا در محل مربوط نصب و آماده بهره‌برداری نمود. بدیهی است این نقشه‌ها بخش مهمی از اسناد پیمان است و در اصل و ماهیتاً، تشکیل قرارداد و ایجاد تعهد، برای به اجرا درآمدن محتویات این نقشه‌ها، ساخت سازه یا شیئی است که در نقشه‌ها، طرح مهندسی دقیق آن در محل مربوط، مشخص و ارائه شده است.

شایان ذکر است، در حین کار و در طول انجام تعهدات، نقشه‌های کارگاهی که نقشه جزئیات ساخت قسمت‌های مختلف از کار است و براساس نقشه‌های اجرایی، مشخصات فنی، دستورالعمل‌ها و استانداردهای مربوط، به‌وسیله پیمانکار تهیه و به تایید و تصویب ناظر و کارفرما رسیده، نیز تهیه می‌گردد.

همچنین پس از پایان کار نقشه‌ای به نام نقشه‌های چون ساخت نیز باید تهیه گردد که شامل نقشه‌های اجرایی اعم از تغییر یافته یا بدون تغییر است. این نقشه دقیقاً نشان می‌دهد چه چیزی در واقعیت ساخته شده یا چگونه نصب شده است. این نقشه‌ها نیز توسط پیمانکار تهیه و به تایید مشاور و تصویب کارفرما خواهد رسید و در واقع آخرین بخش از

انجام تعهدات اجرایی پیمانکار است.

ب- مدارک و اطلاعات فنی پروژه

مدارک و اطلاعات فنی پروژه، عموماً شامل گزارشات فنی پروژه بوده که اطلاعات فنی و به‌ویژه اطلاعاتی در خصوص طراحی پروژه ارائه می‌دهد. این بخش معمولاً به‌عنوان بخش انتهای پیمان به دیگر اسناد پیمان الصاق می‌شود.

ج- برنامه زمانی اجرای کار

در قراردادهای پیمانکاری یک قسمت بسیار مهم که مبنای بررسی انجام تعهدات است. برنامه زمانی کار است. این برنامه به دو صورت برنامه زمان‌بندی کلی و برنامه زمان‌بندی تفصیلی در بازه مدت پیمان تهیه می‌گردد. به این ترتیب در مبحث برنامه زمان‌بندی کلی، اجرا کارهای مورد پیمان برحسب ماه منعکس می‌گردد و به قرارداد الحاق می‌گردد. مدت زمان کلی این برنامه، همان مدت پیمان است. بر اساس این برنامه، یک برنامه که زمان‌بندی فعالیت‌های مختلف موضوع پیمان به تفصیل و در چارچوب برنامه زمان‌بندی کلی در آن درج شده و به نام برنامه زمان‌بندی تفصیلی نامیده می‌شود به‌وسیله پیمانکار، تهیه می‌گردد.

شایان ذکر است، برنامه کلی منضم به اسناد پیمان است و پس از مبادله پیمان اولین فعالیت پیمانکار در راستای انجام تعهدات قراردادی خود، تهیه برنامه زمان‌بندی تفصیلی است. علاوه بر اجزاء مختلف پیمان در قراردادهای پیمانکاری، یکی از مهم‌ترین اسناد مکمل قرارداد، تضامین پیمانکار است که در راستای اجرای قرارداد به کارفرما تسلیم می‌گردد و یا در ید کارفرما قرار می‌گیرد. این تضامین به دلیل اهمیت آن در ادامه به‌اجمال شرح داده می‌شوند. چگونگی عملکرد طرفین در خصوص این تضامین به‌ویژه در خصوص تحلیل آثار مالی-اقتصادی انحلال قرارداد بسیار مهم و قابل توجه است.

مروری اجمالی بر انواع قراردادهای حوزه ساخت و روش‌های تامین مالی این قراردادها

همان‌طور که در صفحات قبل نیز بیان شد قراردادهای پیمانکاری در اصول تقریباً از یک چارچوب و شکل خاص پیروی می‌کنند که در تنظیم تمامی آنها این اصول رعایت می‌گردد. بر اساس این اصول، یک قرارداد با اجزا و اسناد مختلف تشکیل می‌شود که تحت نام پیمان یا قراردادهای پیمانکاری ساخت‌وساز، مصداق یافته است. در ادامه به بررسی اجمالی انواع قراردادهای داخلی و بین‌المللی پیمانکاری ساخت‌وساز اقدام می‌گردد:

تیپ قراردادهای داخلی

در داخل کشور جهت اجرای پروژه‌ها عموماً سه مدل یا تیپ کلی قراردادهای پیمانکاری را می‌توان برشمرد که از سوی سازمان برنامه‌بودجه کشور تهیه شده و در تهیه قراردادهای این حوزه بیشتر از آنها استفاده می‌گردد:

- الف- قراردادهای سه‌عاملی، منطبق بر مندرجات نشریه شماره ۴۳۱۱.
- ب- قراردادهای طرح و ساخت در پروژه‌های صنعتی، منطبق بر مندرجات نشریه شماره ۵۴۹۰.
- ج- قراردادهای همسان طرح و ساخت، منطبق بر مندرجات بخشنامه شماره ۱۰۱/۸۵۴۲۸ به تاریخ ۱۵/۵/۸۴.

قراردادهای سه‌عاملی منطبق بر

مندرجات نشریه شماره ۴۳۱۱

موافقت‌نامه شرایط عمومی و خصوصی قراردادهای منطبق بر مندرجات نشریه مذکور، به‌عنوان پرمصرفترین و عمومی‌ترین شکل قراردادی در حوزه ساخت مطرح است. در این قرارداد کارفرما مسئول تامین مالی و به‌عنوان متعهدله قرارداد، مهندس مشاور که از سوی کارفرما به کار گمارده می‌شود، مسئول تهیه طرح و عموماً نظارت بر اجرا و پیمانکار مسئول تامین ماشین‌آلات، تجهیزات و مصالح موردنیاز و اجرای پروژه و به‌طورکلی متعهد به انجام قرارداد است. این نوع قراردادها مطابق نشریه مذکور و بر اساس بخشنامه شماره



۱۳۷۸/۳/۳ به تاریخ ۱۰۲/۱۰۸۸-۵۴/۸۴۲ جهت انجام کارهای پیمانکاری از نوع گروه اول (لازم‌الاجرا) برای دستگاه‌های اجرایی به خصوص دولتی می‌باشند.

این تیپ قرارداد به دلیل وجود سه رکن اصلی در اجرای آن، پیمانکار به عنوان متعهد، کارفرما به عنوان متعهدله و مشاور به عنوان ناظر، به قراردادهای سه‌عاملی نیز مشهور می‌باشد و در این مقاله هر جا قراردادهای سه‌عاملی اشاره شده است منظور این تیپ قرارداد است. شرایط عمومی این قراردادها تیپ بوده و قابل تغییر نمی‌باشد. این شرایط عمومی در ۵۴ ماده تنظیم شده است.

قراردادهای طرح و ساخت

در پروژه‌های صنعتی منطبق بر مندرجات نشریه شماره ۵۴۹۰

قرارداد طراحی، تدارک و ساخت یا به اختصار قرارداد EPC شامل انجام امور طراحی، مهندسی، تهیه مصالح و تجهیزات، مدیریت طرح، اخذ مجوزهای لازم، ساخت و نصب پروژه می‌باشد. این قرارداد، به صورت ترکیبی از قراردادهای مختلف یا قرارداد واحد است که در آن انجام امور فوق‌الذکر از تعهدات پیمانکار است (گبیز، ۲۰۰۸، ۶۵۲) (به نقل از نوروزی م و همکاران ۱۵۱:۹۷).

به علت وجود دو رکن کارفرما و پیمانکار به عنوان طرفین قراردادهای EPC آن را دو‌عاملی می‌گویند. بر خلاف قراردادهای سنتی پیمانکاری که به علت رکن مشاور به سه‌عاملی معروف است، انتخاب مشاور از ویژگی‌ها و خصایص EPC نیست، بلکه در قرارداد EPC کارفرما ممکن است با یا بدون کمک مشاور محدود کار، استانداردهای مورد نظر و طرح کلی را تحت عنوان خواسته‌های کارفرما همراه با دیگر اسناد و مدارک مناقصه تهیه و سپس با برگزاری مناقصه ادامه طراحی و ساخت را برعهده پیمانکار قرار دهد و از این پس پیمانکار کارهای مهندسی، تدارکات و ساخت را تا تکمیل و آمادگی بهره‌برداری پروژه را برعهده بگیرد. بروس ول، پروژه‌های EPC را

این چنین تعریف می‌کند: «پروژه‌هایی که در آنها یک شرکت سرمایه‌گذاری مشترک کلیه مسؤلیتهای طراحی، تدارکات و ساخت را در قالب یک قرارداد برعهده می‌گیرد» (بروس ول، ۱۹۹۹، ۲۳۹) (به نقل از نوروزی م و همکاران ۱۵۱:۱۳۹۷).

یکی از اساتید حقوق ساخت چنین تعریفی از EPC ارائه می‌دهد: «پروژه‌هایی که در آنها کارفرما کلیه خدمات لازم برای طراحی، تدارک، ساخت، نصب و راه‌اندازی را از طریق یک واحد مسؤلیت پذیر تأمین می‌نماید» (گبیز، ۲۰۰۸، ۵۶۱) (به نقل از نوروزی م و همکاران ۱۵۱:۱۳۹۷).

پروژه یا طراحی که بر اساس این قراردادها انجام می‌شود در بخشنامه ضوابط اجرایی طرح و ساخت صنعتی از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ایران (برنامه‌بودجه فعلی نشریه شماره ۵۴۹۰ (۱۳۸۱) در بخش تعریف‌ها صفحه ۱) این‌گونه تعریف شده است: «پروژه‌ای است که برای تبدیل انرژی و بهره‌برداری آن، تکنولوژی، ابزارآلات، ماشینها، اندازه‌گیری، کنترل، تکنولوژی استخراج تبدیل مواد خام و فرآیندهای تولید صنعتی در صنایع مختلف مانند صنایع نفت و گاز، پتروشیمی، مخابرات و الکترونیک، صنایع فلزی، صنایع کانی، صنایع سنگین، صنایع شیمیایی، صنایع نساجی، صنایع سلولزی، تولید نیرو، تولید وسایل حمل‌ونقل، کارخانه‌های تولید تجهیزات اندازه‌گیری، وسایل آزمایشگاهی، ماشینها و تأسیسات جانبی آنها اجرا می‌گردد» که گستره وسیعی از صنعت را در برمی‌گیرد.

موافقت‌نامه‌ها، پیوستها، شرایط عمومی پیمان‌ها EPC که در قالب ضوابط مذکور از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ابلاغ گردیده را می‌توان نمونه و تیپ برای قرارداد EPC در ایران دانست. البته EPC مطابق این ضابطه با EPC بین‌المللی متفاوت است. مثلاً در این ضابطه مشاور کارفرما پیش‌بینی گردیده که به عنوان شخص حقوقی وظیفه‌عامل فنی کارفرما را برای انجام خدمات فنی در زمینه کارهای موضوع پیمان‌ها برعهده‌دار است. درحالی‌که

در نوع بین‌المللی که قراردادی دو‌عاملی است، در یک طرف کارفرما تنها تأمین مالی را انجام و بقیه کارها از طراحی، تدارک تا ساخت توسط پیمانکار انجام می‌شود. پس در تعریف EPC در ایران مشاور به عنوان نماینده فنی کارفرما اضافه شده که به همین علت قراردادهای EPC داخلی را شبیه قراردادهای پیمانکاری سنتی یا سه‌عاملی می‌کند.

دیکشنری مهندسی عمران (پنگوئین، ۲۰۰۵) (به نقل از نوروزی م و همکاران ۱۵۱:۹۷) پروژه‌های کلید در دست یا EPC DB را این‌گونه تعریف می‌کند: «یک قرارداد است که در آن یک پیمانکار مسؤلیت فراهم نمودن تمامی خدمات، حتی تأمین مالی را برعهده می‌گیرد». البته این تعریف با آنچه در قانون ما مرسوم می‌باشد، متفاوت است. چنین پروژه EPC را که تأمین مالی هم در زمره تعهدات پیمانکار است EPCF می‌نامند. بازپرداخت سرمایه به کار گرفته شده توسط پیمانکار در این نوع پروژه‌ها پس از اتمام کار، با تملک و بهره‌برداری آن برای مدتی برابر با زمانی که کلیه هزینه‌های خود را از محل سود مستهلک کند، علاوه بر آن سود مورد نیاز را نیز دریافت کند، صورت می‌گیرد. درست مانند آنچه در BOT اتفاق می‌افتد.

شرایط عمومی این قراردادها که به قراردادهای EPC صنعتی معروف هستند، مشتمل بر ۷۷ ماده است به خاتمه پیمان به درخواست پیمانکار، اشاره دارد. این مدل قراردادهای بیشتر در حوزه کارهای صنعتی است و کاربرد زیادی در حوزه ساخت و فعالیت‌های ساخت‌وساز ابنیه‌های مختلف از جمله ساختمان، راه، سد و تونل ندارد.

به‌طورکلی در این قرارداد همانطوری که بیان شد، کارفرما مسئول تأمین مالی به عنوان متعهدله بوده و پیمانکار مسئول طراحی خدمات مهندسی، تدارکات و اجرا پروژه به عنوان متعهد قرارداد است. کارفرما برای پروژه مشاور را نیز به کار می‌گیرد که به عنوان مشاور کارفرما در پروژه به ارائه خدمات به‌ویژه در بخشهای مختلف

طراحی و اجرا اقدام می‌کند. قرارداد مشاور و کارفرما در قرارداد جداگانه فی‌مابین آنها تنظیم و مبادله می‌شود. این مدل قراردادهای مشابه مندرجات کتاب زرد فیدیک می‌باشد.

قراردادهای همسان طرح و ساخت

در این مدل قراردادهای که به قراردادهای EPC حوزه ساخت یا همسان طرح و ساخت معروف هستند. کارفرما اجرای کلیه فعالیت‌های پروژه اعم از طراحی، خرید تجهیزات (تدارکات)، عملیات ساخت و حتی نصب و راه‌اندازی پروژه را به عهده پیمانکار قرار می‌دهد. در واقع این نوع قراردادهای دوعاملی هستند.

در این روش با ایجاد هماهنگی بین مراحل طراحی و ساخت امکان شروع کارهای اجرایی قبل از اتمام طراحی فراهم می‌گردد و در نتیجه منجر به یکپارچگی بین طراحی و اجرا شده و عملاً باعث کاهش زمان اجرا پروژه می‌شود. در این روش کارفرما قبلاً با استفاده از خدمات یک مهندس مشاور طراحی اولیه را انجام داده و طراحی‌های تکمیلی و اجرا پروژه را به یک پیمانکار صاحب صلاحیت واگذار می‌کند. در این روش کارفرما از طریق مشاور خود نظارت بر کارها را نیز انجام می‌دهد.

موافقت‌نامه، شرایط عمومی و شرایط خصوصی این پیمان، در قالب بخشنامه شماره ۱۰۱/۸۵۴۲۸ به تاریخ ۸۴/۵/۱۵ از سوی سازمان برنامه‌بودجه کشور از نوع گروه سوم (به‌عنوان راهنما) که استفاده از آن در این تیپ قراردادها الزام‌آور نیست، ابلاغ شده است.

شرایط عمومی پیمان منضم به این بخشنامه دارای ۲۰ فصل است که شرایط پیمان مذکور، هم ارز یا معادل شرایط عمومی قراردادهای طراحی، تدارکات و ساخت فیدیک جلد نقره‌ای می‌تواند قلمداد گردد.

قرارداد بین‌المللی یا تیپ فیدیک

در سال ۱۹۱۳ فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور که به‌اختصار فیدیک نامیده می‌شود، توسط پنج انجمن

مهندس مشاور از سه کشور بلژیک، فرانسه و سوئیس تاسیس شد. این فدراسیون یک نهاد بین‌المللی است که فعالیت‌های مهندسی در سطح بین‌المللی تحت نظارت آن انجام می‌شود. اما برای ورود بهتر به بحث لازم است با چند واژه مهندس مشاور، انجمن و فدراسیون کمی آشنا تر شویم.

مهندس مشاور گروه حقیقی یا حقوقی از دانش‌آموختگان یا با تجربه‌ها یا به تعبیر بهتر فعالین کار در حوزه مهندسی هستند که در بخش طراحی، تدوین مدارک فنی موردنیاز تهیه طرح‌ها و پروژه‌های مهندسی و نظارت بر روند اجرای طرح‌ها مشغول ارائه خدمات فنی و مهندسی می‌باشند. بنابراین کسب‌وکار یک مهندس مشاور در این حوزه را می‌توان در ارائه خدمات فنی و مهندسی در قالب مطالعات مهندسی، انجام طراحی‌ها، نظارت بر اجرا و بازرسی در طول اجرا، ارائه مشاوره فنی و انجام کنترلهای کمی و کیفی در طول کار، تعبیر نمود.

اما مجموعه‌ای از شرکت‌های حقوقی طبق قانون کار یا اتاق بازرگانی ایران یا دیگر مراجع مربوطه و تصریح شده در قوانین بالادستی اقدام به ایجاد یک شکل حرفه‌ای می‌کنند که این شکل حرفه‌ای انجمن نامیده می‌شود. مجموع چند انجمن فدراسیون و مجموع چند فدراسیون، کنفدراسیون نامیده می‌شود. فیدیک همان‌طور که بیان شد در ابتدا از مجمع پنج انجمن تشکیل شده بود که چون به‌صورت بین چند کشور بود به‌عنوان فدراسیون بین‌المللی به فعالیت می‌پردازد. در فیدیک در حال حاضر بیش از حدود یک میلیون کارشناس حرفه‌ای در زمینه‌های مختلف از جمله قراردادهای حقوق، حل و فصل دعاوی، بیمه، معاملات بانکی در کشورهای عضو مشغول هستند و خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌دهند. مهم‌ترین فعالیت فیدیک تهیه قراردادهای مدل و نمونه و انتشار، کنترل و اصلاح آن است.

فیدیک از سال ۱۹۵۷ مدل تیپ یا یکسان قراردادهای را که توسط کارفرمایان و مشاوران

بین‌المللی یا در اجرای قراردادهای بین‌المللی استفاده می‌شود را به زبان انگلیسی به‌عنوان زبان معتبر مکاتبات و مبادلات حقوقی و قراردادی تهیه و منتشر می‌کند.

این قراردادهای هم اکنون توسط کارفرمایان دولتی یا بخش خصوصی در سراسر دنیا برای کارهای بین‌المللی یا حتی کارهای داخلی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در حال حاضر ۹۴ انجمن ملی از کشورهای مختلف عضو فیدیک هستند و جامعه مهندسان مشاور ایران نیز که در سال ۱۳۵۲ به عضویت فیدیک درآمده عضو این فدراسیون جهانی است. فیدیک در تشکیلات خود، ۱۲ کمیته دارد که کمیته‌های اجرایی، قراردادهای، ریسک، مسئولیت و ارزیابی داوران از جمله مهم‌ترین این کمیته‌ها هستند.

به‌صورت کلی قراردادهای تیپ فیدیک از سه بخش زیر تشکیل شده‌اند:

- موافقت‌نامه قرارداد :

این بخش، بخش ابتدایی قرارداد است و توسط دستگاه اجرایی یا مهندسان مشاور در پروژه تکمیل می‌شود و شامل اطلاعات کلی از کارفرما و پیمانکار و نمایندگان آنها برای امضاء قرارداد، موضوع قرارداد، مبلغ قرارداد، مدت زمان انجام کار و اطلاعاتی در این خصوص است.

- شرایط عمومی قرارداد : این بخش که معمولاً مفصل‌ترین بخش قرارداد است شامل کلیه شرایطی است که به‌صورت عام برای اجرای پروژه در نظر گرفته می‌شود و تمام موارد مربوط به آغاز پروژه و اقدامات در طول کار و اتمام کار و شروع بهره‌برداری از کار را شامل می‌شود.

- شرایط خصوصی قرارداد :

این بخش بر اساس اطلاعات خاص پروژه و با توجه به مفاد شرایط عمومی قرارداد و معمولاً در تکمیل و توضیح بیشتر آن تهیه می‌گردد.

اصولاً در قراردادهای تیپ فیدیک و یا حتی قراردادهای داخلی معمولاً در شرایط عمومی تغییری داده نمی‌شود و عیناً آورده می‌شود اما موافقت‌نامه و شرایط خصوصی با توجه به اطلاعات طرح، محل



این قراردادها مسئولیت طراحی و نظارت بر حسن اجرای قرارداد با مهندس مشاور کارفرما یا به طور کلی با کارفرما و نمایندگان کارفرما است.

اختصاص ریسک‌ها بیشتر به سمت کارفرما است. پیمانکار مسئول تامین تجهیزات به همراه اجرای پروژه است. پرداخت‌ها در این مدل قرارداد بیشتر به صورت فهرست بهایی و ماهانه در قالب تایید صورت کارکردهای ماهیانه انجام می‌شود. اصولاً این تیپ قرارداد برای کارهایی که طراحی کامل انجام شده است، استفاده می‌شود. شایان ذکر است که کتاب قرمز فیدیک نخستین بار در سال ۱۹۵۷ میلادی، ویرایش و منتشر شد. این کتاب بر اساس استاندارد داخلی ساخت‌وساز در کشور انگلستان تهیه شده و در نتیجه کلیه نکات حقوقی لحاظ شده بر مبنای حقوق عرفی بوده است.

این تیپ قراردادها تقریباً مشابه قراردادهای داخلی که بر اساس مندرجات بخشنامه ۴۳۱۱ تنظیم می‌گردد می‌باشند و می‌توان آنها را قراردادهای سه‌عاملی متشکل از ارکان کارفرما، مهندس مشاور و پیمانکار نامید.

مدل قرارداد طرح و ساخت (کتاب زرد)

این تیپ قراردادها بیشتر برای طراحی و اجرا پروژه‌های مهندسی به‌ویژه در حوزه پروژه‌های تاسیساتی شامل پروژه‌های برقی و مکانیکی مورد استفاده بیشتری دارد. پیمانکار مسئول انجام طراحی‌ها و تامین تجهیزات و اجرا پروژه است. قیمت‌ها به صورت مقطوع با یا بدون تعدیل (عموماً با تعدیل) به صورت ماهیانه یا مرحله‌ای انجام می‌شود. نظارت بر حسن اجرای کار با مهندس مشاور است.

مدل قرارداد پروژه طراحی، تدارکات و ساخت یا کلید در دست (کتاب نقره‌ای) این نوع قرارداد به قرارداد کلید در دست یا کلید گردان معروف می‌باشد و عموماً در اجرا پروژه‌های بزرگ از جمله پروژه‌های نفتی و نیروگاه‌ها و ابر پروژه‌ها کاربرد بیشتری دارد. پیمانکار مسئول طراحی، تدارک مصالح، تجهیزات، ماشین آلات پروژه و اجرا کامل پروژه است. پرداخت از



الف- مدل قرارداد ساخت (کتاب قرمز) .
ب- مدل قرارداد طرح و ساخت (کتاب زرد) .
ج- مدل قرارداد پروژه طراحی، تدارکات و ساخت یا کلید در دست (کتاب نقره‌ای) .
د- مدل قرارداد فرم کوتاه (کتاب سبز) .
ه- مدل قرارداد طراحی، ساخت و بهره‌برداری (کتاب طلایی) .
در شکل زیر انواع قراردادهای تیپ فیدیک به صورت تصویری ارائه شده است:

مدل قرارداد ساخت (کتاب قرمز)

این کتاب که به دلیل رنگ قرمز جلد آن به کتاب قرمز فیدیک معروف شده در تهیه قراردادهای ساخت پروژه‌های انبیه شامل کارهای ساخت‌وساز عمرانی مانند احداث راه‌ها، بناهای آبی، پروژه‌های آبیاری زهکشی، سد و تونل و کلیه سازه‌های مهندسی، استفاده می‌شود. در

اجرا و شرایط خاص پروژه تنظیم و مبادله می‌شود.

بنابراین قرارداد تیپ فیدیک در اصل شرایط عمومی یکسان این قراردادها را شامل می‌شود. در این تیپ قراردادها ویژگی مهم، تعادل در وظایف و تعهدات طرفین و تعادل در توزیع ریسک اجرای پروژه، شناخته شده بودن در مراکز مهم داوری و حل اختلاف و همچنین محاکم بین‌المللی مورد استفاده توسط کارفرمایان معتبر بین‌المللی به‌ویژه بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی و نهادهای مالی تامین کننده وجه مورد نیاز برای اجرا پروژه‌ها و به‌ویژه موثر و شفاف بودن متون این قراردادها به دلیل کاربرد واژگان فنی و حقوقی شناخته شده و مورد پذیرش در تهیه متون آنها است. اما مهم‌ترین قراردادهای فیدیک در حوزه ساخت عبارتند از:





طریق روش قیمت مقطوع عموماً بدون تعدیل به صورت مرحله‌ای انجام می‌شود. ریسک کارفرما در این مدل کاهش یافته تر است. در یک جمع‌بندی کلی در این نوع قرارداد همه مسئولیت‌ها از طراحی یا تدارک و اجرا با پیمانکار است (از A تا Z پروژه با پیمانکار است) لازم به ذکر است در هر دو قرارداد مذکور می‌توان از دیگر روش‌های پرداخت، از جمله فهرست بهایی نیز استفاده نمود و پرداخت به صورت تایید کارکردهای ماهانه انجام گردد.

مدل قرارداد فرم کوتاه (کتاب سبز)

این مدل قرارداد مربوط به کارها با سرمایه کم یا کارهای اجرایی مهندسی تکراری و ساده است مثلاً ساختن یک واحد مسکونی. در این نوع قرارداد کارفرما یا پیمانکار مسئولیت طراحی را دارند. قیمت‌ها مقطوع با تعدیل است نظارت هم توسط نماینده کارفرما انجام می‌شود. بسته به اینکه کدام یک (پیمانکار یا کارفرما) طراحی را انجام دهند ریسک پروژه بیشتر سمت اوست. به طور کلی این تیپ قرارداد بیشتر برای پروژه‌های کوچک پیمانکاری مصرف می‌شود.

مدل قرارداد طراحی، ساخت و بهره‌برداری (کتاب طلایی)

این تیپ قرارداد همان طور که از نامش پیدا است شامل طراحی، اجرا و بهره‌برداری می‌شود. در بحث بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری بلند مدت از پروژه نیز مطرح بوده و مسئولیت آن به عهده یک پیمانکار یا گروه مشارکتی از پیمانکاران متخصص و صاحب صلاحیت است.

در این نوع قرارداد معمولاً بین فعالیت‌های طراحی و اجرا هم‌پوشانی و پیش‌بینی لازم برای به حداقل رساندن زمان کار انجام می‌شود. این مدل قرارداد مسئولیت پیمانکار را در یک بازه طولانی از طراحی تا بهره‌برداری و نگهداری از پروژه را شامل می‌گردد و ریسک بسیار بالاتری متوجه پیمانکار می‌شود.

در این رساله چون محدوده بررسی

قراردادهای حوزه ساخت است لذا در ارتباط با موضوع سه مدل شرایط عمومی قراردادهای تیپ کتاب قرمز، زرد و نقره‌ای مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند.

قرارداد ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT)

قرارداد «ساخت، بهره‌برداری و انتقال» با وجود سازوکار نسبتاً پیچیده مبنای ساده ای دارد. یک شرکت خصوصی با دولت یا موسسه عمومی توافق می‌کند که در یک پروژه زیربنایی سرمایه‌گذاری نماید. روش کار بدین ترتیب است که شرکت مزبور (که آن را شرکت پروژه می‌نامیم و سرمایه‌گذاران، سهامدار آن هستند) با هزینه و منابع مالی خود، تاسیسات موضوع پروژه را احداث و در یک دوره معین، مثلاً بیست ساله که دوره امتیاز نامیده می‌شود مالک عین یا منافع آن بوده، بهره‌برداری و نگهداری از آن را برعهده دارد. در طول این مدت، سرمایه و سود شرکت پروژه از محل فروش محصول یا اخذ عوارض مستهلک می‌گردد. در پایان دوره نیز غالباً مالکیت تاسیسات با کلیه لوازم آن به دولت یا موسسه طرف قرارداد انتقال می‌یابد.

این قرارداد خود مشتمل بر چندین توافق است: توافق نامه تاسیس شرکت پروژه بین سهامداران، قرارداد اعطای تسهیلات بین وام‌دهندگان و شرکت پروژه (وام‌گیرنده)، قرارداد اعطای پروژه یا قرارداد امتیاز، قرارداد خرید محصول و خدمات که

استهلاک سود و هزینه‌های شرکت از محل آن خواهد بود و قرارداد ساخت بین شرکت پروژه و پیمانکار ساخت. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اولاً هیچ‌کدام از اجزا این توافقات، همچنین مجموعه آنها، مخالفتی با نص صریح قوانین ندارند. بنابراین مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی است. ثانیاً این قرارداد در قوانین کشور ما در شمار قراردادهای نامعین است. بنابراین یک قرارداد و توافق جدید است و قاضی نمی‌تواند در مقام داوری، آن را به اجزا تشکیل‌دهنده اش تفکیک و سپس در چارچوب احکام خاص عقود معین حکم صادر کند. بلکه باید به اراده و قصد طرفین و مفاد قرارداد فی مابین آنها توجه کند (ذاکر صالحی غ، ۱۳۹۵: ۳۹ و ۴۰).

تحلیل و دسته‌بندی قراردادهای عمرانی از حیث نحوه پرداخت

قراردادهای عمرانی را از حیث نحوه پرداخت هزینه‌ها به انواع مختلف به شرح زیر می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

- ۱- روش پرداخت مقطوع.
- ۲- روش فهرست بها.
- ۳- روش پرداخت هزینه بعلاوه درصد یا امانی.
- ۴- روش پرداخت هزینه به‌علاوه درصد ثابت یا امانی با درصد ثابت.
- ۵- روش پرداخت هزینه به‌علاوه حق الزحمه ثابت یا امانی با حق الزحمه ثابت.





عموماً در قراردادهای حوزه ساخت روش فهرست بهایی مرسوم‌ترین و عمومی‌ترین روش پرداخت است. اگرچه انواع دیگر روشهای پرداخت نیز حسب مورد استفاده می‌گردد، اما در پروژه‌های بزرگ عمرانی روش غالب، روش فهرست بهایی است.

نتیجه :

در اجرای طرح‌های داخل کشور معمولاً قرارداد فی مابین دستگاه اجرایی (کارفرما) و شرکت پیمانکاری بر اساس دفترچه پیمان موافقت‌نامه و شرایط عمومی پیمان هماهنگ و متحدالشکلی تنظیم می‌شود.

حتی شرایط خصوصی نیز به صورت کلی از یک فرم خاص پیروی می‌کند و بنابراین به پیمان حالت متحدالشکل در کل می‌دهد. اصول کلی و شرایط عمومی قراردادهای مربوط به طرح‌های عمرانی توسط سازمان برنامه و بودجه در قالب دفترچه «شرایط عمومی پیمان» که شبیه قراردادهای الحاقی است تهیه شده و به دستگاه‌های اجرائی ابلاغ گردیده است و دستگاه‌های اجرائی در تنظیم قراردادهای موظف به رعایت مفاد آن می‌باشند لذا شناخت دقیق انواع مختلف شرایط عمومی پیمان در قراردادهای پیمانکاری بسیار مهم و ضروری است.

به این منظور اجرا مختلف قراردادهای پیمانکاری حوزه ساخت به همراه سه نوع از پرکاربردترین انواع شرایط عمومی پیمان داخل کشور که توسط سازمان برنامه و بودجه کشور و ۵ نوع از انواع عمومی پیمان تیپ فیدیک و همچنین قراردادهای B.O.T، مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین به انواع قراردادهای دولتی و خصوصی و وجه تمایز آنها نیز اشاره گردید.

شناخت دقیق اجزاء و انواع مختلف قراردادهای پیمانکاری حوزه ساخت به منظور استفاده درست و دقیق تر از آنها می‌تواند به اجراء موفق تر یک پروژه عمرانی از نظر فنی و اقتصادی منجر گردد. لذا بررسی اجمالی انواع شرایط عمومی این پیمانها در این مقاله مدنظر قرار گرفته و به آن اهتمام شده است. (منابع و مأخذ و پی‌نوشت) | در تحریریه انتشارات موجود می‌باشد

وضعیت‌ها نیز بر اساس فعالیت‌های اجرا شده و مطابق فهرست بها محاسبه و پرداخت خواهد شد.

روش پرداخت هزینه بعلاوه درصد یا امانی

در این روش کارفرما هزینه‌های انجام کار را بعلاوه درصدی که در زمان قرارداد توافق می‌شود به عنوان سود و هزینه بالاسری به پیمانکار پرداخت می‌نماید.

این روش زمانی مناسب است که طراحی به صورت کامل انجام نشده، مشخصات فنی دقیقاً مشخص نیست و یا احجام کار قابل اندازه‌گیری و محاسبه نمی‌باشد و در حقیقت نقاط مبهمی در پروژه موجود است.

روش پرداخت هزینه به علاوه درصد ثابت

در حقیقت همان روش امانی است با این تفاوت که برای درصد پرداختی به پیمانکار حداکثر تعریف شده و بیش از آن قابل پرداخت نمی‌باشد لذا انگیزه افزایش هزینه‌ها به منظور بالا رفتن دستمزد کاهش می‌یابد.

روش پرداخت هزینه

به علاوه حق الزحمه ثابت

در این روش که برگرفته و تلفیق دو روش امانی و مقطوع می‌باشد. کارفرما کلیه هزینه‌های اجرا بعلاوه حق الزحمه‌ای ثابت و مشخص که در ابتدا به توافق طرفین رسیده است را پرداخت می‌نماید. در این شیوه آزادی عمل پیمانکار نسبت به روش مقطوع بیشتر می‌باشد زیرا انگیزه‌ای برای افزایش هزینه‌ها وجود ندارد.

روش پرداخت مقطوع

در این روش پیمانکار تعهد می‌نماید که موضوع قرارداد را به صورت کامل و در قبال مبلغی مشخص به اتمام برساند. از مزیت‌های این روش سهولت رسیدگی به صورت وضعیت‌ها، پرداخت آنها و کاهش دعاوی در حین اجرای پروژه می‌باشد. کارفرما جهت پرداخت وضعیت‌های پیمانکار از نمودارهای پیشرفت زمانی و فیزیکی، در این روش استفاده می‌کند.

روش پرداخت بر اساس فهرست بها

در این روش مبلغ قرارداد، جمع مبالغ تعیین شده جهت هر یک از فعالیت‌ها می‌باشد که به طور مجزا و بر اساس فهرست بها پایه با فهرست منضم به پیمان محاسبه شده است. در این روش مبلغ پرداخت شده بابت کارکرد از طرف کارفرما دقیقاً معادل حجم کار انجام شده می‌باشد. فهرست بها پایه در ایران از طرف نظام فنی و اجرایی سازمان برنامه و بودجه کشور تهیه و در آن هزینه انجام کلیه فعالیت‌ها به تفکیک درج می‌گردد.

در قراردادهایی که روش پرداخت فهرست بهایی است، می‌بایست ابتدا نقشه‌ها و مشخصات فنی به صورت کامل توسط مشاور تهیه گردیده تا پیمانکار بر اساس آنها حجم دقیق مصالح و فعالیت‌ها را برآورد نماید و سپس بر اساس فصل‌های مختلف فهرست بها قیمت هر فعالیت و در انتها هزینه کل اجرا مشخص شود. صورت

مطالعات پژوهشی برای تدوین دستورالعمل‌های

بازرسی، تعمیر و نگهداری پل‌ها



معاون آموزش و توسعه فناوری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی از انجام مطالعات پژوهشی برای تدوین دستورالعمل‌های بازرسی، تعمیر و نگهداری پل‌ها توسط آن مرکز خبر داد.

به گزارش وزارت راه و شهرسازی، مهران غلامی عضو هیأت علمی و معاون آموزش و توسعه فناوری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی بخشی از پروژه‌های مهم پژوهشی آن مرکز را در بخش مهندسی راه و روسازی و بخش لجستیک و مدیریت بحران تشریح کرد. عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با اشاره به اینکه بخشی از برنامه‌های مرکز در حوزه حمل و نقل، مطالعه در خصوص نحوه نگهداری از راه‌های اصلی، فرعی، روستایی و راه‌آهن است، گفت: هم‌اینک بیش از ۳۶۵ هزار دهانه پل در شبکه جاده‌ای و بیش از ۲۶ هزار پل در بخش ریلی وجود دارد که ارزش این پل‌ها بالغ بر چندین صد هزار میلیارد ریال است. حفظ و مدیریت این سرمایه عظیم به عهده وزارت راه و شهرسازی است.

معاون آموزشی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با یادآوری اینکه با توجه به

قدمت پل‌ها، اضمحلال مصالح، شرایط محیطی، خستگی ناشی از افزایش حجم و کیفیت ترافیک عبوری و افزایش انتظارات بهره‌بردار، بحث بازرسی، نگهداری و تعمیرات پل‌ها، بیش از پیش دارای اهمیت شده است توضیح داد: شناخت وضعیت موجود پل‌ها، ضوابط و مسائل مرتبط با تعمیر و نگهداری آنها، در اولویت‌بندی تخصیص منابع و تصمیم‌گیری در مورد میزان تعمیر و بهسازی آنهاست.

غلامی تهیه دستورالعمل‌های همسان برای عملیات بازرسی، نگهداری و تعمیر پل‌ها و آموزش این ضوابط را از برنامه‌های مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی عنوان کرد. وی با اشاره به اینکه در برنامه ششم توسعه کشور که در راستای اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله تنظیم شده است، بر اقتصاد مقاومتی و بکارگیری زیرساخت‌های موجود تاکید شده است گفت: جهت تحقق اهداف این برنامه، در بخش‌های زیربنایی حمل و نقل باید تمرکز بر تعمیر و بهسازی، با تکیه بر امکانات و توان فنی موجود باشد. این موضوع در تهیه این دستورالعمل‌ها

مد نظر قرار گرفت.

عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی در بیان اهداف پروژه گفت: یکسان‌سازی دستورالعمل‌های بازرسی، نگهداری و تعمیر پل‌ها در کشور، بهبود عملکرد سازه‌ای پل، شناسایی آسیب‌ها و جلوگیری از گسترش آنها، افزایش عمر مفید پل، صرفه‌جویی اقتصادی با تشخیص به موقع آسیب و انجام عملیات نگهداری و تعمیر به موقع، اطمینان از ایمنی و راحتی بهره‌برداران و دستیابی به بهره‌برداری مستمر با توجه به محدودیت‌های مالی موجود اهداف پروژه تدوین دستورالعمل‌های بازرسی، تعمیر و نگهداری پل‌هاست. به گفته وی، مراحل انجام مطالعات شامل نقد و بررسی منابع و مطالعات انجام شده در خارج از کشور، نقد و بررسی اسناد بالادستی، منابع و مطالعات انجام شده در داخل کشور، بررسی شرایط و امکانات موجود در کشور، تعیین سرفصل دستورالعمل‌ها، و تهیه متن دستورالعمل مطابق با شرایط و توان فنی داخل کشور به همراه نقشه‌های اجرایی، پیوست‌های مورد نیاز است.

۹ اردیبهشت - خبرگزاری مهر



«تبعیض دهه ۸۰» در انتظار پیمانکاران؟



ایجاد امتیازات ویژه برای پیمانکاران نظامی، بحثی است که بار دیگر در روزهای گذشته مطرح شده است. بحث بر سر طرحی است که دولت در دست بررسی دارد، تا به واسطه آن پیمانکاران نظامی، به جای تضمین‌های متعارف تنها یک نامه به دستگاه‌های دولتی بدهند و با اتکا به همان نامه بتوانند قرارداد پیمانکاری منعقد کنند. این روش سبب می‌شود که پیمانکاران نظامی در مقایسه با دیگر پیمانکاران در شرایط آسان‌تر و ارزان‌تری بتوانند کار کنند. درباره این تصمیم و پیامدهای آن با شهرام حلاج، پژوهشگر طرح‌های عمرانی و نظام فنی و اجرایی گفت و گو کرده ایم.



• تضمین یا به طور خاص تضمین معاملات دولتی چیست و چه مبنایی دارد؟

طبق «قانون آیین نامه معاملات دولتی» (مصوب ۱۳۴۹)، هر شخص یا سازمان که با بخش دولتی قرارداد می‌بندد، باید تضمین‌هایی را بابت «پایبندی به ادعاهای و تعهدات خود و نیز اجرای درست کارهای خود» به دولت بسپارد. دولت، به عنوان نماینده و پاسدار حقوق مردم، پس از انجام یافتن کامل و بهنگام ادعاهای و تعهدات شخص یا شرکت طرف قرارداد دولت، این تضمین‌ها را به آن شخص یا شرکت بازمی‌گرداند. تضمین انجام تعهدات و حسن اجرای کارها از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی سازمان‌های دولتی نیز وقتی در معامله با یک سازمان دولتی دیگر، انجام تعهد یا کاری را می‌پذیرند.

الزاما تضمین‌های معاملاتی را به یکدیگر ارائه می‌کنند این اقدام عقلانی در عمل موجب تحکیم، توثیق و تنظیم بهتر روابط میان سازمان‌های دولتی نیز می‌شود. به علت همین کارکردهای عقلانی بوده است که ده‌ها

سال است «تضمین معاملات دولتی» یک شاخه جدی و محکم در نظم حقوقی کشور بوده و قوانین و مقررات آن به تصویب مراجع قانونی رسیده و با بهسازی بی‌دری، بهبود نیز یافته است.

آیا این تضمین‌ها هزینه‌زا هستند؟

به دلایل عقلانی و به حکم احکام قانونی موجود؛ اشخاص، شرکت‌ها یا سازمان‌های طرف قرارداد دولت (یعنی طرف قرارداد با دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی)، بار مالی ناشی از این تضمین‌ها را به هزینه‌های ارائه محصول خود اضافه کرده و پس از این محاسبات، قیمت خود را به خریداران دولتی اعلام می‌کنند. خریداران دولتی یا به طور اجمالی و کلی دولت نیز آگاهانه و به همان دلایل عقلی پیش گفته، این بار مالی را می‌پذیرد. چون در ازای پرداخت آن بار مالی، خطر (ریسک) عدم تحقق تعهدات مورد انتظار دولت، کاهش می‌یابد. نهادهایی مانند بانک‌ها نیز که ضمانت نامه‌های مربوطه را صادر می‌کنند به عنوان «نهادهای تخصصی پذیرش و مدیریت ریسک»

سازوکارهای مربوطه را دارند و در اقتصاد ایران و جهان با قواعد مشخصی این خدمات را انجام می‌دهند. می‌توان گفت، دولت هزینه‌ای می‌پردازد تا طرف‌های قرارداد با دولت، انجام تعهداتشان را تحکیم و توثیق کنند و احتمال عدم تحقق حقوق قراردادی دولت (به عنوان نماینده ملت) کاهش یابد. برای فهم بهتر و با استفاده از تشبیه یا تمثیل می‌توان گفت، «تضمین معاملات دولتی» شبیه آن است که دولت هزینه‌ای بپردازد برای «بیمه تعهدات طرف‌های قراردادی خود».

محاسبات این هزینه‌ها، بخشی از حسابداری ملی یا محاسبات بخش عمومی کشور است. طبق مطالعات و گزارش‌ها، در طرح‌های عمرانی کشور، حدود یک و نیم درصد هزینه‌های غیرمستقیم یا بالاسری پیمانکاران طرح‌های عمرانی کشور، هزینه «تضمین تعهدات قراردادی» در طول دوره قرارداد است. بنابراین هر پیمانکاری، حدود یک و نیم درصد از قیمت اولیه یا پیشنهادی که به دولت اعلام کرده است، همین هزینه انواع تضمین ادعا و تعهدات خودش در طول



قرارداد است. هر پیمانکاری، این هزینه‌ها را در محاسباتش لحاظ می‌کند و بعد قیمتش را به دولت اعلام می‌کند.

• حذف این هزینه‌ها برای برخی از پیمانکاران خاص، چه اثری بر فضای رقابتی معاملات دولتی دارد؟

اگر این هزینه‌ها برای یک پیمانکار یا مناقصه‌گر صفر بشود، در واقع آن پیمانکار از آغاز به رغم درخواست قیمت تمام شده و سود برابر با دیگر پیمانکاران، می‌تواند قیمتی پایین‌تر از رقبای خود را در مناقصه پیشنهاد بدهد. حتی شاید سود بیشتری نسبت به دیگر رقبای خود را لحاظ کند و مجموع پولی که برای خودش می‌ماند بیشتر از دیگر رقبایش باشد اما ظاهر قیمت درخواستی وی در مناقصه، کمتر از دیگر رقبای خود نظر برسد. چون در واقع تعهدات خودش را نزد یک نهاد تخصصی (مانند بانک) تضمین یا بیمه نکرده است و بابت تضمین تعهداتش چیزی هزینه نکرده است.

هر پیمانکاری که بتواند تضامین واقعی (مثل ضمانت نامه بانکی، اوراق خزانه یا مرهونه ملکی) به دولت ندهد، با دریافت پولی برابر و حتی دریافت مقداری بیشتر از رقبایش، در ظاهر قیمتش کمتر از رقبای خود به نظر می‌رسد و برنده مناقصه می‌شود و فرصت کاری را تصاحب می‌کند. طبق محاسبات طرح‌های عمرانی، از کل قیمت اعلامی هر پیمانکار، ۸ درصد سود فرض می‌شود و یک و نیم درصد هم هزینه‌های تضمین. کسی که

تضمین ندهد، در شرایط کاملاً مساوی، در عمل به جای ۸ درصد سود فرضی، در واقع ۹/۵ درصد سود می‌برد. سودش از ۸ درصد کل پروژه، به ۹/۵ درصد مبلغ کل پروژه افزایش می‌یابد. این اندازه افزایش، یعنی سود پیمانکار معاف از تضمین ۱۹ درصد رشد می‌کند. یعنی طبق محاسباتی ساده معافیت هر پیمانکار از سپردن تضمین، سبب ۱۹ درصد رشد در اندازه سود وی می‌شود.

• آیا چنین معافیت و چنین سودی برای پیمانکاران نظامی قبلاً هم سابقه داشته است؟

بله، سابقه داشته است. طی سال ۱۳۸۰ و در ماده ۲۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، تصویب شد که «به نیروهای مسلح و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود با توجه به تخصص‌ها و توانایی‌ها و ظرفیت نیروهای تحت نظر خود با حفظ توان رزمی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های اجرایی با دستگاه‌های اجرایی کشور قرارداد پیمانکاری منعقد نمایند.»

بعداً طی سال ۱۳۸۲ و در ماده ۴ آیین نامه اجرایی همین ماده (ماده ۲۲ قانون تنظیم) تصویب شد که «به دستگاه‌های اجرایی کشور اجازه داده می‌شود در قراردادهای پیمانکاری موضوع این آیین نامه علاوه بر تضمین‌های موجود، تضمینی به صورت نامه بالاترین مقام و احد اجرایی متضمن تاریخ صدور، مبلغی که باید تادیه شود، نام دستگاه اجرایی گیرنده و وجه و تاریخ پرداخت

(اعم از موعد معین یا عندالمطالبه) با امضای مقام مذکور را نیز برای شرکت در مناقصه به عنوان ضمانت پیش پرداخت و حسن انجام کار و انجام تعهدات قبول نمایند.» «واحد اجرایی» مندرج در این حکم هم در همان آیین نامه تعریف شده است: «واحد اجرایی» عبارت است از هر واحد مشخص و معین شده از سوی نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا (ص)، ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروی انتظامی، و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح قرارگاه خاتم الاوصیا (عج) و... البته بعدها بسیج هم در قالب بسیج سازندگی به این واحدها افزوده شد. بنابراین طبق آن آیین نامه، هر واحدی که نیروهای مسلح آن را برای اجرای پروژه معرفی کنند، برای هیچ یک از چهار تضمین قانونی، نیاز نیست که ضمانت نامه یا مال یا طلب و نقدینه‌ای را به دولت بسپارند و تنها یک نامه به کارفرمای دولتی ارائه می‌کنند.

• اثر این روش کار در عمل چیست؟

اثرش این است که این واحدهای اجرایی یعنی پیمانکاران نظامی، اولاً زمان مناقصه را برای تهیه تضمین از دست نمی‌دهند و نسبت به رقبای خود می‌توانند زودتر پیشنهاد مناقصه را آماده کنند و ارائه دهند. همچنین در هنگام انعقاد قرارداد و سپردن تضمین انجام تعهدات، ریسک از دست دادن مهلت امضا را تحمل نمی‌کنند. چنین امتیازهایی، امتیازهای فرصت است. گذشته از این، ثانیاً



همان یک و نیم درصد هزینه راکه در عرایض قبلی شرح دادم، نمی پردازند.

روشن است که این روش‌ها، زمین بازی و رقابت را به سود پیمانکاران خاص ناتراز می‌ساخت. به همین دلیل یکی از موارد نیازمند بررسی در آسیب شناسی نحوه کنونی ورود نیروهای مسلح به قراردادهای دولتی، همین نحوه سپردن تضمین است. چون در واقع، چنان‌نامه ای نوعی تبعیض بین پیمانکاران غیر نظامی و نظامی ایجاد می‌کند. اگر واقعا این‌نامه تضمین هست، پس باید بگوییم که تمام دستگاه‌های دولتی نیز در قرارداد با یکدیگر، به جای تضمین مندرج در «آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی» یک برگ‌نامه به یکدیگر بدهند و ریسک‌های قراردادی را به اقدامات پر پیچ و خم نظام اداری بسپارند. این نگرش قبلاً آموخته و معلوم شده است که عدالت و نیز شفافیت محاسباتی را به هم می‌ریزد.

• آنچه در این روزها مطرح شده است چیست؟

از سال ۱۳۹۴ در «آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی» مقرر شد: در قراردادهای پیمانکاری همه طرف‌های قرارداد دولت (اعم از پیمانکاران نظامی و غیرنظامی)، تضمین‌های مشابه بسپارند. این روش تنظیم‌گری، از نظر بخش خصوصی و مهم‌تر از آن از نگاه ناظران و پایشگران فضای کسب و کار کشور، بخشی از نابرابری‌های میان بخش خصوصی و بخش نظامی در اقتصاد کشور را مرتفع ساخت. اما از همان هنگام تاکنون، بارها نیروهای مسلح و وزارت دفاع درخواست کرده‌اند که در بخش تضمین معاملات دولتی، وضع به پیش از سال ۱۳۹۴ بازگردد. نیروهای مسلح درخواست دارند که مانند دوره پیش از «آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی» (۱۳۹۴)، نام‌ها هر واحد مورد معرفی نیروهای مسلح، جایگزین تضمین‌های واقعا نقدپذیر شود. موضوع روزهای جاری هم همین است که آیا بار دیگر دولت دارد عدم تساوی یا نابرابری در شرایط سپردن تضمین را وارد مقررات می‌کند؟ البته اگر بخواهیم دقیق و بر اساس مستندات صحبت کنیم، طبق مکاتباتی که بخش خصوصی به آن استناد می‌کند تنها یک درخواست تازه به دولت رسیده است. یا به بیان دیگر، درخواستی که قبلاً بارها در دولت اعلام شده بود که متصفانه و به صرفه

و صلاح نیست، بار دیگر به دولت رسیده است. در حالی که دولت و کمیسیون‌های آن هنوز آن را تایید نکرده‌اند. این موضوع باید در سطوح مختلف کارشناسی و تنظیم‌گری کمیسیون‌های دولت و البته در هر یک از این سطوح با حضور بخش خصوصی و تمام ذی‌نفعان بررسی و ارزیابی شود. طبعاً با ملاحظه این جوانب تصمیم‌گیری می‌شود.

• به عنوان صاحب نظر طرح‌های عمرانی، چه ارزیابی نسبت به این موضوع دارید؟

چنین استثناگذاری‌هایی، بازگشت به شرایط تجربه شده و نامساعد است. این بازگشت، مغایر تقسیم کار مدرن است و به عدالت و شفافیت کمکی نمی‌کند. حتی باید گفت، دقت در نظارت و گردش‌های مالی راکاهش می‌دهد. ما باید بکوشیم که دائماً زمین بازی را تراز و مسطح و نیز محاسبات را شفاف و یکسان بسازیم. این نکات، مسلمات ایجاد شرایط رقابتی است. اجازه بدهید با مثال عددی درهم ریختگی محاسبات را نشان دهم. طبق «آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی» (۱۳۹۴) در یک کار ۶۰۰ میلیارد تومانی، ضمانت شرکت در مناقصه، هشت میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان، یعنی ۱/۴۳ درصد (یک و چهل و سه صدم درصد) مبلغ کل پیمان است.

• وقتی محتوای قیمت‌ها ۱/۴ درصد (یک و نیم درصد) به هم بخورد و فاقد تراز و تناظر واقعی اجزای قیمت باشد، چه می‌شود؟

در این شرایط، نفر اول با معافیت تضمین، نسبت به نفر دوم یک کاهش به ظاهر یک و نیم درصدی دارد که این بیش از ۱/۴ درصد ارزش ضمانت شرکت در مناقصه است. پس این مناقصه اساساً نمی‌تواند برنده دوم داشته باشد. پس احتمال تجدید مناقصه تشدید می‌شود. این به صرفه و صلاح پروژه آسیب می‌زند. چرا؟ چون مبانی محاسباتی ما به هم ریخته است. یعنی در حالی که اختلاف واقعی نیست و واقعیت این است که مناقصه برنده دوم دارد، اما باید مناقصه تجدید شود. بدتر این است که شاید این برنده دوم ظاهری، حتی برنده اول واقعی باشد، اما قرارداد به آن رقیب برخوردار از معافیت

اعطای می‌شود. البته این اعداد، تنها آشفتگی از دیدگاه هزینه‌های ریالی است. دلایل دیگر نیز وجود دارد: در بسیاری از مناقصات تطویل فرآیند تهیه و تسلیم تضمین‌ها مانند اخذ ضمانت نامه بانکی یا آماده ساختن ضمانت ملکی عملاً اصل انصاف و یکسانی را متزلزل می‌سازد. اینها همه در حالی است که طبق قانون و سیاست‌های اعلامی، باید کاملاً برعکس باشد. طبق سیاست‌های اعلامی «باید امتیازی برای بخش خصوصی و تعاونی در برابر بخش عمومی غیردولتی در نظر گرفت».

مثلاً طبق ماده ۲۲ قانون بهبود مستمر کسب و کار: «کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلفند در انتخاب طرف قرارداد در معاملات خود از جمله پیمانکاری‌ها و امثال آنها، چنانچه اشخاص حقوقی بخش عمومی اعم از دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های تعاونی و خصوصی از لحاظ ضوابط عمومی انتخاب طرف قرارداد در شرایط برابر باشند، اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های تعاونی و خصوصی را در اولویت قرار دهند.» یا در ماده ۲۷ همان قانون آمده است: «آن دسته از اشخاص حقوقی که دولت و دستگاه‌های اجرایی، مستقیم یا غیرمستقیم در آنها سهام مدیریتی اعم از سهم شرکت، دارایی یا سهام دارند، نمی‌توانند از امتیازات و منافع تخصیص یافته به بخش‌های تعاونی و خصوصی استفاده کنند. مصادیق این امتیازات و منافع به پیشنهاد هر یک از اتاق‌ها، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین می‌شود.» این شواهد نشان می‌دهد که سیاست‌های اعلامی، رجحان بخش خصوصی بر بخش‌های دولتی و وابسته به دولت و بخش عمومی است. بنابراین چنین خواسته‌هایی حتی در صورت پذیرش در هیات وزیران ممکن است در هیات تطبیق مقررات مجلس محل اشکال اعلام شود.

• جمع بندی شما در یک جمله چیست؟

باید برای حاکمیت قانون و شرایط برابر همه بازیگران اقتصادی تلاش کرد و امیدوار بود؛ چون نقض قاعده برابری به صلاح نیست بلکه سبب تشدید چالش‌های اقتصادی و آشفتگی‌های کنونی در پروژه‌ها خواهد شد. دنیای اقتصاد



انتشار جلد پنجم مجموعه پرسش و پاسخ با موضوع

شرایط عمومی پیمان

(بخش دوم)

جلد ۵

شرایط عمومی پیمان

(بخش دوم)

مجموعه پرسش و پاسخ در ارتباط با امور پیمانکاری

هر سوال با پاسخ کارشناسی و رسمی سازمان برنامه همراه بوده و شما می‌توانید با در اختیار داشتن تصاویر آن پاسخ، نسبت به استناد در دعاوی نیز اقدامات لازم را بعمل آورید. امکان مطالعه فهرست این جلد و اطمینان از موضوع ابهام مورد نظر درج شده در

هر جلد از این مجموعه برای تمامی فعالین حوزه صنعت احداث در وبسایت رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران (acco.ir) و همچنین سفارش و تهیه آن یا از طریق سایت یا با شماره‌های ۶۶۴۶۴۲۶۱ و ۶۶۴۰۲۰۳۷ داخلی ۱۴۰، ۱۴۲ و میسر است.

پس از سالها حضور فعال صنفی و به پشتوانه هزاران نفر/ساعت تجربه مهندسی و فعالیت عمرانی اعضا در کشور، سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران با توجه به مشکلات پیش روی شرکت‌ها بر آن شد تا با تدوین مجموعه‌ای کاربردی از ابهامات و مشکلات پیمانکاران در حوزه‌های مختلف که توسط سندیکا و با مکاتبات رسمی با سازمان برنامه و بودجه و نظام فنی و اجرایی حل و فصل شده است، سعی در رفع مشکلات مشابه و افزایش دانش فنی پیمانکاران در امور قراردادی و فنی باشد.

این مجموعه در جلد‌های مختلف منتشر می‌گردد که در هر جلد به موضوعی خاص با فهرستی تخصصی تنظیم شده است. پرسش اولیه، بررسی کارشناسی و پاسخ نهایی از سوی سازمان برنامه و بودجه و یا ارگانهای مرجع مرتبط با موضوع در اختیار متخصصین گرامی قرار دارد.

این مجموعه موضوعی با نام **”مجموعه پرسش و پاسخ در ارتباط با امور پیمانکاری“** همچون جعبه ابزاری برای شرکت‌های مهندسی پیمانکاری است و به مدیران و مهندسان امکان مطالعه دانش تجربی قوانین و مقررات را بدون حضور در مجامع صنفی تخصصی فراهم می‌نماید. قبل از آنکه گرفتار مشکلات گردید با مطالعه تجربیات رخ داده توسط پیمانکاران دیگر خود را از بروز مشکلات ایمن‌تر نمایید و در صورتی که دچار مشکل گشته‌اید با مطالعه آن از مسیر صحیح نسبت به حل آن اقدام نمایید. این یک پیشنهاد صنفی تخصصی است که سالها تجربه شده است.

جلد پنجم این مجموعه با موضوع **”شرایط عمومی پیمان (بخش دوم)“** تهیه و تدوین شده است و شامل مهمترین ابهامات و سوالات شرکت‌های پیمانکاری با موضوع **”مواد شرایط عمومی پیمان“** می‌باشد که توسط سندیکا در طی سالها فعالیت و ارتباط با سازمان برنامه و بودجه کشور جمع‌آوری شده است.



پیام‌آبادگران
فروردین و
اردیبهشت ۱۴۰۲
شماره ۹۰۹



سامانه نرم افزاری
تتهاب تدگار
(تحت وب)

مشاور سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
در سامانه مالی فهرست بها و تعدیل

- + مدیریت و کنترل پروژه / سبد پروژهها
- + داشبورد مدیریتی
- + گردش کار تهیه، ارسال و رسیدگی
- + الکترونیکی به صورت وضعیتها

SHAHABTADKAR

Construction Software Web Application



نیازمندی‌های صنعت احداث کشور
www.ehdasniaz.ir



سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
تاسیس: ۱۳۲۶

خرید، فروش، تعویض تجهیزات،
ماشین آلات، خودرو و املاک خود را از
طریق احداث نیاز آگهی کنید. کالا،
خدمات و کسب و کارتان را معرفی
نمایید و از بخش کاریابی و استخدام
نیروی مورد نیاز را جذب و با درج
رزومه آینده شغلی خود را بسازید.

آژانس تبلیغات آنلاین صنعت احداث کشور



احداث نیاز

مجری، مشاور و رسانه تبلیغات اینترنتی
و بازاریابی دیجیتال صنعت احداث کشور
www.ehdasniaz.ir



حضور محترم مخاطبان ارجمند؛

وظیفه خود می‌دانیم از همراهی و دقت نظر دوستان و مخاطبان گرامی به سبب ارائه نقطه نظرات ارزشمندشان درباره بخش‌های مختلف نشریه که در مناسبت‌ها و به طرق مختلف به نشریه ارسال یا به دست اندرکاران آن ارائه می‌شود، صمیمانه قدردانی کنیم. در همین راستا سوالاتی را تدوین کرده ایم که با توجه به ورود نشریه به سال جدید با دریافت نقد و نظرهای مخاطبان عزیز شناخت بهتری و دقیق‌تری نسبت به جایگاه نشریه و اعتبار بخش‌های مختلف آن کسب کنیم. از اینرو تقاضا داریم ضمن مطالعه این بخش در صورت امکان دیدگاه‌های ارزشمندتان را به صورت مستقیم به کمیسیون انتشارات سندیکا و یا از طریق شماره ۰۹۳۵۵۰۹۲۸۷۸ به صورت تصویری تلگرام (عکس از فرم نظرسنجی) ارسال نمایید. بدیهی است که هرگونه تحول جدید در نشریه متأثر از جمع بندی دیدگاه‌های ارزشمند شما خواهد بود.

الف) مشخصات عمومی

- ۱- نام و نام خانوادگی (در صورت صلاحدید):
 ۲- رشته تحصیلی یا حوزه فعالیت حرفه‌ای (در صورت صلاحدید):
 ۳- محل فعالیت یا سکونت (در صورت صلاحدید):

ب) میزان دسترسی به نشریه

- ۱- هر شماره ماهنامه را مرتب نشریه را مطالعه می‌کنم
 ۲- به تناسب و موقعیت زمانی نشریه را مطالعه می‌کنم
 ۳- به صورت موردی یا اتفاقی نشریه را مطالعه می‌کنم

ج) ارزیابی محتوای نشریه

- ۱- مزیت نشریه را در کدام بخش می‌دانید؟ سرمقاله مقالات اقتصادی اطلاع‌رسانی درباره سندیکا بسترسازی برای کاهش و رفع مشکلات صنفی ارائه نقطه نظرات اعضای سندیکا به مسئولین کشور بخش آموزشی و اطلاع‌رسانی عمومی
 ۲- کدام بخش‌ها را مناسب و کدام بخش‌ها را ضعیف ارزیابی می‌کنید؟
 ۳- نقطه نظرات کارشناسان نشریه را در چه سطحی ارزیابی می‌کنید؟ (الف) عالی (ب) خوب (ج) متوسط (د) ضعیف
 ۴- نشریه نسبت به چه مسائلی توجه کافی نشان نداده است؟
 ۵- در هر شماره کدام بخش را بیشتر مطالعه می‌کنید؟
 الف) سرمقاله (ب) بخش‌های اقتصادی
 ج) بخش‌های مربوط به سندیکا (د) بخش‌های سرگرمی و اطلاع‌رسانی عمومی (ه) مقالات کارشناسان مختلف
 ۷- در مجموع نمره نشریه در چه میزانی ارزیابی می‌کنید؟ (الف) کمتر از ده (ب) بین ده تا پانزده (ج) پانزده تا ۱۷ (د) بالاتر از ۱۷
 ۸- آیا تمایل دارید با ارسال مطالب و مقاله یا نقطه نظراتتان به صورت مستمر به افزایش کیفیت نشریه یاری کنید؟
 الف) بله (ب) خیر (ج) در صورت امکان
 ۹- چه توصیه‌ای به سردبیر یا دست‌اندرکاران نشریه دارید؟
 ۱۰- آیا تمایل دارید نشریه را از طریق ارائه رپرتاژ فعالیت‌های حرفه‌ای یا آگهی‌های تان یاری کنید؟



اشتراک ماهنامه پیام آبادگران



نام و نام خانوادگی: _____ شرکت: _____ سمت: _____
 نشانی و تلفن تماس: _____

جهت آبونمان مجله پس از واریز مبلغ ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال برای اشتراک یکساله به حساب جاری ۱۱۰۴۲۹۱۰ (شماره شبا ۱۸۰۰۰۹۶ ۰۴۲۹ ۱۰ ۰۰۱۱ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۱۸۰ ۰۶۲ IR)، شماره کارت ۱۶۰۴ ۱۰۷۷ ۸۳۷۰ ۵۸۵۹) نزد بانک تجارت شعبه کار کد ۱۸۰۰۰۹۶ به نام سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران، تصویر فیش واریزی از طریق شماره ۰۹۰۲۶۴۶۴۲۶۱ در فضای مجازی (تلگرام، واتساپ) یا فکس به شماره ۰۶۴۶۴۰۸۴ و یا ایمیل payamabadgaran.ir@gmail.com ارسال نمایید.
 جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره‌تلفن‌های ۰۶۶۹۷۱۴۰ (انتشارات سندیکا) - ۰۶۶۴۶۴۲۶۱ (دبیرخانه سندیکا) تماس حاصل فرمایید.





چیلرهای تراکمی مست‌ایر



- طیف عملکردی وسیع
- سازگار با محیط زیست
- قابلیت اطمینان بالا
- کنترل دمای دقیق
- اشغال فضای کم و نصب ساده
- عملکرد مستمر بدون توقف

- طراحی منحصر به فرد
- تکنولوژی پیشرفته
- مجهز به معتبرترین قطعات کارخانجات دنیا
- بازه ظرفیت ۲/۵ الی ۸۵ تن برودتی و قابلیت ماژول تا ۱۶ دستگاه
- بازدهی بالا و کاهش هزینه های جاری
- سطح صدای پایین
- کمپرسور دمن DC اینورتر



بانک شفاف، بانک پاسخگو

ما در بانک خاورمیانه پاسخگویی و شفافیت در قبال ذینفعانمان را یکی از مهم‌ترین ارزش‌های بنیادی برای رسیدن به اهداف خود تعریف کرده‌ایم و معتقدیم در قبال مشتریان، سهامداران، کارکنان و جامعه باید پاسخگو و شفاف باشیم.

ما تاکنون با انتشار بیش از ۱۰۰ گزارش با عناوینی مانند گزارش سالانه، گزارش صورت‌های مالی، گزارش وضعیت کفایت سرمایه، گزارش فعالیت هیات‌مدیره به مجمع عمومی، گزارش خالص تسهیلات اعطایی به تفکیک عقود، ائشانگری ریسک‌های بانک طبق مدل پیمان بازل و... تلاش کرده‌ایم در مسیر پاسخگویی و شفافیت قدم برداریم. ما معتقدیم ارزش‌های بنیادی بانک خاورمیانه نه یک شعار بلکه باید مقیاسی قابل اندازه‌گیری باشد.



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir